

آموزش تخصصی امور سرگله‌ها

رشاد

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای دبیران
 دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش
 دوره شانزدهم، اردیبهشت ۱۳۹۰، شماره ۹۰
 ۴۸ صفحه، ۳۲۰۰ ریال

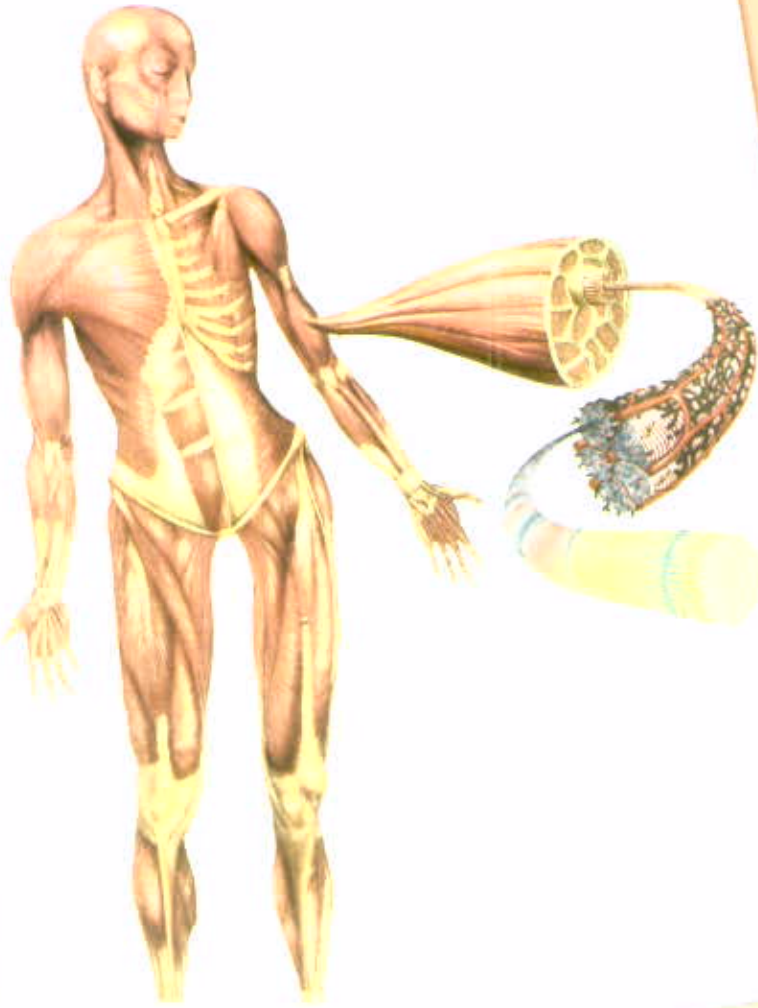
- دانش‌آموزان معمار
- این‌طور بیوشیم
- کلاس آرامش‌بخش
- ویژه‌نامه‌های آموزشی درس‌های تربیت‌بدنی، علوم تجربی و جغرافیا



خفاقیات محلی یادگیری

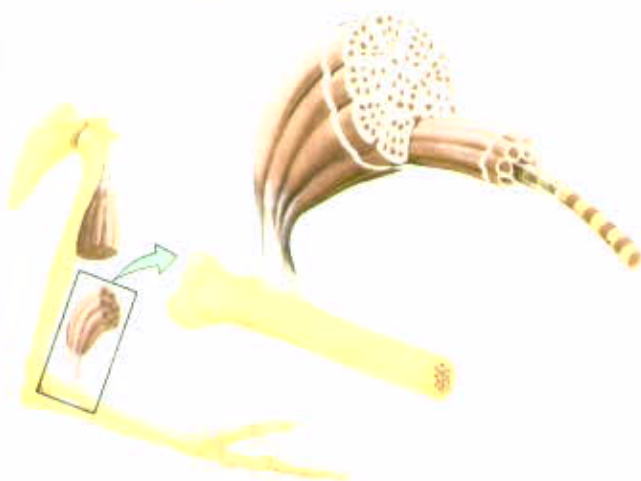
در تصویرسازی علمی، عنصر خیال، بیرونگرش علمی و اطلاعاتی «متن» است. تخیل با جایی می‌تواند در این گونه از تصویرسازی گسترش یابد که خدشه‌ای بر واقعیت علمی و آموزشی وارد نیاید و در چارچوب انتقال اطلاعات درسی، حرکت کند. عنصر خیال می‌تواند در ایجاد ارتباط سارنده با مخاطب مؤثر باشد و سپس توجه اصلی مخاطب را به سوی هدف آموزشی هدایت کند.

این تصویر از یک کتاب مرجع است.



کدام یک (با توجه به نکات گفته شده) موفق تر است؟

منتظر پاسخ شما همکاران عزیز هستیم



این تصویر از صفحه ۱۱۴ کتاب علوم تجربی سال سوم راهنمایی انتخاب شده است

ششصد و هشتاد و یکمین شماره

امور و راهنمای

مأتمنة آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی
برای دبیران، دانشجوین و کارشناسان آموزش و پرورش

دوره شانزدهم - اردیبهشت ۱۳۹۰ - شماره پیاپی ۹۰

یادداشت سردبیر

چور دیگر باید دید / محمدرضا حشمتی / ۲

عدرسه زندگی

لطفاً از این طرف / سعیده اکبری نظری / ۳

زنده باد مدرسه شادا! / دکتر فرید براتی سده / ۴

دانش آموزان معمار / ثمانه ایروانی / ۶

فرا تر از چهار دیواری / الیلی محمدحسین / ۸

این جا خط پایان نیست / دکتر بدالله سعیدیا / ۱۰

مهم کیست؟ / دکتر محمدعلی شامانی / ۱۳

راه میان بر اما... / معصومه خیرآبادی / ۱۶

این طور ببوشیم / دکتر احمد مختاریان / ۲۸

عبور دوطرفه آزاد / ۴۸

داستان

من را هم ببینید / کتابیون رجیبی راد / ۱۴

دنیای ارتباطات

یک وبلاگ: صد مهمان / سیده شهیدی / ۱۸

بحرینها

هوای آزاد / نفیسه نجات / ۲۰

یک حرفه در صد نگاه / مریم زارعیان / ۲۱

چه قدر زود گذشت! / طاهره ابراهیمی / ۳۳

تاریخ ماندگار

دانشگاه تهران / فاطمه محمودیان / ۲۲

طنز

اردوی به یاد ماندنی / نهدی رضاییان / ۳۳

بی صدترین درد تاریخ / احمد عربلو / ۲۷

خاطره

خداحافظ رفقا / حمیدرضا شهسواری / ۲۶

گزارش

کلاس آرامش بخش / سمانه آزاد / ۳۰

ویر داماد

تلاش برای تندرستی / طیبه ارشاد / ۳۶

امادگی جسمانی / ۳۷

شکست تبلیسیم / عباس اردستانی / ۳۸

آخرین خانه تکانی های کتاب علوم / زهرا شعبانی / ۳۹

کلاس علوم با نشاط / اکرم احمدی / ۴۲

راحت الحلقوم های لذت بخش / فاطمه عابدی / ۴۳

زنده باد کلاس جغرافیا / فاطمه خرقالبان / ۴۴

کتاب های کمک آموزشی تربیت بدنی، علوم تجربی و جغرافیا / طیبه الدوسی / ۴۶

مدیر مسئول: محمد ناموری
مدیر نشر: محمدرضا حشمتی
نویسندگان: علی اصغر جعفریان، علی اصغر حشمتی، فرحناز حدادی و نیلی محمدحسین
عنوان: فاطمه محمودیان
ویراستار: کبری محمودی
طراح: کریمکده مهدی کریم خانی
شماره نشر: مجله پهن / اردیبهشت ۱۳۹۰ / شماره پیاپی: ۲۶۶
صفحه: ۱۷۹ / ۵۹۵
تلفن: ۰۲۳۳ / ۸۸۳۰
پست: ۰۲۳۸ / ۸۸۳۰
وبسایت: www.roshdmag.ir
رایانامه: rahnamayee@roshdmag.ir
تلفن پست: تهران / پست: ۱۹۸۲ / ۸۸۳۰
کد پستی: ۱۱۵ / کد ملی: ۱۱۳
شماره: ۳۳ / پست: تهران / صفحه: ۱۱۱ / ۱۶۵۵۵۱۱۱
تلفن: ۰۲۳۳ / ۷۳۳۶۵۵ - ۷۳۳۶۵۵
شماره: ۱۳۷۰ / صفحه
جانب: شرق (شهرستان علم)

عکس روی جلد: هانف همایی

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم

- مقاله‌هایی که برای طرح در مجله می‌فرستید باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.
- مقاله‌هایی ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید فرمایید.
- مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود.
- مقاله‌ها می‌تواند با نرم افزار word و روی سی‌دی یا فلپی و یا از طریق رایانه به مجله ارسال شوند.
- در مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و فراموش نشود عناوین علمی و فنی جهت لازم درج شود.
- محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود.
- مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدفها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود.
- کلمات حاوی معنی عامه (گندوازه) از متن استراخ شوند.
- مقاله باید دارای تیر اصلی، تیرهای فرعی در متن و سوبتیم باشد.
- معرفی نامه کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عنوان و آثار وی سوبت شود.
- مجله در رد قبول ویرایش و تاخیر مقاله‌ها رسیده مختار است.
- مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود.
- دارای مدرج در مقاله سوبت نامین رای و نظر مسئولان مجله نیست.

چون دیگر باید دید چون است

ما معلمان هر وقت به آخر سال می‌رسیم، رنگ و بوی ارزش‌یابی می‌گیریم. اما وقتی به صحبت علمی درباره ارزش‌یابی توجه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که شاید از اهداف اصلی آموزش و پرورش دور شده‌ایم. «روش‌های ارزش‌یابی ما همیشه نیاز اختصار، دلپره و تشویق برای دانش‌آموزان است. هرگاه فرزندان ما از آن بی‌خبرند که از حصار این کانس‌های وحشت فرار کنند، باز هم خود را در چسبده آن گرفتار می‌بینند و چاره‌ای جز دست و پنجه نرم کردن با آن نمی‌یابند.»

سرنوشت دانش‌آموز با نمره هجده تا بیست رقم می‌خورد و همان دانش‌آموز در درس دیگر با نمره سیزده تا پانزده شکست می‌خورد. ندیده است که با نمره «فرگ علمی» دانش‌آموز از نوازنده به یاس به صدا در می‌آید، اما آن که با نمره بیست قله غرور را فتح می‌کند یا این که چرا این دانش‌آموز، با اخذ نمره دوازده باید به شکست محکوم شود و سربان حیات علمی او با عنق نه قطع شود، سوالی بی‌پاسخ است! آیا به چاره‌ای وجود دارد که در آن، به این سوال پاسخ داده شود؟

نگاه مجدد به ارزش‌یابی، بازنگری و بازتعریف آن و ایجاد ارزش‌یابی نوین، ضرورتی قطعی و یقینی است.

- یکی از مهم‌ترین معضلاتی که گرفتار آن هستیم، رقابتی شدن آموزش و پرورش است. به طوری که دانش‌آموزان - این فرزندان آینده‌سازان از آغاز کودکی و ورود به مدرسه، با وجود نوسانی و مسازکت یا نگرانی، متأسفانه به تدریج چنان رقابت هم می‌نمایند و چنان اندیشه فردگرایی بر جمع‌گرایی مسلط می‌شود که عملاً امکان مشارکت مؤثر معادار در تروپ کلاس‌ها و مدرسه‌ها از بین می‌رود یا کاهش می‌یابد. این لغت به طور مستمر به جامعه ترویج و به صورت ناو عمومی ظاهر می‌شود. به گونه‌ای که شریک بودن بر خلاف منسبت الهی بنده می‌شود و هویت فردی بر هویت جمعی و کلی غلبه می‌کند و ظاهر می‌شود.

- نتیجه‌گرایی مفرط و توجه افراطی به نتیجه، سد و مانع بررگی در برابر هر گونه تحول مناسب در آموزش و پرورش شده است. همه ما نگرش ابزار و کمی و بی‌توجهی به نگاه ارزش کیفی را به صورت فرهنگ رایج ترویج می‌کنیم. به طوری که نوعی کمیت‌گرایی بر نمایی از کان این سرزمین سازه افکنده است. این امر لغت و مانعی بر هر نوع تعبیر درست تر تعلیم و تربیت است. دانش‌آموزان یا به خطر افتادن بهداشت روانی‌شان، یا این ناوور که جس جبری وظیفه آن‌هاست، دچار آسیب جدی می‌شوند. به تدریج از دنیای پرسناط و لذت‌ز از توان و استعداد نوجوانی فاصله می‌گیرند و به موجوداتی منفعل تبدیل می‌شوند که محفوظاتی را در ذهن دارند. از شویی دیگر هم، مهارت‌های بنیادی زندگی و اعتماد به نفس در آن‌ها به شدت رو به کاهش می‌گذارد.

به نظر می‌رسد، **تغییر و تحول در آموزش و پرورش** تنها راه نجات است. به عبارت دیگر، تحول برای آموزش و پرورش، هم‌چون اکسیر برای موجود زنده است و آموزش و پرورش که در آن تعبیر و تحول نیابند، مثل کالبد مرده‌ای است که دیر یا زود به دیگر بخش‌های جامعه آسیب خواهد زد.

نوسان! اگر از تغییر و تحول در آموزش و پرورش باز بمانیم، تعلیم و تربیت از بین می‌رود. تصور عوامانه‌گر بر همسنگی از تغییرات، باید از جامعه معلمان این سرزمین رخت بریند تا ما بتوانیم شاهد رشد قوریند نمای دانش‌آموزان، در همه ابعاد و به صورت هماهنگ باشیم. همکاران محترم، **باید به ارامی** با تغییر نگرش‌ها، مهارت‌ها و رفتارها، زمینه‌ساز این مهم باشیم. ان‌شاء الله در سال تحصیلی آینده با مشارکت و همراهی شما جوانان، بیش از پیش به موضوع ارزش‌یابی توصیفی خواهیم پرداخت. منتظر نظرات و دیدگاه‌های ارزشمند شما هستیم.

بی‌نویس

دانش‌آموزانی، محمد مرشدی، آموزش و پرورش، بی‌نویس، فصلی، مجله تربیت‌کنان مدارس اسلامی، زم ۱۳۸۹

لطفاً از این طرف

سعی‌ده اکبری نظری

یکی از بسترهای تمرین حل مسئله این است که در مدارس، به دادن اطلاعات اکتفا نشود، بلکه به دانش‌آموزان اجازه داده شود که خود مسئله را حل کنند

صورت مسئله وجود دارد. برای مثال در درس‌های تاریخ، معلم می‌تواند وقایعی را که در طول زمان اتفاق افتاده است، به ترتیب، به صورت قصه مطرح کند و در کلاس تنها او متکلم باشد، اما روش دیگر این است که موقعیت و شرایط آن دوره را مطرح کند و از بچه‌ها بخواهد خود را به جای پادشاه یا مردم آن دوره قرار دهند و راه‌حلی را که برای حل مشکل آن مقطع زمانی به ذهنشان می‌رسد مطرح و در کنار آن، دیدگاه‌های یکدیگر و در نهایت اتفاقی را که در تاریخ افتاده است، بررسی و آسیب‌شناسی کنند. بسیاری از درس‌های دیگر مانند معارف، علوم اجتماعی، ادبیات

و... نیز فرصت مناسبی برای تمرین این مهارت است.

در واقع در کلاس درس معلم باید کنار دانش‌آموزان قرار گیرد، مسئله‌ای را پیش روی آن‌ها قرار دهد و اجازه دهد با بررسی راه‌های متفاوت، به نتیجه برسند. در این میان، نقش او تنها راهنمایی برای رسیدن به مقصد است، نه رساندن دانش‌آموز با چشم‌های بسته به نقطه پایان؛ خطایی که اغلب ما مرتکب آن می‌شویم و نتیجه آن تربیت نسلی شکننده خواهد بود؛ نسلی که وقتی در زندگی با مسئله‌ای روبه‌رو می‌شود، انتظار دارد کسی نقش کتاب حل مسائل را برایش ایفا کند و اگر آن کتاب را نیافت، به این نتیجه می‌رسد که حتماً راه‌حلی برای این مشکل وجود ندارد و این پایان راه و آغاز بدبختی است.

روش تدریس و ارائه مسائل توسط ما می‌تواند پایه‌گذار سبک زندگی فرزندانمان در آینده باشد پس تلاش کنیم تا با مطالعه و یادگیری شیوه‌های کارآمد در ارائه مطالب درسی، در کنار آموزش عناوین هر واحد درسی، خوب زیستن را نیز در کلاس‌ها تمرین کنیم.

چه کم؟ این اساسی‌ترین مسئله زندگی انسان‌هاست. همه ما از وقتی چشم باز می‌کنیم، خود را در جهانی بیچ‌بیچ می‌بینیم که در کلی‌ترین جنبه‌های زندگی تا جزئی‌ترین آن‌ها، با «چه کم؟» های متعددی مواجه می‌شویم.

در تاریخ زندگی بشر و در حوامع بشری، به مرور سنت‌های فرهنگی شکل گرفته‌اند. این سنت‌ها پاسخ بسیاری از این «چه کم؟» ها را می‌دهند و به طور طبیعی بسیاری از مسائل ما از پیش حل شده‌اند. اما صرف‌نظر از این که اگر کسی به صورت کورکورانه از سنت‌ها تبعیت کند، فاقد زندگی اصیل است. در زندگی امروزی با توجه به تغییرات سریعی که پیرامون ما شکل می‌گیرد، سنت‌های ما در حال از دست دادن تسلط خود هستند و در بسیاری از مسائل جدید نیز هنوز سنتی حاکم نشده است. بنابراین، هر یک از ما در زندگی با مسائلی مواجه هستیم که پاسخ آن‌ها را نمی‌توانیم با مراجعه به سنت به دست آوریم و باید به «مهارت حل مسئله» محویر باشیم.

این مهارت نیز مانند سایر مهارت‌ها نیازمند تمرین است. یعنی برای حل مسائل مهم زندگی‌مان باید از همان کودکی، با مسائل گوناگون مواجه شویم و با کمک راهنما، با روش حل مسئله، انواع راه‌حل‌ها و نتایج آشنا شویم.

یکی از بسترهای تمرین حل مسئله این است که در مدارس، برای درس‌های تخصصی و عمومی، به دادن اطلاعات اکتفا نشود، بلکه به دانش‌آموزان اجازه داده شود که خود مسئله را حل کنند.

برای رسیدن به این هدف، لازم است قدم به قدم پیش برویم:

قدم اول: به تمامی بچه‌ها اطمینان دهیم که می‌توانند راه‌حلی برای هر مسئله پیدا کنند.

قدم دوم: از آن‌ها بخواهیم با بررسی مسئله، قسمت‌های پیچیده‌تر را به قسمت‌های ساده تقسیم کنند. سپس مسائل را اولویت‌بندی کنند و نکات مهم را مشخص سازند.

قدم سوم: تمامی راه‌حلی‌هایی را که به ذهنشان می‌رسد، بدون قضاوت در مورد درست یا غلط بودن آن، یادداشت کنند.

قدم چهارم: راه‌حل‌های مطرح شده را مقایسه و نتایج هر یک را بررسی کنند.

قدم آخر: بهترین و کارآمدترین راه را برای حل انتخاب کنند و ارائه دهند.

شاید در نگاه اول به نظر برسد که حل مسئله بیشتر به درس ریاضی یا تجربی مربوط است، اما امکان ارائه تمامی درس‌ها به



عکس: رضا بهرامی

سازمان روانشناسی



زندگی با یادگیری و شادمانی!

کلیدواژه‌ها: نعمت، دانش، شادی.

در سال‌های اخیر، رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا و مقوله‌هایی چون سودگاری مطرح شده و به ویژه نظریه زندگی کامل سلیگمن ارائه شده که در آن بر چند جنبه زندگی کامل تأکید می‌شود سلیگمن (۲۰۰۴) می‌گوید خوش‌بختی یا همان زندگی کامل، شامل سه نوع زندگی است که عبارت‌اند از:
الف) زندگی شاد و لذت‌جس که به دنبال‌های مثبت در گذشته، حال و آینده معنوف می‌شود ب) زندگی با اساق که به توانمندی‌ها و فضیلت‌های ادنی مربوط است ج) زندگی با معنا که در آن قصد و هدف و معنایی بر بی زندگی معنوف می‌شود.
سلیگمن معتقد است که وجود این سه نوع زندگی، موجب افزایش خوشنودی و رضایت از زندگی و شادگاری و نهایت سبب سعادت و خوش‌بختی فرد می‌شود هدف

یکی از اهداف روان‌شناسی مثبت‌گرا، ایجاد محیط‌ها یا مؤسسات و نهادهای مثبت است. مدرسه یکی از این محیط‌های مهم یادگیری مثبت است. در این دوره، کوشیدیم طی سلسله مقالاتی، اصلی‌ترین نکات مرتبط با مدرسه مثبت را برای شما همکاران گرامی ارائه دهیم. در این شماره، آن‌چه را که بیان شد، جمع‌بندی می‌کنیم.

روان‌شناسی مثبت‌گرا سه حیطهٔ اساسی است: ۱- هیجان‌های مثبت و شادی انسان؛ ۲- توانمندی‌های مثبت و فضیلت‌های انسان‌ها؛ ۳- نهادهای مثبت از جمله خانواده، محل کار و مدرسه و محیط‌های آموزشی مثبت.

برای افزایش شادی و رضایت از زندگی، تدابیر و فعالیت‌هایی تدوین شده است که می‌توان با کاربرد آن‌ها سه نوع زندگی و در نتیجه خوش‌بختی افراد و نهادهای گوناگون را تأمین کرد. کاربست این تدابیر در مدارس، مدتی است که در دستور کار روان‌شناسان قرار دارد و متخصصان برای ایجاد مدرسهٔ مثبت و تدوین دروسی که به بار مثبت داشته و امیدافزین و شادی‌افزا باشند، پروژه‌هایی را به کار برده‌اند؛ از جمله پروژهٔ مدرسه‌های در مدارس بیسلوانیا که توسط سلگمن و همکارانش (۲۰۰۹) انجام شد. همچنین، آن‌ها یک پروژهٔ مفصل نیز در مدرسه‌ای در استرالیا اجرا کرده‌اند. در پروژه‌های اجرا شده، متخصصان در کلاس حاضر شدند و تمرین‌های مربوطه و از جمله تمرین سه نعمت با سه داشتهٔ زندگی و شمارش داشته‌ها را به کار بردند. هدف از این تمرین، آن است که توجه دانش‌آموزان با یادآوری و نوشتن سه داشته یا سه نعمتی که در طی روز به آن رسیده‌اند، بر آن‌چه در زندگی دارند، معطوف شوند و نه به نداشته‌ها. بررسی‌ها نشان می‌دهد، فکر کردن به نعمت‌ها و داشته‌ها، موجب افزایش سطح امید، رضایت از زندگی و شادی می‌شود (سلگمن، ۲۰۰۲؛ سلگمن و همکاران، ۲۰۰۹). بررسی‌ها نشان داد که در استرالیا در مدرسه‌ای که سه سینهٔ تدوین شدهٔ مربوطه به کار بسته شد، سطح رضایت از زندگی و شادمانی دانش‌آموزان افزایش یافت (سلگمن و همکاران، ۲۰۰۹). از دیگر تمرین‌های مربوطه می‌توان به تمرین‌های امید، نامهٔ شکر، شناخت و استفاده از توانمندی‌های مثبت و فضیلت‌ها و... اشاره کرد.

به طور کلی در این مقالات، با توجه به رویکرد اخیر در روان‌شناسی، یعنی روان‌شناسی مثبت‌گرا و با تأکید بر یکی از

حیطه‌های مورد نظر یعنی مدرسهٔ مثبت، به بررسی یک محیط مثبت آموزشی از دید دی‌نفعان اصلی، یعنی دانش‌آموزان و معلمان، اشاره شد. سواهد موجود نشان می‌دهد، در موارد زیادی بین نظر دانش‌آموزان یا معلمان در این‌که مدرسهٔ مثبت چگونه مدرسه‌ای است، توافق کلی وجود دارد. با این همه، دید دانش‌آموزان بیشتر از نگاه فردی و مبتنی بر خواسته‌های فردی است، حال آن‌که نظر معلمان عمدتاً براساس ضابطه‌مداری و رعایت مقررات و ضوابط در درجهٔ اول و سپس داشتن فرصت رشد فردی است.

همچنین، علاوه بر رعایت نظم و مقررات و اعمال ضوابط به عنوان یک رکن عمدهٔ مدرسهٔ مثبت، مفهوم مدرسهٔ شاد، امیدبخش و رضایت‌ساز، یا با تعمیمی از مؤلفه‌های سه‌گانهٔ زندگی خوب سلگمن، می‌توان مدرسه‌ای را مثبت خواند که مدرسه‌ای شاد و لذت‌بخش، توانمندمحور و با معنا (هدفمند) باشد. این وجوه و تدابیر و راهکارهای مبتنی بر آن‌ها، در حال حاضر مورد مطالعه قرار دارند و امید می‌رود که در آینده‌ای نه چندان دور، در سرفصل‌های تدرسی مدارس در نقاط گوناگون جهان آورده شوند.

پی‌نوشت

1. full life

منبع

1. Seligman, M. E. P. (2002). *Authentic Happiness: Using the new positive psychology to realize your potential for lasting full fulfillment*. New York: Free press
2. Seligman, M. E. P., Ernst, R. M., Gillham, J., Rervich, K., & Linkins, M. (2009). positive education: positive psychology and classroom interventions. *Oxford Review of Education*, Vol. 35, pp 293- 311

فکر کردن به نعمت‌ها
و داشته‌ها، موجب
افزایش سطح امید،
رضایت از زندگی و
شادی می‌شود

عکس: علی‌رضا عباسی



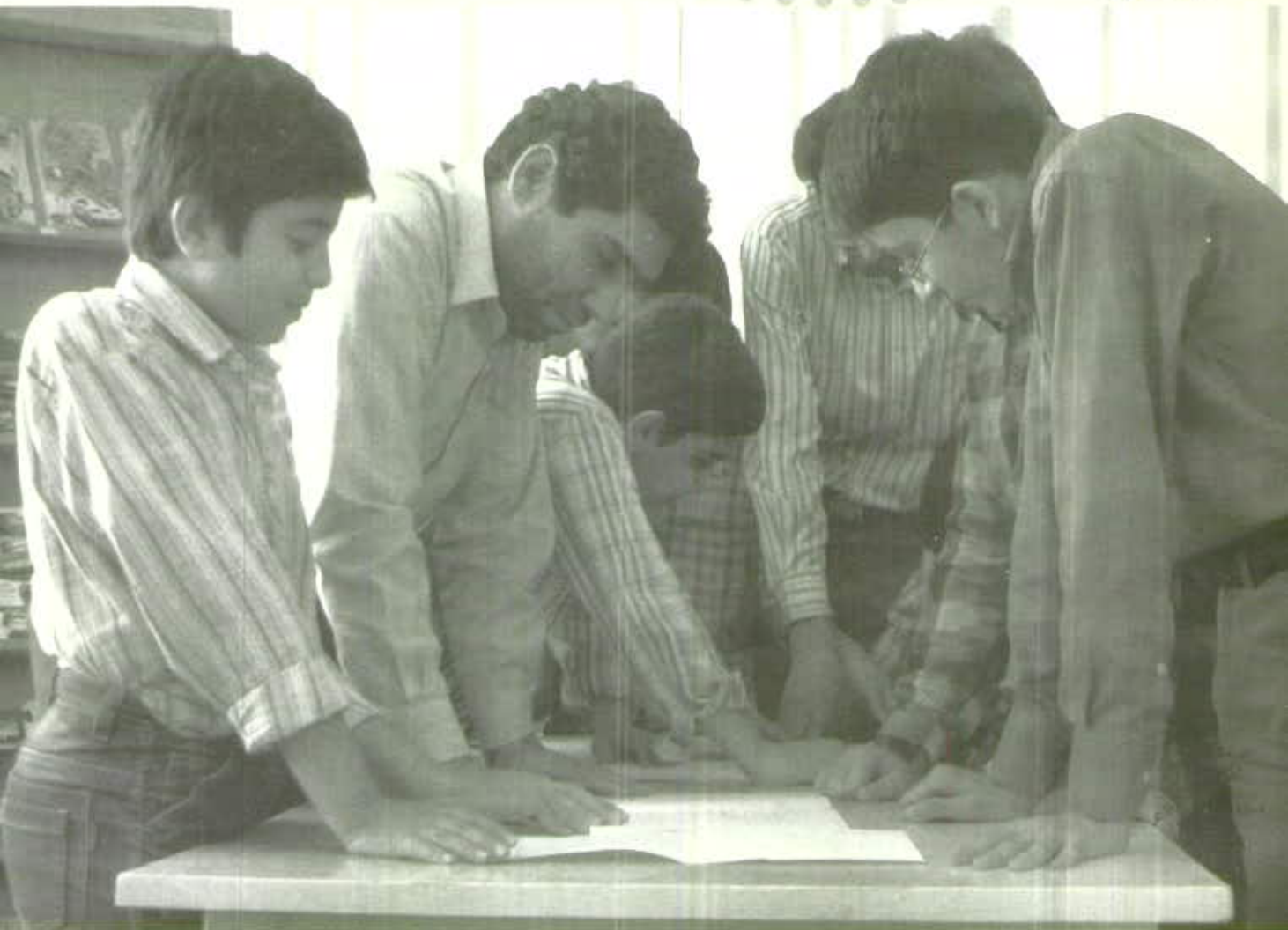
دانش آموزان معمار

آن چه گذشت

تیم معماری با سه دانش آموز، یک معمار متخصص در زمینه فضاهای آموزشی و مدیران مجتمع آموزشی اتم از اندی، راهمناهی و دبیرستان، تشکیل شد. قرار بود این تیم به صورت کاملاً تخصصی، مشکلات مربوط به حیاط مدرسه را بررسی کند تا بتواند برای آن در بلند مدت، طراحی خوبی ارائه دهد و آن را در مدرسه به بهترین نحو اجرا کند. امروز نتیجه این جلسه و آن چه را بحث شد از زبان سرگروه دانش آموزان ادامه می دهیم.

جلسه روز یکشنبه ساعت ۹:۳۰ بود. ما نیز اطلاعاتی را که جمع پوری کرده بودیم، همراه خود آوردیم. کمی از این که در جلسه حضور داشته باشیم، رعب و وحشت داشتیم، چرا که تاکنون در مدرسه جلسهای به این خد جدی که معماران و مدیران حاضر باشند و دانش آموزان نیز آزادانه حق صحبت کردن داشته باشند، نداشتیم. البته همیشه در مدرسه ما برنامههای جمعی و گروهی بود، اما امروز احساس دیگری نیست به جلسات دیگر و با برنامههای دیگر داشتیم. به هر حال، آقای معمار نقشههایی برای طراحی حیاط ما کشیده بود و آن ها را روی اسلاید به همه نشان داد.

عکس: حسین بوسیر



ایشان می‌گفت از این به بعد هر گونه طراحی و اجرای مسائل معماری مدرسه از سوی مدیران، ممنوع است و توضیح داد که اگر قرار باشد شما در این حوزه بتوانید نظر دهید، پس بنده نیز این اجازه را به خودم می‌دهم که در شیوه کلاس داری شما دخالت کنم و راجع به روش ندرستان نظر دهم. البته مدیران مدرسه ما اصلاً از این نحوه برخورد لذت نبردند، ولی من احساس کردم حرفش کاملاً منطقی است. ایشان در عین حال که کار طراحی توسط هر کسی را ممنوع کرده بود با کارهای هم‌شکل و هم‌تیب نیز کاملاً مخالف بود می‌گفت چرا سازمان نوسازی مدارس، برای تمام مدارس در تمام نقاط ایران که اقلیم‌های متفاوتی دارند از یک طرح و یا حتی چند طرح خاص پیروی و آن را اجرا می‌کند بسیاری از مدارس روستایی، شبیه به مدارس شهری هستند و این نشان می‌دهد که معماران طراح و یا اجراکننده به تفاوت‌های شهر با روستا واقف نیستند که مدارس روستایی را به همان زشتی مدارس شهری می‌سازند. ایشان می‌گفت متأسفانه سازمان نوسازی مدارس حتی به مدارس اجازه نمی‌دهد که سنگ‌دیواره راهرو و یا رنگ کلاس‌هایشان را انتخاب کنند به این دلیل که رنگ‌ها باید از یک جای خاص و از یک کارخانه خاص خریداری شود این طرز تفکر کاملاً اشتباه است و ما را به سوی تمرکزگرایی می‌کشاند. کما این که معماری تمام ساختمان‌های ما به این سمت کشیده شده است. بعد از این صحبت‌ها، مدیران خوش حال شدند و به آقای معمار گفتند پس شما نیز با ما موافق هستید که باید تمرکزگرایی کنیم و باید قادر باشیم در حوزه طراحی مدرسه، خودمان نظر دهیم و سنگ‌های زشت راهرو و یا کف آن را عوض کنیم و غیره.

آقای معمار گفت بله! بنده به طور کلی با نوسازی و مرمت مدرسه‌ها موافق هستم. اما نه به دست شما مدیران و همکارانتان! بلکه به دست افراد مجرب و نه به دست هر معمار یا مهندسی، بلکه دقیقاً به دست آن کسانی که مسائل آموزشی و مدرسه‌ای را می‌دانند و سال‌ها در زمینه مشکلات معماری تحقیق کرده‌اند و به راه‌حل‌های مناسب و با چشم‌اندازی برای مدارس فردا نیز رسیده باشند. این طور نباشد که هر معمار یا مهندسی بتواند در حوزه آموزشی و معماری مدرسه نظر دهد و کارش را طراحی و اجرا کند. این بسیار اشتباه است. حال آن که در بسیاری از کشورهای پیشرفته دنیا، معماری مدرسه را به دست هر کسی نمی‌سپارند و دقیقاً به دست معماری می‌سپارند که سال‌ها با معلمان، مدیران و بچه‌ها نشست و برخاست کرده است و روش‌های تدریس قدیم و جدید و روش‌های تدریس کنونی را به خوبی می‌داند و متوجه است که معلم در محیط آموزشی چگونه با دانش‌آموز خود تعامل می‌کند و هر یک از نظر معماری چه نیازهایی دارد. طراحی مدرسه و یا بازسازی آن، کاری نیست که حاصل یک فکر و یک اندیشه باشد. اگر مدرسه‌ای طراحی را فقط وظیفه معمار بداند، بسیار به خطا رفته است. چرا که طراحی فضاهای مدرسه، کاری گروهی است و به تلاش و کار فشرده، همراه با آگاهی از علوم روز دنیا و اشراف به مسائل معماری کشور و نیازهای آموزشی آن محتاج است. در هر حال، من در این‌جا آمده‌ام که این مسائل

را برای شما روشن کنم. به همین دلیل، در گروه کاری‌ام از شما به عنوان مدیر و معلمان و از شاگردان به عنوان طراحان کوچک درخواست کردم این‌جا حضور داشته باشند و مرا در کار طراحی کمک کنند. این بچه‌ها بهتر از هر کس دیگری به مسائل معماری مدرسه‌شان واقف هستند و ما «معماران» باید خواسته‌های معماری را از اعمال و رفتار آنان در محیط‌های یادگیری کشف کنیم و آن را در طراحی‌های آینده و یا در مرمت و بازسازی مدرسه به کار بیاوریم.

و اما کار طراحی حیاط

- * همیشه سعی کنید حداقل شش ماه روی کار طراحی تأمل و آن را در بازه‌های مختلف اجرا کنید.
- * خط‌کشی‌های مدرسه را پاک کنید. و اگر نیروهای آموزشی مدرسه مایل بودند با بچه‌ها صحبت کنند می‌توانند از سالن اجتماعات و یا سالن نمازخانه بهره بگیرند.
- * زمین‌های ورزشی را در قسمت‌هایی از حیاط، با کفپوش مناسب تعمیر و اسفالت آن را حذف کنید.
- * بخشی از باغچه حیاط را به بچه‌ها دهید تا خودشان با مدیریت معلم علوم، گیاهانی را بکارند و پرورش دهند.
- * آب روشویی‌ها، آب‌خوری‌ها و آبدارخانه مدرسه را به مسیر خاصی هدایت کنید و به بچه‌ها آموزش دهید با فناوری نانو، دستگاه‌های کوچک تصفیه درست کنند و از آن آب برای مصارف باغبانی و یا دیگر کارها استفاده کنند.
- * سعی کنید در طبقه اول، یک لایه کوچک و مرتب مشرف به حیاط طراحی شود تا والدین بتوانند در آن‌جا بنشینند و بچه‌های خود را در حین فعالیت‌های آموزشی تماشا کنند و اگر لازم بود جلسات را با مدیر و معلمان داشته باشند.
- * نمای مدرسه را مرمت کنید. شیشه‌های پنجره کلاس‌ها را از حالت مات درآورید و اجازه دهید بچه‌ها در نور آفتاب و مناظر طبیعی مدرسه غرق شوند.
- * دیوارهای صخره‌ای که بچه‌ها دوست دارند بسازند تا از آن لذت ببرند مسابقات فعالی نیز با آن‌ها برگزار کنید.
- * برای پنجره‌ها سایه‌بان‌های زیبا طراحی کنید تا جلوی آفتاب شدید را بگیرید در ضمن از نور نیز به اندازه کافی بهره ببرید.
- * به عنوان معمار همیشه می‌گوییم، از ابتدا درست طراحی کنید تا در سال‌های بعد نیاز به مرمت نداشته باشید. چه بسا طراحی‌های اشتباه و بنون فکر، باعث بروز مشکلات زیادی در مدرسه شود که با چندین بار مرمت نیز برطرف نخواهد شد.
- وقتی آقای معمار این پیشنهادها را به عوامل آموزشی مدرسه می‌دادند، من بسیار خوش‌حال بودم. باورم نمی‌شد که به خاطر مرمت حیاط، کلی مطلب راجع به نانو تکنولوژی، تصفیه آب، باغبانی، بهبود کارهای گروهی، ارتباط صمیمی بیشتر والدین با مدرسه، آسایش بیشتر بچه‌ها در مدرسه و از همه مهم‌تر شادابی مورد انتظار مدیران در مدرسه، به دست آورم. خیلی دوست دارم فرایند اجرای کار مرمت حیاط در تابستان سالی که پیش رو داریم، بسیار زود شروع شود و من بتوانم از نزدیک شاهد تغییرات بسیار مثبت آن باشم.

طراحی فضاهای مدرسه
کاری گروهی است و به
تلاش و کار فشرده، همراه
با آگاهی از علوم روز دنیا و
اشراف به مسائل معماری
کشور و نیازهای آموزشی
آن محتاج است

فراتر از چهار دیواری

کلیدواژه‌ها: فناوری، وبلاگ، یادگیری.

قرار بود در بخش آموزش و پرورش جهان، به سرفصل‌های زیر بپردازیم:

- تعداد دانش‌آموزان در کلاس درس و ارتباط آن با اثربخشی آموزش

- مدیریت کلاس درس

- کارگروهی

- ارزش‌یابی

- تلفیق فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش

- فعالیت‌های فوق‌برنامه

ولی به علت محدودیت فضایی که در اختیار داریم، قسمت کارگروهی دو بخش و قسمت ارزش‌یابی سه بخش شد. بنابراین مجبوریم بین تلفیق فناوری اطلاعات در آموزش و فعالیت‌های فوق‌برنامه یکی را انتخاب کنیم. از آنجا که موضوع تلفیق فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش، دغدغه آموزش و پرورش قرن بیست و یکم است، در این شماره به آن می‌پردازیم.

کلاسی که سعی می‌کنیم محصور نشان کنیم، وسیع‌تر و منعطف‌تر است. دیگر کمتر نوجوانی است که با انرژی چون mp3 player، دوربین‌های دیجیتال، لپ‌تاپ، و... یعنی همراه سروکار نداشته باشد. بارهای نوجوانان امروز، با بارهای

فعال کردن دانش‌آموزان در یادگیری، یعنی استفاده از راهبردهایی که جذاب هستند، استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در طراحی آموزشی را می‌توان یکی از این راهبردهای جذاب دانست. دنیای نوجوانان از چهار دیواری





نسل های گذشته بسیار متفاوت است. همه کشورهای کوشیده اند برای پاسخ گویی به این نیاز نوجوانان، زیرساخت های لازم را در مدارس ایجاد کنند تا درهای کلاس درس را به دنیای بیرون باز کنند.

معلمی در کشور آرژانتین^۱ با شرکت در کلاس های آموزشی، برای تلفیق فناوری اطلاعات و ارتباطات در کلاس درسش آماده می شود و آموخته هایش را بلافاصله در طراحی آموزشی به کار می گیرد. وی در مقاله ای^۲ مراحل کارش را توضیح می دهد. کارش را با مراجعه به این پایگاه اینترنتی شروع می کند:

<http://studentfriends.edublogs.org>

هدف این پایگاه فراهم کردن موقعیتی است که دانش آموزان و کلاس های درس را در سطح دنیا به هم وصل کند. این معلم با شاگردان کلاس درسش داوطلب می شوند به مدت دو هفته، مسئولیت این بلاگ را به عهده بگیرند و موضوعات درسی و فعالیت های کلاسی شان را روی پایگاه قرار بدهند. دانش آموزان از این که می توانند آن چه را در کلاستان اتفاق می افتد با همسالانشان در سطح دنیا در میان بگذارند، بسیار هیجان زده می شوند. وقتی معلم می بیند که توجه و علاقه دانش آموزان جلب شده است، با حمایت مدیریت و واحد فناوری مدرسه، به طور منظم در طراحی آموزشی کلاسش از فناوری اطلاعات و ارتباطات استفاده می کند. یک نمونه از کارهایی که دانش آموزان این کلاس در درس زبان و ادبیات انجام داده بودند، ایجاد «ویکی^۳» مخصوص دانش آموزان بود. این ویکی با عنوان «ماجرای خود را انتخاب کنید» کار می کرد و مراحل کارش این گونه بود که گروه های چهار نفره دانش آموزان با هم مقدمه داستانی را می نوشتند و بعد به گروه های دوفره تقسیم می شدند و داستان را ادامه می دادند. بند آخر داستان را هر عضو گروه به تنهایی می نوشت. همه بخش های داستان روی پایگاه به هم متصل^۴ می شدند.

تجربه دیگر این معلم، تولید پوستر الکترونیکی درباره قهرمانان تاریخی و اجتماعی بود. دانش آموزان می توانستند خلاقیتشان را در طراحی این گونه پوسترها نشان دهند. بنابراین، نه تنها مهارت های مربوط به هنرهای زبانی را با اشتیاق بیشتری انجام می دادند، بلکه مشتاق یادگیری ابزار تولید محتوای الکترونیکی شده و مایل بودند آموزش هنرهای زبانی و فناوری اطلاعات به طور همزمان در کلاس رخ دهد. همان طور که در تجربه این معلم مشخص شده است، حمایت مدرسه یکی از ملزومات اجرای موفق این گونه طرح هاست. البته کار باید از جایی شروع شود و در درجه اول این معلم است که باید آمادگی لازم را برای گشودن

در کلاس درس به بیرون کسب کند تحقیقی در سنگاپور نشان داد، معلمان جوان تر آمادگی بیشتری برای تلفیق فناوری در آموزش دارند. میزان خطرپذیری و آشنایی نسل جوان معلمان با فناوری اطلاعات و ارتباطات بیشتر است. بنابراین، آنان آمادگی استفاده از ابزار مربوطه را بیشتر دارند و می توانند از این لحاظ برای معلمان با تجربه تر، به رهبر آموزشی تبدیل شوند.^۵

در انگلستان، برای تعیین اثربخشی استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدارس، تحقیقی^۶ انجام شده که نشان می دهد استفاده از این نوع فناوری، به شخصی کردن یادگیری کمک می کند. معلمان می توانند با توجه به نیازهای یادگیری دانش آموزان، تکالیف گوناگونی طراحی کنند و دانش آموزان نیز از امکان انتخاب برخوردارند. با توجه به یافته های این تحقیق، به نظر می رسد استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، راهی برای حل مشکلات کلاس های چند پایه نیز باشد.

پی نوشت

۱. معلمی به نام آلیاندر کواگلیا عضو انجمن سرپرستی و توسعه برنامه درسی (ASCD) که در پایه ششم مدرسه سینت اندرو اسکاتز در بوینس آیرس آرژانتین درس می دهد.
۲. Quaglia Alejandra, Come and See Web 2.0's Role on the Road to Teacher Leadership, www.ascd.org/ascdexpress
۳. wiki
۴. hyperlinked
۵. Matthew Swit, Teaming Up to Lead Instruction, in Educational Leadership, December 2010 | Volume 52 | Number 12, http://www.ascd.org/publications/newsletters/education-update/dec10/vol52/num12/Using-ICT-to-Enhance-Instructional-Leadership.aspx
۶. publications.becta.org.uk/display.cfm?id=2822

با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، یادگیری شخصی شده و معلمان می توانند با توجه به نیازهای یادگیری دانش آموزان، تکالیف گوناگونی طراحی کنند و دانش آموزان نیز از امکان انتخاب برخوردارند



دکتر بدالله سعیدنیا

این ما خط پایان نیست

کلیدواژه‌ها: نقد آموزش، مدارس.

در سلسله مقالاتی که به موضوع نقد روش‌های جاری آموزش در مدارس مربوط است، به این نتیجه رسیدیم که باید به یادگیری، یادگیرنده، یاددهنده و... نگاه جدیدی داشته باشیم. در این شماره با مرور مجدد آن چه تاکنون گفته شده است، دو نگاه (دیدگاه) در زمینه روش‌های آموزش را مقایسه می‌کنیم.

در شماره پابانی از این مجموعه هشت قسمتی، می‌کوشیم تصویری نسبتاً روشن از آن‌چه در هفت شماره پیشین آمد، ارائه شود. هدف کلی مجموعه، نقد روش جاری آموزش در مدارس ایران با استفاده از یافته‌های جدید در حوزه آموزش بود. در واقع این یافته‌ها چندان هم جدید نیست، ولی از آن‌جا که نظام آموزشی ما سال‌های بسیاری است که از این یافته‌ها تأثیری نگرفته، هنوز برای ما جدید محسوب می‌شوند می‌توان ادعا کرد که نظام آموزشی ما، از ایام بسیار دور دست بخورده است. در واقع هیچ‌یک از تغییرات نو به نو در نظام آموزشی ایران، از جنس هم‌سویی با یافته‌های جدید علمی و تعبیر اصولی نبوده است. زیربنای تفاوت اصول جاری و اصولی که در این مجموعه تدوین شد، تفاوت نگاه به انسان بود. قبل از آوردن چکیده این دو مجموعه اصول، ضروری است دو نگاه مذکور به طور مختصر مقایسه شوند (جدول ۱).

برای مقایسه اصول جاری در نظام موجود و نظام جای‌گزین پیشنهادی، این دو مجموعه اصول، در جدول ۲ آمده است. براساس اصولی که از نگاه جدید به دست آمد، می‌توان به توصیه‌هایی اجرایی در کلاس رسید. این توصیه‌ها نیز که در شماره‌های قبل به آن‌ها اشاره شد، برای مرور و نگاهی جامع، در جدول ۳ آمده است.

بی‌نوشته

www.lax.gov.ir/fak.comtrystudies

جدول ۱. مقایسه نگاه سنتی و نگاه نوین به انسان

انسان در نگاه سنتی (رفتار گمراه)	انسان در نگاه نوین
انسان ساخته محیط و قابل تبدیل به هر چه آموزشگران بخواهند است.	انسان ساخته اراده خویش است و سبب به آن‌چه می‌گردد و آن‌چه هست و می‌شود، مسئول است.
انسان فاقد اختیار و ساخته جامعه و برای سستی از محرک و پاسخ‌هاست.	انسان مختار است و قدرت تفکر و انتخاب دارد.
انسان استعداد و برزخ‌های ندارد.	انسان ذاتاً پاک است و به دنبال شکوفایی و شش آن‌چه نماند شود می‌رود.
انسان انگیزه درونی ندارد.	انسان انگیزه‌های درونی برای رسیدن به کمال دارد.
انسان مانند لوحی سفید است.	انسان به طور فطری به دنبال کمال است.

جدول ۲. مقایسه اصول آموزش در نگاه سنتی و جاری، با اصول آموزشی برآمده از نگاه نو

اصول آموزش در نگاه نو	اصول آموزش در نگاه سنتی
موضوعات آموزشی می‌توانند به عنوان مسئله‌ای کلی به یادگیرنده ارائه شوند تا او براساس شیوه مناسب خویش آن را بیاموزد.	در آموزش ابتدا باید هدف را به اجزای کوچک تقسیم کرد تا شاگرد بتواند به راحتی بیاموزد.
	جریان آموزش باید توسط معلم مسلط و توانا، با آرامش به شاگرد انتقال یابد.
باید از الگودهی، الگوپذیر کردن و دنباله‌رو کردن بچه‌ها پرهیز و در عوض آن‌ها را به انتخاب آزادانه و بر مبنای تشخیص خود و رها شدن از دنباله‌روی احساسی تشویق کرد.	معلم موفق می‌تواند در شاگرد احساس احترام به خود(معلم) ایجاد کند وقتی شاگرد معلم را دوست داشته باشد و او را الگوی خود بداند، درس را روان‌تر می‌آموزد.
بهترین ارزیاب از یادگیری، یادگیرنده است. ارزش‌یابی باید توسط خود شاگرد صورت گیرد.	آزمون‌های تکوینی و عینی می‌تواند هم معلم را نسبت به آنچه آموخته شده است آگاه سازد و هم شاگرد را نسبت به ضعف‌های خود.
	آزمون‌های کوتاه و بازخورد دقیق و کمی آن به شاگرد، متضمن نیل به اهداف تعیین شده است.
	ارزیابی روشی برای آموزش و بخشی از آموزش است.
آموزش‌ها باید تمرین تفکر را مهیا کند، نه آن‌که صرفاً دانش‌های آماده را به افراد بدهد.	تعیین دقیق اهداف آموزشی و طراحی روش آموزشی در قالب طرح درس‌های اجرایی، از مؤثرترین راهکارهای آموزشی است.
هر بچه‌ای با توجه به نیاز و شرایط شخصی خود یاد می‌گیرد. هر شاگرد باید بتواند با روش، سرعت و علاقه خود بیاموزد.	تشویق عملکردهای درست و منطبق با انتظار اگر بلافاصله و متناسب باشد به تداوم عملکرد صحیح می‌انجامد. تنظیم برنامه دقیقی برای تشویق که همه رفتارهای مورد انتظار را پوشش دهد، سبب توفیق برنامه آموزشی می‌شود.
معلم یاور شاگرد و تسهیل‌کننده یادگیری است. مقام مسئول آموزش کودکان نیست.	مهم‌ترین ملاک توفیق معلم که بهتر است به تشویق او منجر شود، رسیدن همه دانش‌آموزان به اهداف آموزشی تنظیم شده در زمان تعیین شده است.
	کنترل دقیق فرایند آموزش و کنترل محیط آموزش از نظر آرامش باعث اثربخشی بیشتر است.
رقابت باید فقط وقتی ایجاد شود که برای شاگردان امکان انتخاب آزادانه آن باشد. ایجاد محیط رقابتی که همه باید برای رفع نیازهای خود در رقابت شرکت کنند، نادرست است.	بهره‌گیری از بهترین و مؤثرترین محرک‌ها مانند رقابت و ایجاد فضایی که شاگرد را دارای احساس توانمندی برای رقابت کند، باعث تلاش شاگردان است. تمرین برای توفیق در رقابت‌های مدرسه، شاگردان را برای رقابت در محیط واقعی اجتماع آماده می‌کند.
معلم بسیار مهم است، ولی نباید در آموزش نقش پررنگی داشته باشد در عوض، معلم نقش پررنگی در ایجاد زمینه برای یادگیری دارد.	معلم به عنوان مهم‌ترین مرجع شاگردان و مؤثرترین عامل موفقیت، مسئولیت بزرگی به عهده دارد.

بهترین ارزیاب از یادگیری، یادگیرنده است. ارزش‌یابی باید توسط خود شاگرد صورت گیرد

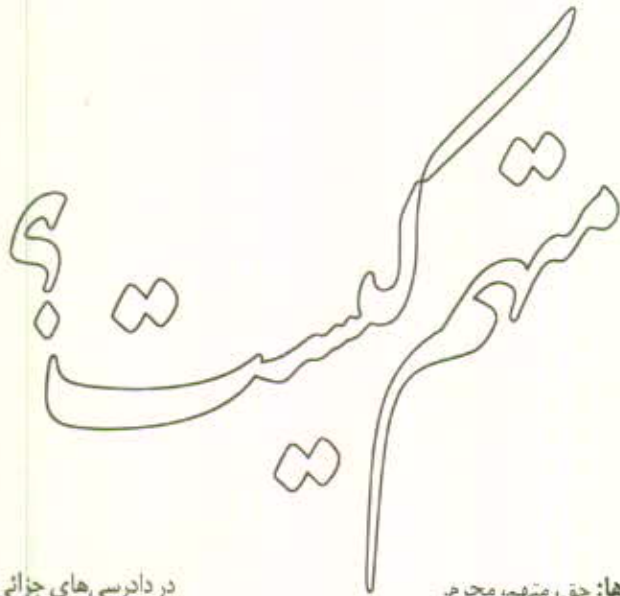
معلم بسیار مهم است، ولی نباید در آموزش نقش پررنگی داشته باشد. در عوض، معلم نقش پررنگی در ایجاد زمینه برای یادگیری دارد

جدول ۳: نتایج عملی از اصول جدید آموزشی که قابلیت کاربرد در کلاس را دارند.

معلم از درس بخواندن شاگرد غشاسی نمی‌شود، زیرا خود شاگرد مسئول است.	مدرسه بر اساس معیار بچه‌ها را انتخاب و به آن بزرگ می‌برد.
کودکی که تکلیف نمی‌نویسد، تحقیر نمی‌شود، زیرا خودش مسئول پاسخ‌گویی در مورد یادگیری خود است.	مدرسه آسانی مغرب بزرگ را به دیوار نمی‌برد.
معلم همواره دانشوری می‌کند و از خودش و شاگرد می‌پرسد * چگونه می‌توانیم کمک‌کننده	مدرسه مسابقات درسی و علمی همگانی نمی‌گذارد و به عزت بزرگ جایزه نمی‌دهد.
موفقت بچه‌ها با احساس محترم بودن در معلم مناظر نیست. بنابراین، موفق نشدن بچه‌ها، ناشی از نداشتن به آن‌ها نمی‌شود.	مدرسه فقط کارهای بزرگ برای کلاس هرگز به دیوار نمی‌برد.
شاگردان تعریف فلاحت را از بر نمی‌کنند و لازم نیست بدانند بلندترین قله اروپا کدام است.	مدرسه فقط به بهترین قاریان - در مسابقه همگانی قرآن - جایزه نمی‌دهد.
شاگردان لازم نیست تعریف بانک را بدانند و در امتحان اجتماعی انواع بانک را نام ببرند.	مدرسه بچه‌ها را به ترتیب از خوب به بد بازرسی، در کلاس نمی‌خواند.
شاگردان لازم نیست اثبات قضیه فیثاغورس را در امتحان بنویسند.	در مدارس بر اساس سطح درسی بچه‌ها به آن‌ها احترام نمی‌گذارد.
شاگردان لازم نیست بتوانند انواع بیله را با رسم شکل توضیح دهند.	در مدرسه بر اساس سطح نمره بچه‌ها، در مورد تخصص آن‌ها قضاوت نمی‌شود.
شاگردان در مورد علت برخی پدیده‌های مورد علاقه طبیعی بحث می‌کنند.	مدرسه فضای مسافه‌های گروهی بدون هیچ پاداش بیرونی را ایجاد نمی‌کند.
شاگردان در مورد راه‌های کاهش آلودگی محیطی تحقیق می‌کنند.	مدرسه امکان شرکت بچه‌ها را در رقابت‌های بیرونی، بر اساس جواب و انتخاب خودشان فراهم می‌کند.
شاگردان در مورد نوع فرهنگ‌های جامع نظر می‌دهند.	مدرسه امکان فعالیت‌های متعدد علمی، ورزشی و هنری را بدون رقابت برای سلیقه‌های متفاوت ایجاد می‌کند.
شاگردان در مورد قوانین فیزیک بحث می‌کنند و برای فهم آن‌ها دست به آزمایش می‌زنند.	همه در مدرسه مورد احترام هستند و درس بخواندن و معنی باین گرفتن، امری شخصی تلقی می‌شود که به شخص، فرد ربطی ندارد.
شاگردان در مورد نحوه اندازه‌گیری حجم اجسام جامد، روش‌هایی را پیشنهاد می‌دهند.	مدرسه امکان ارائه کارهای فردی و گروهی بچه‌ها را در حوزه‌های مورد علاقه آن‌ها، بدون تبعیض و ایجاد رقابت، در قالب باشگاه و کلبه و غیره فراهم می‌کند.
معلم از وابسته گرفتن بچه‌ها به خود (از لحاظ عاطفی) می‌پرهیزد.	آزمون‌های تستی برگزار نمی‌شود.
معلم از ایجاد نوسانات عصبی در خود یا حس زکری برخی و معاتب که او را بر ذهن بچه‌ها بیش از حد بزرگ می‌کند، خودداری می‌کند.	آزمون‌های دانش محور انجام نمی‌شود.
معلم رعایت شخصیت خود از بچه را عامل تسویح و تشبه او برای درس خواندن قرار نمی‌دهد.	آزمون‌های متمرکز تراکمی برای ارتقا به پایه بالاتر انجام نمی‌شود.
معلم از دادن اطلاعات بسیار جهت‌دار، محسوساً اگر بچه زیاد به او عواطف نشان دهد، خودداری می‌کند.	آزمون‌های معمول بی‌مسئول که به دانش مغرب سفر یا بیست می‌انجامد و در قالب کارنامه ارائه می‌شود، برگزار نمی‌شود.
مدرسه از محدود کردن بچه‌ها برای ایجاد ارتباط با معلم و با مربوط گرفتن بسیاری از مسائل دانش‌آموز به یک معلم، می‌پرهیزد.	دانش‌آموزان آن چه را می‌آموزند به صورت PPT، ساختوساز، توضیح کسی، نقاشی، نمودار، نمایش و غیره ارائه می‌دهند.
مدرسه بچه‌ها را برای ارتباطات بیرون از مدرسه محدود نمی‌کند و از دانش‌آموزان برتری زیاد مدرسه بر افراد بیرون می‌پرهیزد.	در برخی دروس مسائلی در قالب مسائل باز که باید با جستجو در منابع حل شوند، به آن‌ها ارائه می‌شود.
مدرسه بچه‌ها را بر اساس معیار تبعیضی و راندها را اعلام نمی‌کند.	در برخی دروس برای شناخت میزان یادگیری دانش‌آموزان، به آن‌ها آزمون‌هایی داده می‌شود که نقش دیگری جز شناخت یادگیری ندارند.
مدرسه به نظرات بزرگ درسی در هیچگاه جابزه نمی‌دهد.	



دکتر محمدعلی شامانی



کلیدواژه‌ها: حق، متهم، مجرم.

در دادرسی‌های جزائی، تمامی تشریفات و مقررات برای انسانی است که به حق یا ناحق در مظان ارتکاب جرم قرار گرفته و ممکن است حیثیت، آبرو، آزادی، اموال، تمامیت جسمی و حتی حیات خود را از دست بدهد. باید امکانات کافی در اختیار او باشد تا بتواند از خود دفاع کند و در صورت بی‌گناهی، از مجازات‌های باید.

اما بسیاری به خطا مفهوم «متهم» و «مجرم» را یکسان بیان می‌کنند، حال آن‌که همان‌طور که بیان شد، متهم کسی است که هنوز گناه یا بی‌گناهی او و بزه او در دادسرا یا دادگاه و یا مراجع قضایی دیگر اثبات نشده است. حال آن‌که «مجرم» کسی است که از مرحله اتهام گذشته و گناهکار و مقصر تشخیص داده شده است [ساکت، ۱۳۷۱: ۱۱۴-۱۱۱].

از همین روست که احدی را نمی‌توان به عنوان متهم احضار کرد، مگر این‌که بر این احضار دلیل کافی وجود داشته باشد. احضار متهم باید از طریق احضارنامه به عمل آید.^۱ از همین رو، قانون‌گذار با درک درست شرایط متهم، مواد قانونی بسیاری به احضار، جلب و بازجویی از متهم اختصاص داده است.^۲

پی‌نوشت

۱. ماده ۱۰۸ قانون اصول محاکمات جزائی و ماده ۱۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری
۲. قانون آیین دادرسی کیفری، برای مطالعات تکمیلی به کتاب آیین دادرسی کیفری (جلد پنجم)، تألیف دکتر محمود آخوندی نشر میزان، چاپ اول ۱۳۸۲ مراجعه کنید

منبع

۱. جعفری لنگرودی، جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۶۴.
۲. ساکت، محمدحسین، دیباچه‌ای بر دانش حقوقی، نشر نخست، مشهد، چاپ اول ۱۳۷۱.

به تصریح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دادخواهی حق مسلم هر فرد است و این دادخواهی در زبان حقوقی، «اقامه دعوی» نامیده می‌شود. «دعوی» که جمع آن دعاوی است، در اصطلاح حقوق، درخواست قانونی و رسمی حق کسی است از شخص یا طرف دیگر که در یک دادگاه قضایی طرح و خواسته شده است.

دعاوی گوناگونی در محاکم قابل طرح هستند: مالی، غیرمالی، مدنی، کیفری، اداری، الزام به تعهد و مانند آن [جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳].

به کسی که نخست برای مطالبه حق خویش در دادگاه طرح دعوی می‌کند، **خواهان** یا مدعی گفته می‌شود. و طرف دیگر دعوی، **خوانده** یا مدعی علیه نامیده می‌شود. اقامه دعوا با درخواست از مراجع قضایی آغاز می‌شود.

خواهان (شاکی) کسی است که از یک بزه عمدی یا غیرعمدی آسیب دیده است و به مراجع قضایی شکایت می‌کند و **مشتاکی‌عنه** کسی است که شاکی از او به ارتکاب بزه، به مراجع قضایی شکایت کرده است. **شکایت** هم اتهامی است که پیش قاضی (علیه شخص معلوم یا ناشناخته‌ای) مطرح می‌شود.

یکی از اشتباهات رایج، همین مفهوم اتهام است که گاه به غلط از آن سخن گفته می‌شود. متهم کیست؟ متهم کسی است که هنوز گناه یا بی‌گناهی و بزه او در دادسرا یا دادگاه و یا مراجع قضایی دیگر اثبات نشده است. به تعبیر دیگر، می‌توان گفت متهم «کسی است که در مظان ارتکاب جرم قرار گرفته است».





من را هم ببینید

من مانده بودم و او، دخترک از پنجره بیرون را تماشا می کرد.
 نمی دانم، شاید هم بیرون او را تماشا می کرد. ساکت بی هیچ حرفی،
 چنان حتما می نمود که باورت نمی شد این نگاه سرد و بی درخشش،
 مال نوجوانی به سن او باشد نمی شد فهمید آیا با تو در حرفی که
 می زنی موافق است یا مخالف. با هیچ چیز نمی شد فهمید آلاں
 اعتراض می کند یا نه. آن قدر سکوت در نگاه او موج می زد که انگار
 وسط وسط دریاست؛ سکون محض؛ نه موجی، نه شوقی، نه عتابی،
 نه خطایی و...

هنوز ساعتی از آغاز سفرمان نگذشته بود که تقریباً دوستانش
 غیب شده، سراغ کویچه های دیگر دوستانشان رفته و ته حوراکی های
 همدیگر را در آورده بودند. او اما آرام و بی صدا نشسته بود.
 یکی دو بار سعی کردم با او حال و احوال کنم و سر حرف را
 باز کنم که دیدم جز جواب های کوتاه و مختصر نمی شود پاسخی از
 او گرفت. مزاحمش نشدم. گفتم شاید اگر راحتش بگذارم، خودش
 چیزی بگوید.

خیر. تا پایان سفر خبری نشد هیچ کاری نمی کرد. از اول تا
 انتهای سفر، کنار پنجره جای او بود فقط برای وضو و نماز. از جایش
 بلند نشد غذایش را هم سر جایش خورد.
 بد اخلاق نبود با کسی هم قهر نبود. مدتش این بود. با این خیال
 که شاید با معلمش روبرو با سنی دارد، سعی کردم وقتی دوستانش
 برگشتند، او را با آن ها تنها بگذارم، شاید به اصطلاح بجهما بخش
 باز شود و دلش بخواد سروصدایی بکند اما نه تنها بخش باز نشد،
 بلکه ساکت تر هم شد. فقط به حرف های بقیه گوش می داد. وارد
 نظر انشان هم نمی شد.

گذاشتم به حساب این که شاید حرفی برای گفتن ندارد تا خود
 شهید که برویم و برگردیم. در برهجان ترین لحظات هم به زور چند
 کلمه ای از دهانش بیرون آمد. دخترک مرا به فکر واداشته بود، نکند
 نگرانی هایی دارد که خارج از تحمل اوست؟ نکند دغدغه هایی دارد
 که دارد او را از با درمی آورد و مال سن او نیست؟ و هزار فکر دیگر.
 اما وقتی با مشاورشان صحبت کردم، به قول خودش به من
 اطمینان داد که هیچ مشکل خانوادگی، اخلاقی و درسی متوجه او
 نیست. بیشتر کنجکاو او شدم.

فکرش را بکنید همین ساکت ترین دانش آموز، سر کلاس
 جایش کجا بود! کنار دست فرشته، به تعبیر سایر معنمها،
 شلوغ ترین، اما از نظر من برجستو جوش ترین شاگرد کلاس.
 فرشته هم، با تمام حاضر جوابی اش در کلاس بود. فاطمه زهرا
 هم با تمام سکوتش، من هم.

فاطمه زهرا انگار عادت من داده بود که اصلاً نگاهش سر کلاس
 مرا به سمت خود نکشاند. صدایی هم که از او در نمی آمد. شده بود
 برایم مثل دیوار که گاهی نگاهی به او می انداختم و می گفتم،
 واقعاً حسن می کردم این طوری راحت تر است. حسن می کردم وقتی
 نزدیکش می شوم، اذیت بی شود و سبب این او توری می کردم.



سکوت ۸۹

گفتوگو تنها در کلام شکل نمی گیرد بیشتر گفتوگوها در
 سکوت به قوام می رسند.
 - بلبلت ها را لطف کنید.
 مامور قطار در حالی که بلبلت ها را کنترل می کرد، پرسید: چند
 نفرید؟ گفتم نش نش نفر. با تعجب گفت: چهار تایی دیگه کجان؟ گفتم
 بیش دوستانشون توی کویچه های کناری. مامور گفت: «خیلی خب
 شمارش می کنم.»

یک روز که بچه‌ها می‌خواستند امتحان کتبی را به قول خودشان بپنجاند و من هم به ظاهر با آن‌ها کنار آمدم، شروع کردم به پرسش و رگباری. این نوع پرسش، به درد وقت‌هایی می‌خورد که دانش‌آموزان نتوانند فرصت پیدا کردن جواب را از میان جزوه و دفتر و کتاب پیدا کنند؛ فرشته بگم! مریم بگم! هانیه بگم!...! فائزه بگم!...!

از همه درس پرسیدم، خیالم راحت شده بود که تند و تندر رسیدم از همه درس پرسیدم، نفس راحتی کشیدم، پشت میزم رفتم، نگاهی به قهرست اسامی بچه‌ها انداختم و گفتم: «خب از همه پرسیدم؟» همه با هم یک بله بلند بالا گفتند، یک لحظه سکوت.

صدای ضعیفی آرام‌آرام بلند می‌شد فاطمه‌زها بود که بعد از مدت‌ها، به دنیای سکوت تعرض کرده بود «خانم شما هیچ وقت منو نمی‌بینی!»

به ضعف صدا نمی‌آمد که اعتراضی در آن نهفته باشد، اما با خاصه حمله‌اش، انگار دنیا هوار شد روی سرم. مثل یک ایستار که ناگهان یخ بسته باشد و در جا شروع به شکستن کرده باشد اقدام تسوی صدلی‌ام. تکه یخی بودم که بی‌صدا در کوره‌ای به حجم و گرمای فاطمه‌زها آب می‌شدم.

هجوم مکالمات، سیلاب‌وار مرا با خود به این طرف و آن طرف می‌کشاند:

- «انصاف نیست! من همیشه اونو دیده‌ام!

- تسلیم تشری‌ها! می‌گن عجب معلم بی‌عرضه‌ای!

- از این فرصت، برای تمام تلاشی که کردی تا باهاش حرف بزنی استفاده کن و بگو که تقصیر یا خودش!

- نکته شل بشی جلوی به بچه وقیح و گستاخ‌ها!

- رو بدی به این بچه‌ها، سرت سوار می‌شن!

از طرف دیگر، با خودم منصفانه که فکر کردم، حق را به او دادم، واقعاً امروز از همه درس پرسیدم، الا او. اصلاً او را ندیدم.

- خب تقصیر خودشه دیگه که تو رو به ندیدنش عادت دادم، از بس نخواسته حرف بزنه، خب هیچ کس نمی‌بیندش دیگه!

اصلاً این حرف‌ها قائم نمی‌کرد، توی چند ثانیه‌ای که از حرف فاطمه‌زها گذشته بود، این همه حرف از دهن من گذشتند. سکوت سنگین کلاس با رفع و رجوع بچه‌ها شکسته می‌شد. آن‌ها سعی داشتند او را مقرر جلوه دهند، چون فکر می‌کردند من ناراحت شده‌ام و فاطمه‌زها هنوز آرام و مطمئن از کاری که کرده بود،

دفترش را ورق می‌زد.

من مانده بودم با چهل و چند جفت چشم منتظر که ببینند آیا این معلم هم مانند معلم‌های دیگر می‌تواند از توی آستینش جادوگری کند و یک جواب درآورد که نه سیخ بسوزد نه کیاب؟

خودم را از میان ترافیک توجیحات روزمرگی‌ها به زحمت بیرون کشیدم و فقط و فقط به حرف آن دختر فکر کردم. به خودم گفتم:

«آیا او در جای حق ایستاده و حرف می‌زند؟»

مسئلاً پاسخ مثبت بود. دلم نمی‌خواست حرفی بزنم که توجیه رفتارم باشد:

- راست می‌گی فاطمه‌زها! من اشتباه کردم. از همه پرسیدم

الا تو، راست می‌گی، من حتی تو رو ندیدم.

بچه‌های کلاس وقتی دیدند معلمشان توی چه هجلی افتاده

است، خواستند جبران کنند: «نه خانم، اون عادت داره! هیچ معلمی ارزش چیزی نمی‌پرسه. اصلاً هیچ معلمی اونو نمی‌بینه!»

از همه بدتر این بود که بچه‌ها هم به ندیدن او عادت کرده بودند و به همین خاطر وقتی سؤال کردم از همه پرسیدم یا نه، همه مطمئن و قاطع، بله گفته بودند.

بسه، بسه، خواهش می‌کنم! و چنین بود که نظقم باز شد و رفتم بالای منبر:

- «من کاری به معلم‌های دیگه ندارم. من باید دین رو یاد بگیرم، منم مثل شما میام سر کلاس. کلاس حرمت داره. اگه ارزش یاد نگرفته بری بیرون، سر خودت کلاه رفته، من باید دین فعال را تمرین کنم. باید هم بهتون یاد بدم، هم ازتون یاد بگیرم. این می‌شه یادگیری بویا. اگه امروز من به اشتباهی که می‌دونم اشتباهه، اعتراف نکنم، دفعه بعد راحت‌تر همون رو تکرار می‌کنم. من از همین‌جا، جلوی همه، از این دختر خوبم که اشتباهم رو به من گوشزد کرد، تشکر می‌کنم. فاطمه‌زها امروز به من یک نکته یاد داد.»

سکوت توأم با رضایتی کلاس را فرا گرفته بود اما سکوت، سکوت سنگینی بود. سایه بلندی داشت که تا به حال میان آن بچه‌های پرشور ندیده بودم.

هفته بعد، نوازدهم اردیبهشت، نمازخانه مدرسه، مراسم صبحگاه روز معلم، داخل سالن شدم، روی یکی از صدلی‌های نزدیک به در ورودی نشستیم، طوری که معلم‌های پیش‌کسوت بروند و جلوتر بنشینند. خانم ناظم از من و دو سه تایی دیگر از همکاران خواهش کرد جلوتر برویم تا راه باز نشود که بقیه نیز وارد نشوند. خلاصه، در جایگاه دوم نسبت به سن قرار گرفتم.

یکی یکی معلم‌ها را صدا می‌کردند و شاخه گلی به رسم هدیه به آن‌ها می‌دادند. قرار شده بود از زمانی که یک دبیر بلند می‌شود تا وقتی می‌نشیند، او را تشویق کنند البته بچه‌ها به قرارهای خودشان بیشتر پای‌بندند تا قرارهای ما. قرار آن‌ها این بود که هر معلمی را بیشتر دوست دارند، بیشتر تشویقش کنند.

نوبت من رسید چون نزدیک سن بودم، سریع بلند شدم و رفتم هدیه‌ام را گرفتم و زود برگشتم تا تشویق زود خاتمه یابد اما کفزدن بچه‌ها تمام نمی‌شد خجالت کشیدم و با تکان دادن سر از آن‌ها تشکر کردم که خانم مدیر، خودش با خواندن نام دبیر بعدی، تشویق دو دبیر را به هم گره زد.

حسن عجیبی داشتیم، برعکس سال‌های قبل، احساس می‌کردم این هدیه به من تعلق ندارد، باید به معلمی تقدیمش می‌کردم که نگاه مرا تصحیح کرده بود.

مراسم تمام شد. معلم‌ها یکی یکی سر کلاس می‌رفتند. تصمیمم را گرفتم. تا گل من پژمرده نشده بود، باید آن را به معلم می‌رساندم و او سر کلاس دیگری بود.

در زدم، اجازه گرفتم، داخل شدم. بچه‌ها همه جلوی پایم بلند شدند از آن‌ها خواهش کردم بنشینند.

- بچه‌ها، می‌خواستم این گل را به یک معلم خوب و مهربان و

صبور تقدیم کنم که فکر می‌کنم خیلی خیلی ارزش چیز یاد گرفتم.

همه نگاه‌ها به سمت دیگر کلاس، به معلم عربی، دوخته شده بود که من با صدایی رسا و محکم گفتم: «روزت مبارک فاطمه‌زها!»

بسم الله الرحمن الرحیم
روزت مبارک

ترجمه: معصومه خیرآبادی

راه میان بر امان...



تودیدی وجود ندارد که تقلب کردن پس دانش آموزان مسئول و
رو به گسترش است. مطالعات سال دوازده است. ۶۰ درصد نوجوانان
جدافل یک بار در آزمون‌ها غیب کرده و ۲۸ درصد آن‌ها بیش از دو
بار به این امر صاف و بریدند. تحقیقات دیگری که در این زمینه
انجام شده، حاکی از آن است که اکثر تقلب‌کنندگان پس از ۱۰ سال
گذشته تا به امروز نیز سعی داشته‌اند تقلب کردن در پس
پس از شایع تر از دختران است. حالتی که دانش آموزان را انگیزه
و شخصیت بالاتر، معاین بسیاری به تقلب کردن در پس می‌آورند
عجز می‌رسد. پس این رفتارها را باید اخلاقی، عاطفی و وجد بزرگ
دانش آموزانی که در گذار تقلب رفتار غیرقابل قبول می‌دانند
در عمل این رفتار را از خود بیرون می‌کنند. شایع یک نظر سنجی این

کلیدواژه‌ها: تقلب دانش آموزان، تلاکبری.

تقلب دلایل متعددی دارد که بعضی از آن‌ها به عمل
و کردار ما معلمان مربوط می‌شوند؛ یعنی به نحوه نگرش
به: دانش آموز، امتحان، نمره، تعامل یا دانش آموزان.
طرح درس و... در این نوشته که حاصل پژوهشی
میدانی است، صاحب نظران پس از اسباب‌شناسی
دلایل تقلب کردن دانش آموزان، روش‌های برخورد
صحیح را ارائه داده‌اند.

گفته را تأیید می‌کند. ۹۳ درصد از دانش‌آموزانی که در این نظرسنجی شرکت کرده بودند، درست‌کاری و شخصیت خوب را صفات لازم برای انسان برشمرده‌اند با وجود این، دو سوم آن‌ها اظهار داشته‌اند که افراد موفق باید برای دستیابی به خواسته‌های خود، هر کاری را که از دستشان برمی‌آید انجام دهند؛ هر چند ممکن است روش‌هایی که آن‌ها به کار می‌گیرند، در نظر بعضی از افراد تقلب تلقی شوند.

دلایل متعددی برای تقلب کردن وجود دارد. دانش‌آموزان تقلب می‌کنند چون از شکست هراس دارند، فرصت کافی برای مطالعه ندارند یا قادر به مدیریت مؤثر زمان خود برای مطالعه نیستند. گاهی بهم مطالب برایشان دشوار است یا مطالب درسی را در زندگی و عهده خود بی‌اهمیت و بدون کاربرد می‌دانند. در نتیجه، به جای صرف وقت برای مطالعه، به تقلب روی می‌آورند. هم‌چنین ممکن است به خاطر انتظارات خانواده یا برای رقابت با دوستان و هم‌کلاسی‌های

با دانش‌آموزان هنگام ورود به مراحل جدید آموزشی می‌داند به این ترتیب که هنگام صحبت کردن با کودکان دبستانی، معلمان از شیوه‌های انعطاف‌پذیرتری استفاده می‌کنند، حال آن‌که هر چه قدر کودک بزرگ‌تر می‌شود، می‌کوشند به او القا کنند که «از این به بعد، همه چیز جدی است و نمره اهمیت دارد». همین امر، با تقلب رابطه مستقیم دارد، به عقیده آندرمین، تقلب بیشتر در کلاس‌هایی اتفاق می‌افتد که اخذ نمره بالاتر را ملاکی برای ارزیابی عملکرد دانش‌آموزان قرار می‌دهند. بر عکس، در موقعیت‌هایی که هدف دانش‌آموزان در آن‌ها «تسلط فردی» بر مطالب درسی و یادگیری کلاسی تعریف شده باشد، میزان بروز تقلب به میزان قابل توجهی کاهش می‌یابد. آزمون‌هایی که بر نمره تأکید دارند، به ایجاد تشویش و اضطراب در معلمان و دانش‌آموزان منجر می‌شوند و همین عامل زمینه تقلب را فراهم می‌آورد.

عکس: اعظم لاریجانی

پی‌نوشت

1. Andeman
2. personal mastery
3. implicit vs. academic cheating
4. Achievement goals and academic cheating

منبع

آمار ذکر شده در این مقاله، برگرفته از پایگاه اینترنتی www.insidetheschool.com است. نظرات اریک آندرمین که بیشتر جنبه روان‌شناختی موضوع تقلب را بررسی می‌کنند، از پایگاه اینترنتی www.researchnews.osu.edu ذکر شده است. آندرمین استاد دانشگاه اوهایو در رشته سیاست‌گذاری آموزشی است و مقالات گسترده‌ای در زمینه «تقلب» انجام داده است. از جمله مقالات وی با موضوع تقلب می‌توان به «انگیزه و تقلب آکادمیک» (۲۰۱۰) و «اهداف دست‌یابی به موفقیت و تقلب آکادمیک» (۲۰۰۸) اشاره کرد.



خود تحت فشار قرار داشته باشند اما مهم‌تر از همه این است که دانش‌آموزان این رفتار را امری فریادگیر و نوعی توانایی برای کسب موفقیت می‌دانند. آن‌ها معتقدند تقلب کردن به هیچ کس آسیبی نمی‌رساند و روشی بسیار سهل و آسان برای کسب نمره بالاتر است که شاخصی برای موفقیت محسوب می‌شود. بنابراین، لازم است این توانایی را در خود ایجاد کنند تا در آینده موفق‌تر باشند.

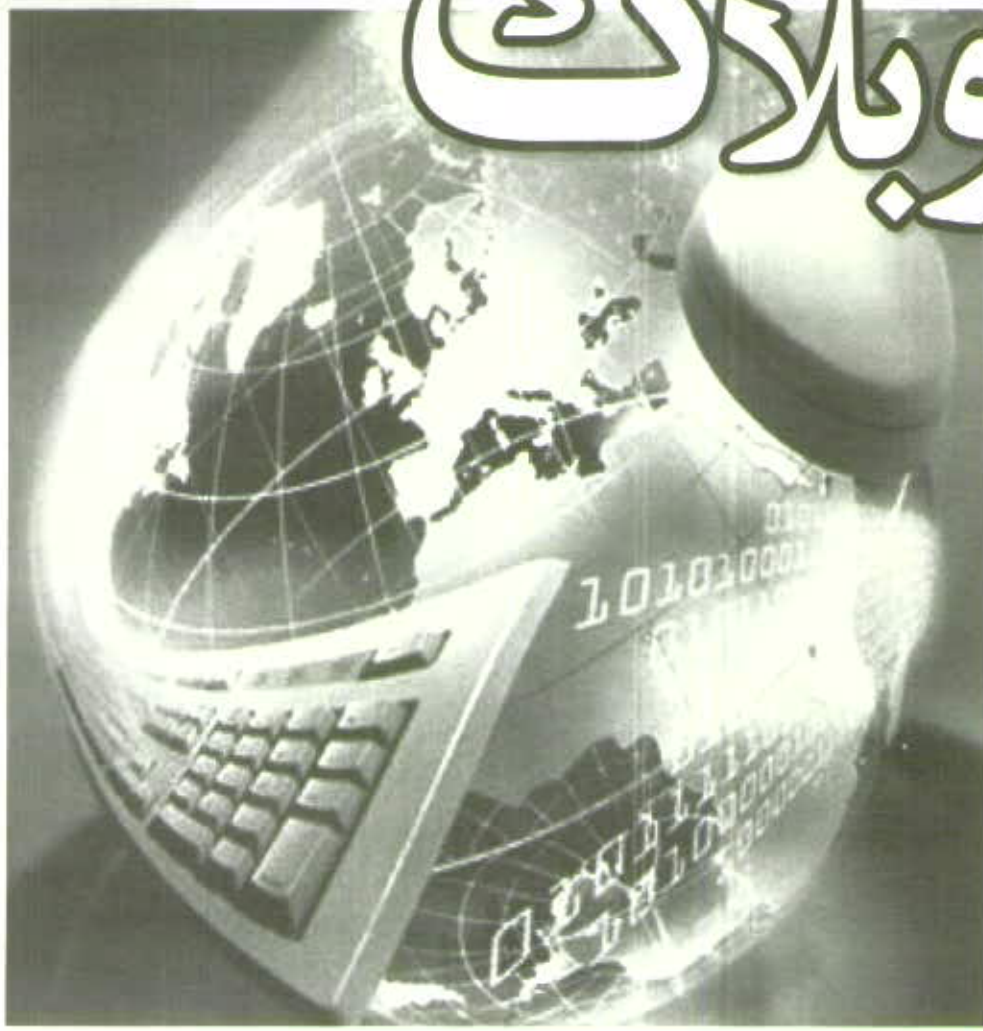
در مطالعه که از سال ۲۰۰۴ به بعد توسط آندرمین و همکارانش انجام شده، نشان داده است که هنگام گذر از دوره دبستان به دوره راهنمایی و سپس به دبیرستان، تمایل به تقلب افزایش می‌یابد. آندرمین علت این پدیده را تغییر نحوه گفتمان معلمان

به اعتقاد آندرمین، اگر هدف از آموزش یادگیری باشد نه اخذ نمره بالا در آزمون، عملکرد دانش‌آموزان بهبود می‌یابد. یادگیری سریع‌تر اتفاق می‌افتد. مطالب درسی به مدت بیشتری در ذهن دانش‌آموزان باقی می‌ماند. تقلب کمتر اتفاق می‌افتد و در نهایت دانش‌آموزان آزمون‌ها را نیز با موفقیت بیشتری پشت سر می‌گذارند.

تا زمانی که معلمان همواره درباره «امتحان» صحبت می‌کنند و به دانش‌آموزان القا می‌کنند که «باید در آزمون نمره بیاورند»، هدف یادگیری نیست بلکه موفقیت در آزمون است. بنابراین، تنها از طریق تغییر اهداف می‌توان با تقلب برخورد ریشه‌ای کرد، نه برخورد های سطحی و زودگذر مانند تنبیه و محروم کردن دانش‌آموز متقلب از امتحان.

صد مهمان یک وبلاگ

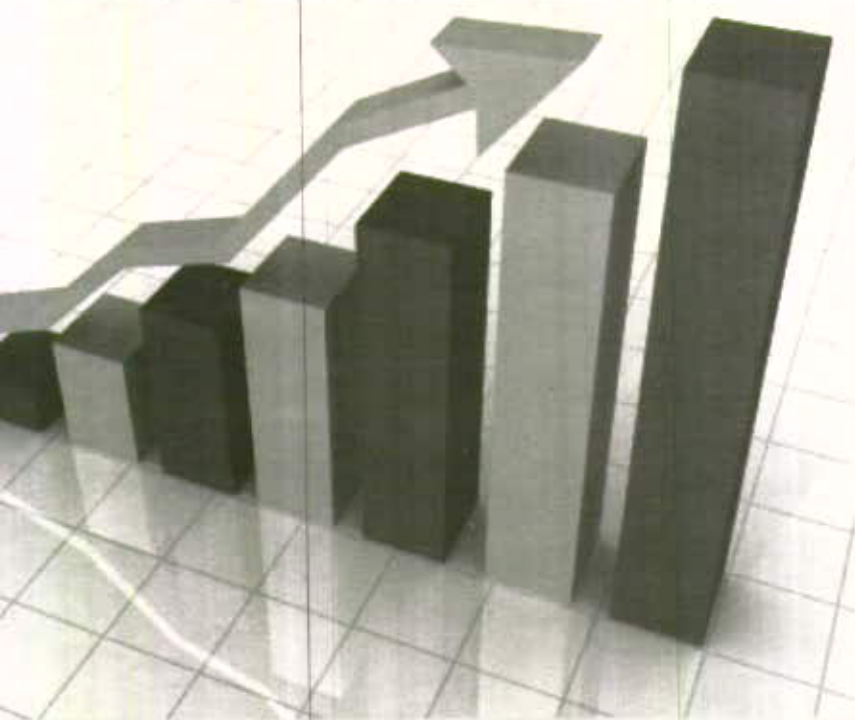
سپیده شهیدی



در شماره پیش گفتیم، به جای آن که هر دانش آموز برای خود یک وبلاگ داشته باشد، بهتر است از وبلاگ‌های گروهی یا وبلاگ کلاسی استفاده شود. هدف اصلی این نوع وبلاگ‌ها ایجاد تعامل میان دانش آموزان است. در کنار آن، مهارت‌های نوشتاری نیز بهبود می‌یابد. هم‌چنین، اهمیت بررسی نظرات و نقش آن‌ها در فعال بودن محیط وبلاگ را نیز شرح دادیم. در این شماره به نکات دیگری در این زمینه می‌پردازیم.

● آیا تأکید بر اهمیت کیفیت ساختار و محتوای نوشته‌های وبلاگ ضروری است؟

بله. از آن‌جا که نگارش در وبلاگ و انتشار آن بسیار آسان است و ارتباط و تعامل میان دانش آموزان در مجامع محازی معمولاً به صورت غیررسمی و مکالمات عامیانه و روزمره صورت می‌گیرد، بنابراین گاه رویکرد آن‌ها به مقوله نوشتن



در فضاهایی مانند وبلاگ، با نوعی سهولت انگاری همراه می‌شود و نویسندگان به ساختار آن چه می‌نویسند، دقت کافی ندارند. در نتیجه، گاه مخاطب در هنگام خواندن مطلب دچار بدفهمی می‌شود. معلم باید همواره به دانش‌آموزان یادآوری کند که برای نوشتن مطلب در وبلاگ، حتماً چند مرحله را طی کنند:

- **نوشتن همه حرف‌ها:** دانش‌آموز باید همه آن چه را که در ذهن دارد، به صورت آزادانه و بدون رعایت هیچ نوع محدودیتی به روی کاغذ بیاورد.
- **پیش‌نویس کردن:** تمام نوشته‌های حاصل از مرحله قبل را بازخوانی و موارد غیر ضروری را از آن حذف کند.
- **بازبینی:** باید همه مطالب را دوباره بخواند، از صحت آن‌ها مطمئن شود و موارد اشتباه را تصحیح کند.
- **ویرایش:** اشکالات ساختاری و دستوری متن باید با دقت مشخص و اصلاح شود.

معلم، کمک مؤثری برای او در زمینه کنترل و ویرایش مطالب باشند و دیگر لازم نیست معلم وقت زیادی برای خواندن تک‌تک مطالب صرف کند.

باید به دانش‌آموزان تأکید کرد که اعتبار نویسنده، تنها به کیفیت نوشته‌های او بستگی دارد و آنانی می‌توانند در فضای وبلاگ موفقیت بیشتری داشته باشند که ایده‌های خود را به شیوه‌ای اثر گذار برای خوانندگان ارائه دهند.

در هر کلاس، می‌توان سه تا پنج دانش‌آموز را که به مقوله وبلاگ‌نویسی علاقه بیشتری دارند، انتخاب کرد و آن‌ها را در زمینه‌های مورد نیاز مانند ویرایش متون، آموزش داد

● چگونه می‌توان از تعداد بازدیدکنندگان وبلاگ مطمئن شد؟

گاهی اوقات دانش‌آموزان یا دیگر خوانندگانی که مطالب وبلاگ را دنبال می‌کنند، نظر یا مطلبی از خود به جای نمی‌گذارند و بنابراین نمی‌توان مطمئن بود تعداد افرادی که به وبلاگ مراجعه می‌کنند و مطالب را می‌خوانند، دقیقاً چند نفر در روز است. به همین دلیل، وجود نرم‌افزاری که آمار بازدیدکنندگان سایت را نشان دهد، برای معلم بسیار ضروری است. این گونه نرم‌افزارها در بسیاری از سایت‌های ارائه‌دهنده سرویس وبلاگ موجود است و تنها باید آن را فعال کرد تا به ابزارهای موجود در وبلاگ افزوده شود. وجود خوانندگان متعدد و بی‌گیر می‌تواند مشوق خوبی برای ادامه کار وبلاگ‌نویسی توسط معلم و دانش‌آموزان باشد؛ از این رو نصب این گونه نرم‌افزارها می‌تواند بسیار کمک‌کننده باشد. همچنین از این طریق می‌توان فهمید که چه روزها یا برای کدام مطالب، تعداد بازدیدکنندگان کمتر یا بیشتر بوده است و دلایل احتمالی آن را بررسی کرد. این امر خود می‌تواند برای غنی‌سازی مطالب براساس سلیقه مخاطب بسیار مفید باشد.

● چه می‌توان کرد تا معلم زمان کمتری را صرف بازبینی و ویرایش وبلاگ کند؟

معلمانی که استفاده از وبلاگ در کلاس درس را تازه شروع کرده‌اند، در ابتدا شوق و انگیزه فراوانی از خود نشان می‌دهند؛ بیشتر طرح درس‌های خود را بر محوریت وجود وبلاگ می‌نویسند و دانش‌آموزان را تشویق می‌کنند تا مطالب متعددی را در وبلاگ قرار دهند. اما پس از مدتی، حجم انبوه مطالب به گونه‌ای می‌شود که کنترل و ویرایش آن‌ها نیازمند صرف وقت بسیار زیاد است و از آن‌جا که معلم معمولاً مشغولیت‌های دیگری نیز دارد، کم‌کم این سؤال برایش پیش می‌آید که آیا اختصاص این همه زمان برای آموزش از طریق وبلاگ، واقعاً ارزشش را دارد؟ در حقیقت تمام آن شور و شوق جای خود را به خستگی می‌دهد. چاره جلوگیری از این اتفاق، کمک گرفتن از خود دانش‌آموزان است. در هر کلاس، می‌توان سه تا پنج دانش‌آموز را که به مقوله وبلاگ‌نویسی علاقه بیشتری دارند، انتخاب کرد و آن‌ها را در زمینه‌های مورد نیاز مانند ویرایش متون، آموزش داد. این دانش‌آموزان می‌توانند تحت نظارت

آموزش در دوران اسارت

گردآوری: نفیسه نبات

هواپیما سازان



شبه صبح برگرد عراقی با یک گروه از مستعمران بعد از توکاه
«مترجم از توکاه باید بیخ تا مترجم خبره دیگر هم می خواهیم»
علی زرتیانی با بیخ نفر دیگر فقط اسی فرماتند گفته «ن»
از توکاه های دیگر کار عیادانه به سختی جلو می رود مترجم مترجم
باید کمک نا رو دتر همه را راه بنمایند»

باید گروه های را برای آموزش بعضی بعضی اسامی را می گردیم
چهار ستای اسامی را دستخندی و مرتب می گردیم علی اسمها را
پست بلندگو می خواند مهم ترین کاری که عراقی ها نمی توانستند
نکنند خواندن اسمها به ایرانی بود، به عربی و به انگلیسی به صلیب
از عهدش بر می آمد نه عراقی ها آشنایی می خوانند بجهها
می فهمیدند بلند می شنیدند کلی وقت تلف می شد.

فهرست اسامی مرتب و گروه بندی شد بجهها از سرتیگر می
در آمدند اسمها را تند تند می خوانند بجهها سوار اتوبوس ها می شدند
از توکاه خالی می شد و سگوت تنها چیزی بود که از یک زندگی ده
ساله باقی می ماند.

نقد نظر علی و مترجم هایش برگشتند از توکاه خودشان و به
تمام اتای ها سر زدند و برای بجهها توضیح داد چه چیزهایی می توانند
ببینند چه کارهایی باید نکنند اول کجا می روند بعد چه می شود
کم کم از توکاه خالی می شد مترجمها دیگر نمی توانستند خبر
کنند خانواده هایشان منتظر بودند باز کلاس های آموزشی بجههایی
که هنوز پوشتان بسته بود آموزش می دیدند که جطور با صلیب و
عراقی ها همکاری کنند و اسامی را بخوانند و کارها را راه بنمایند
از نور جانهای بزرگ و سیاه معلوم بود همه جمع شدند کنار
هم علی زرتیانی بلندگو را گرفته «به ترتیب شماره ها به صف وارد مرز
ایران می شیم، سوار اتوبوس های ایرانی می شیم»

اشک بود چیزی که به صورت تک تک بجهها می شد دید
سال بعد در ایران بیشتر بجهها در کنکور نهمای خوبی گرفتند
و راهی دانشگاه شدند حتی آنهایی که دیپلم نداشتند تا یک امتحان
تهایی دیپلم گرفتند و راهی دانشگاه شدند و حالا بیشترشان از مانیان
مهندسان و پزشکان موفق مملکت شده اند.

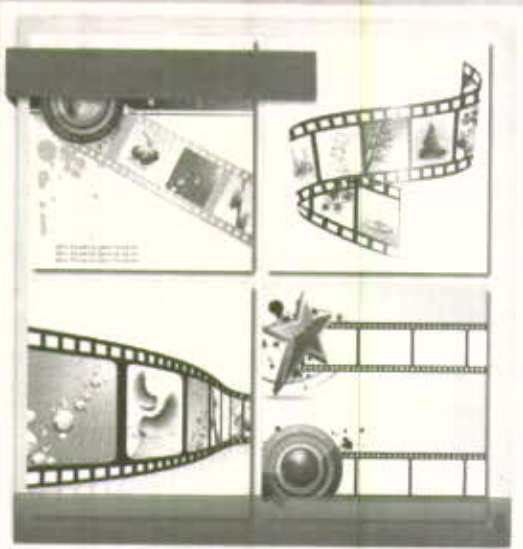
همه چیز و همه جا یادگیری و آموزش بود تمام این ده سال را
می گویم تمام این ده سال شب دیوارهای بلند از توکاه موصول عراقی
یاد گرفتیم و یاد دادیم حتی همان وقت که می خواستند راضی کنسو
باورمان نمی شد کلاس ها را تعطیل نکردیم فقط سه روز مانده بود به
جمعه هر چه می خواستیم خودمان را گول بزنیم، باز همه نه دلمان انگار
حالی می شد چیزی از قلممان می گذشت باز همه حرکت نمی کردیم
کلاس ها را تعطیل کنیم اگر باز هم شروع بود چی؟ به بجهها
می گفتیم این سه روز را تحمل کنید، بسیم چه می شود؟ کلاس ها یا
درجا بود ولی تا آرام و بی حوصله انگار رنگ عراقی می خواست بخورد
ولی نمی خورد همه این را و آن را می کردند سرها توی کتابها بود
و بی فکرها.

چهارشنبه صبح اول وقت برایمان تک کامیون لباس و کفش
بیاوردند معلمها سر کلاس با شاگردها حفاظتی کردند خلاص
طیبتند کلاس ها را تعطیل کردیم فرار بود کسی از این زندگی ده
ساله چیزی به دل نگرفت همشهری ها کنار هم جمع نشدند یادگیری
به هم دادند عکس، قاب، گلولوزی، تسبیح، حفاظتی.

این طوری که نمی شد برگردیم، باید همه جسد را با نظم و
سازمان دهی اسر حایش بر می گردانیدیم. باز هم آموزش باز هم
گروه های کاری تشکیل شدند و برنامه آموزشی هر چه در بیست سال
بود، باید بین بجهها یا سرریزهای نیازمند عراقی تقسیم می شد
کتابها هم سازمان دهی می شد مترجمها آموزش می دیدند که
جطور با صلیب و خبرنگارها برخورد کنند گروه سرود و تانرا، آماده
شدند برای ایران.

جمعه اولین گروه را با لباس های نو از از توکاه بردند صبح همه
به صف منتظر بودند تا مستولان اسمها را بخوانند آنهایی که
اسمشان در فهرست بود می دانستند پوششان کی می شود هر کس را
که می خوانند و سایش را می گرفت توی بغلش و می توند تا توند
می شد نفر پستی هم باشه کفش کنایی پوشش را می کشید بند هایش
را یک بار دیگر سخت می کرد ساکش را تو دستش جابه جا می کرد و
آماده می شد که بنود روز خدا حافظی بود.

بجهها



مریم زارعیان
دبیر شهرستان چهارم

مزایای آموزش در رویه فیلم

- الف) جریان کاری در مدتی کوتاه نشان داده می‌شود؛
- ب) تحولات هر امر طبیعی یا علمی دقیقاً ارائه می‌شود
- ج) وضع رویت چنان طبیعی می‌شود که آدمی را خوشایند است و گویا خود در واقعه یا صحنه حضور دارد؛
- د) خاطره آموزش به مدت طولانی در ذهن می‌ماند؛
- ه) یک چهارم زمانی که با کتاب یا معلم برای آموزش صرف می‌شود وقت لازم است؛
- و) مددیار آموزش به اطفال کم‌هوش و کودن است^۱

پی‌نوشت

۱. شمعانی، حسن. مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس). سمعه تهران، ۱۳۷۱، ص ۵۹
۲. مظلومی، رجیبی. گامی در مسیر تربیت اسلامی. افق، تهران، ۱۳۸۶، ص ۱۸۱
۳. همان، ص ۱۸۰

دین راهی برای کسب معلومات است. تماشای افراد در حین انجام کار، روشی مؤثر در جهت یادگیری در مدت زمان کوتاه راجع به مشاغل و رشته‌هاست. یادگیری از طریق مشاهده همیشه مورد توجه روان‌شناسان بوده است. حسن شعبانی معتقد است، «توعی دیگر از انواع یادگیری‌هایی که به شناخت و تجزیه و تحلیل نیاز دارد. یادگیری از طریق مشاهده، سرمشق‌گیری و تقلید است. بسیاری از دانش‌ها، مهارت‌ها و گرایش‌ها، از طریق مشاهده و تقلید آموخته می‌شوند»^۲

همچنین دکتر مظلومی درباره اثر تصویر در سهولت فهم می‌نویسد: «ثابت شده است که انسان یا دین اشیا یا تصویر آن‌ها و به کاربردن حواس با هم، بهتر و آسان‌تر و زودتر می‌تواند آن‌ها را بشناسد و خواصشان را درک کند. آن‌چه بدین وسیله فرا می‌گیرد در خاطر او بیشتر پایدار می‌ماند»^۳

یکی از راهکارهای اساسی برای بهتر برگزار شدن هفته مشاغل و همچنین دست یافتن به یکی از اهداف والای آموزش و پرورش، یعنی آماده‌سازی جوانان و نوجوانان برای ورود به دنیای اشتغال، مشاهده فیلم با هدف آشنایی با مشاغل و شناخت رشته‌های متوسطه و دانشگاهی است. در این‌جا ذکر یک تجربه در هفته مشاغل را ضروری می‌دانم.

هفته مشاغل در مدرسه، علاوه بر مزیت‌ها، با مشکلاتی نیز همراه بود یکی از این مشکلات علاقه نداشتن برخی از دانش‌آموزان به تماشای فیلم بعضی از رشته‌ها و شغل‌ها بود همین باعث می‌شد که گاه با بی‌میلی فیلم را تماشا کنند و در نتیجه به هدف اصلی تماشای فیلم دست نیابند با توجه به این مشکلات بر آن شدم تا دین فیلم‌ها را تخصصی کنم. بنابراین، زمان تماشای فیلم‌ها را طوری تنظیم کردم که با وقت آزاد همه دانش‌آموزان در مدرسه هماهنگ باشد اما از قبل، برنامه تماشای فیلم را به مدت یک هفته و برای هر روز در هفته مشاغل، در تابلوی مدرسه نصب کردم تا همه دقیقاً بدانند در کدام روز، فیلم کدام رشته‌ها و شغل‌ها به نمایش درمی‌آید و خود تصمیم بگیرند بپسندند کدام فیلم باشند ضمناً هر روز، قبل از نمایش فیلم، با بلندگوی مدرسه نیز دانش‌آموزان علاقه‌مند را دعوت می‌کردم.

بدین ترتیب هفته مشاغل طوری برگزار شد که در ارتباط با مشاغل و رشته‌های گوناگون در گروه‌های مختلف و در زمان‌های معین، اطلاعاتی به صورت سمعی و بصری ارائه شود. در این ساعات، فقط دانش‌آموزان علاقه‌مند به رشته یا شغل مورد نظر در اتاق سمعی بصری مدرسه حضور داشتند بنابراین، با علاقه فیلم‌ها و سسی‌دی‌های شغلی را تماشا می‌کردند، سؤال می‌پرسیدند و با یادداشت برمی‌داشتند.

این برنامه را در طول سال‌های خدمت در پست مشاور مدرسه انجام دادم. می‌توان گفت که بازخورد خوبی گرفته‌ام و دانش‌آموزان و مدیر مدرسه هم راضی بودند. در پایان لازم می‌دانم برای کامل‌تر شدن مبحث یادگیری از طریق دین که هدف رفتاری نمایش فیلم در هفته مشاغل است، به گفتاری از دکتر مظلومی در باب مزیت این روش (تماشای فیلم توسط یادگیرندگان)، اشاره کنم.

دانشگاه تهران



با ورود اسلام به ایران، دو گونهٔ تعلیم و تربیت در آن واحد در ایران رواج یافت: یکی مخصوص کسانی که به دین نیاکان خود باقی مانده بودند و نوع دوم برای کسانی که به اسلام گرویده بودند.

در دورهٔ ایران اسلامی نیز مساجدی که کم‌کم در بعضی از شهرها برپا می‌گشت، همانند مساجد تمام ممالک اسلامی، هم محل عبادت و پرستشگاه مسلمانان به شمار می‌رفتند و هم به عنوان مرکز علمی - آموزشی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. برای خواندن قرآن، به تدریج عده‌ای الفبای

در سلسله مطالب «تاریخ آموزش و پرورش در ایران» در دو دورهٔ ایران باستان و ایران اسلامی به معرفی آموزش و پرورش ایران پرداختیم. در دورهٔ ایران باستان، دانشگاه جندی شاپور یا گندی شاپور یکی از باارزترین مراکز آموزش عالی در قبل از اسلام است که تا قرن سوم هجری به فعالیت خود ادامه داد. این دانشگاه در میان آموزشگاه‌های عالی موجود در مرزهای تاریخی ایران و امپراتوری روم از شهرت و امتیاز بیشتری برخوردار بوده است.

عربی آموختند، ولی تعلیم اصول دین شفاهی بود و در مساجد انجام می‌یافت. توسعه کیفی و کمی آموزش، مساجد را در شرایطی قرار داد که دیگر جوابگوی نیازهای آموزشی نبود؛ بنابراین مکان‌های آموزشی به تدریج از مدارس جدا شدند. اهمیت بسیاری که دین اسلام برای علم و علم‌آموزی قائل است، عامل توسعه و رشد مراکز آموزش و مکتب‌خانه‌ها شد. برای ورود به مکتب، هیچ‌گونه محدودیت سنی یا اجباری وجود نداشت.

پس از رشد و گسترش روزافزون اسلام، حکومت‌ها و فرقه‌های مذهبی، به تشکیل مدارس و مؤسسات آموزشی اقدام کردند. **خواجeh نظام الملک طوسی**، وزیر مقتدر سلجوقیان، با تأسیس مدارس نظامیه در سراسر قلمروی اسلامی، تأثیر بسزایی در توسعه و گسترش مدارس در جهان گذاشت.

در مدارس، تربیت نظری و عملی رواج داشت و در خانقاه، تنها تربیت عملی. مواد تربیتی در خانقاه شامل مراحل مخصوصی از سلوک و تزکیه نفس بود که هر یک با شرایط خاص تربیتی، تحت نظر شیخ خانقاه انجام می‌پذیرفت. نظام آموزشی اسلامی، باعث رشد و پویایی علوم و معارف دینی شد و دانشمندان و اندیشمندان بزرگی را به جهان عرضه داشت. اما متأسفانه با حمله مغولان و تیمور، بسیاری از مراکز علمی و مدارس رو به ویرانی گذاشتند. البته در عصر صفویان، با رونق یافتن مذهب تشیع، تعدادی مدارس مهم در شهرهای بزرگ ایران تأسیس شد.

با روی کار آمدن حکومت قاجار در کشور و رقابت و منازعات گسترده برخی از قطب‌های استعماری اروپا بر سر تسلط بر ممالک دیگر، ایران به مقابله سرزمینی با ویژگی‌های خاص، شدیداً مورد توجه دولت‌های استعمارگر روس و انگلیس قرار گرفت. در دوره حکومت قاجار، دارالفنون، به همت **امیر کبیر**، در سال ۱۲۶۸ توسط دولت و از خزانه عمومی به وجود آمد. رشديه اولین کسی بود که در ایران برای نابینایان مدرسه ساخت و آن‌ها را باسواد کرد.

با توسعه و افزایش مدارس جدید، ضرورت ایجاد مراکزی به منظور تربیت معلم مورد توجه قرار گرفت. به همین دلیل دارالمعلمین، دانش سرا و سپس دانشگاه تربیت معلم تأسیس شدند.

تأسیس دانشگاه تهران

در راستای توسعه صنعتی و علمی و هماهنگ ساختن فعالیت‌های آموزش عالی کشور، دانشگاه تهران به عنوان مرکزی که همه یا اغلب مدارس عالی را در بر گیرد، تأسیس شد.

فکر تأسیس دانشگاهی به سبک دانشگاه‌های اروپایی در سال ۱۳۰۷ مطرح شد، اما به دلیل فراهم نبودن مقدمات،

کار به تأخیر افتاد. در سال ۱۳۱۳، قانون تأسیس دانشگاه تهران به عنوان مرکزی که در برگیرنده همه یا اغلب مدارس عالی باشد، از تصویب مجلس شورای ملی گذشت. دانشگاه تهران بزرگ‌ترین نهاد آموزش عالی در ایران و قدیمی‌ترین دانشگاه ایران است که در سال ۱۳۱۳ تأسیس شد.

هم‌چنین، دانشکده‌هایی برای دانشگاه در نظر گرفته شد: علوم معقول و منقول (الهیات)، علوم طبیعی و ریاضی، ادبیات، فلسفه و علوم تربیتی، طب، حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی، و فنی.

این دانشگاه براساس روش کار مؤسسات آموزش عالی فرانسه الگوبرداری شد. حتی طراحان ساختمان‌های دانشگاه تهران، مهندسان فرانسوی بودند. دانشگاه تهران با ادغام دارالفنون، مدرسه علوم سیاسی، مدرسه طب، مدرسه عالی فلاحه و صنایع روستایی، مدرسه فلاحه مظفر (اولین مدرسه کشاورزی در ایران)، مدرسه صنایع و هنر (تأسیس توسط کمال الملک)، مدرسه عالی معماری، مدرسه عالی حقوق، و چند مرکز آموزش عالی دیگر تهران، تشکیل شد. مدرسان دانشگاه، علاوه بر استادان ایرانی که از فارغ‌التحصیلان دانشکده‌های خارجی بودند، تعدادی نیز از فرانسه و آلمان به استخدام دانشگاه درآمدند. دانشگاه تهران پس از تأسیس در سال ۱۳۱۳ که از اجتماع مدارس عالی موجود به وجود آمد، زیر نظر وزیر فرهنگ (آموزش و پرورش فعلی) اداره می‌شد و وزیر فرهنگ ریاست دانشگاه را هم به عهده داشت، اما از سال ۱۳۲۲ اداره دانشگاه تهران از وزارت فرهنگ جدا شد. رییس دانشگاه به وسیله شورای دانشگاه، از میان رؤسای دانشکده‌ها انتخاب می‌شد. رؤسای دانشکده نیز به وسیله شورای دانشکده‌ها از میان استادان هر دانشکده انتخاب می‌شدند.

در ابتدای تأسیس دانشگاه تهران، حدود یک هزار دانشجو در این دانشگاه پذیرفته شدند که اصولاً از طبقات بالای اجتماع بودند ولی دانشجویان مرفه‌تر هم‌چنان به تحصیل در خارج از کشور تمایل داشتند. دانشجویان دانشگاه از تمام نقاط کشور ایران می‌توانستند وارد شوند. به علاوه، از نجف، استانبول، هندوستان و اتحاد جماهیر شوروی هم دانشجویانی برای تحصیل، به دانشگاه تهران اعزام می‌شدند.

منابع

۱. الماسی، علی محمد. تاریخ آموزش و پرورش ایران. امیر کبیر. تهران. چاپ هفتم، ۱۳۸۴.
۲. درانی، کمال. تاریخ آموزش و پرورش: قبل و بعد از اسلام. سمت. تهران. چاپ سوم. ۱۳۸۰.
۳. صدیق‌عیسی، تاریخ فرهنگ ایران. دانشگاه تهران. تهران. چاپ هفتم، ۱۳۵۴.
۴. قاسمی‌پویا، اقبال. مدارس جدید در دوره قاجار: بانیان و پیشروان. مرکز نشر دانشگاهی، تهران. ۱۳۷۷.



شادی دانش‌آموزان پس از شنیدن خبر برگزاری یک اردوی علمی، تفریحی و ورزشی
و... بسیار دیدنی است.

اردو



این چانه... ولی دانش‌آموز... رضایت می‌دهم
فرزنده در اردوی علمی، تفریحی و ورزشی و...
شرکت کند و در صورت بروز هرگونه حادثه
هیچ‌گونه ادعای شکایتی نداریم. در ضمن، مبلغ
۲۰۰۰۰۰ ریال پایت شد که در این اردو پرداخت
می‌کنیم.

قبل از اردو حتما برگه‌های
رضایت‌نامه را به دست اولیا
پرستید.



برای جابه‌جایی دانش‌آموزان در اردو،
از وسایل نقلیه استاندارد و راننده‌های
تأیید صلاحیت‌شده استفاده کنید.



پادمانی

اینم همون هتل پنج ستاره‌ای
که قولشو بهتون داده بودم.

محل اسکان دانش‌آموزان هم باید از
استانداردهای لازم برخوردار باشد.



کسی که ورزش می‌کنه، حتماً باید
تغذیه خوبی داشته باشه.

اردو بهترین فرصت برای آموزش مهارت‌هایی است
که در مدرسه، امکان انجام آن‌ها نبوده است.



جلیقه نجات یادتون رفته.



هنگام بازی و استفاده از وسایل تفریحی، نکات ایمنی را
رعایت کنید.



ممکن است در شب‌های اردو،
بعضی از دانش‌آموزان برای
پدر و مادر خود دل‌تنگی کنند.
در این‌گونه موقعیت‌ها، شما به
عنوان مربی باید نقش یکی از
اولیا را برای آن‌ها بازی کنید.

من مامانمو
می‌خوام.

معلمون راست می‌گفتن،
حتش پنج ستاره است.



مجموعه داستان‌ها

آرام آرام نگاهم در پس پرده سیاه شب محو می شد فکر
ز یاددهندی خواب را از جسمانی گرفته بود فکر من که فردا باید
دانش آموزانم را ترک کنه همان دانش آموزانی که دیگر خبری از
وجودم شده بودند.

صبح زود از خواب بیدار شدم، بی حواس مستغرق آمتم
دانش آموزانم بودم، مریسه هوای دیگری نشستم. سوزیدم. بیابان
نقش هیبه کلاسی ها شده بود هیچ کس نمی خندید دیگر اسمی
روی تخته کلاس نوشته نمی شد و از کلاسی سوم راهنمایی شدم
از آن جا که گاه گاهی شعری می سرودم، دفتر شعرم را باز کردم و
شعر زیر را برای دانش آموزان خواندم.

چون هاله‌ای در غبار یک روز طوفانی
و چون عریق در گام ازدهای آخرین خواهی
و چون ستاره در طلوع یک روز خورشیدی
از تو دور می شوم

لحظه‌ای بعضی کلاسی برکت همه جا حبه صدای گریه،
صدایی شنیده نمی شد، حال و هوای کلاسی به من اجازه بداد شعر
را کامل بخوانم.

با خود گفتم فضای کلاسی را عوض کنم. از دانش آموزی
خواستم یکی از شعرهای کتاب را از حفظ بخواند، اما او بی شعری
را تر پس پرده اشک هاشم گم کرد.

به هر حال، یکی از دانش آموزان با صدایی گرفته گفت:
«آقا اجازه ما شعرت را کامل نخواندی.» و من این بار شعر دیگری
برایشان خواندم:

امشب از تندیس فاصله گذشتم
تا انتهای سکوت
تنها تو را دیدم و بین من و تو
یک لحظه فریاد
فاصله بود

و به آن‌ها گفتم، فاصله بین من و شما فقط یک خواستن
است.

نزدیک ظهر بود دیگر کم کم ماشین آماده حرکت شده بود
و دانش آموزان برای خداحافظی دور من حلقه زده بودند هر کدام
می گفتند ما باید دیرتر خداحافظی کنیم، برایم هدایایی از صفا و
صمیمیت روستا آورده بودند که من نپذیرفتم. گفتند آقا این رسم
روستاست و باید هدایا را از ما قبول کنی. چشمم به دنبال یکی از
آن‌ها می گشت که نیامده بود.

به سمت ماشین حرکت کردیم. دانش آموزان با صدای بلند
گریه می کردند و هر لحظه از هم دورتر می شدیم. برای سوار شدن،
باید از کوچه باغ میان آبادی می گذشتیم. چند نفر از دانش آموزان که
بایین آبادی بودند، مرا همراهی کردند. آبادی در پس گام‌های لرزانم
محو می شد که ناگهان اصغر، همان دانش آموز غایب، جلوی راهم
سبز شد و چند شاخه گلی را که از باغ روستا چیده بود، به من هدیه
داد و گفت: آقا! من مادر ندارم. می خواستم هدیه‌ای برایتان بیاورم،
به همین خاطر برای خداحافظی نیامدم، با پذیرفتن شاخه‌های گل،
او را در آغوش گرفتم و با صدای بلند بسیار گریستم. به او گفتم،
این بهترین هدیه‌ای است که در تمام زندگی‌ام گرفته‌ام. و هنوز بعد
از هجده سال تدریس، رایحه آن گل‌ها را حس می کنم.

فداها و فطرها



حمیدرضا شمه‌سواری
سرگروه ادبیات فارسی راهنمایی، استان لرستان



بی صدا ترین درد تبارت بخ

احمد عربلو

و انگلیس‌ها رئیس‌الوزرای حکومت مشروطه شد. فرمانفرما وزیر داخله بود. بعد برای این که به کابینه عین‌الدوله یک رنگ ملی بدهند، بعضی از رجال خوش‌نام، مانند **مرحوم حاج محتشم‌السلطنه، حکیم‌الملک** و غیره را نیز در کابینه وارد کردند. اقتدارالدوله برای خدا حافظی و کسب دستور درباره نایب‌حسین و اوضاع کاشان، نزد عین‌الدوله می‌رود. عین‌الدوله به او می‌گوید: دولت نه پول دارد و نه قشون. این چهار تا سرباز و قزاقی که دم در ارگ ایستاده‌اند، ابروی دولت‌اند. می‌آید اسپانی فراهم کنی که این چهار پنج نفر را هم با نداشتن پول مجبوراً برای جنگ با نایب حسین روانه کاشان کنیم که این مختصر ابرو هم بر باد می‌رود.

در این اثنا وزیر معارف وقت، آقای حکیمی، با مرحوم محتشم‌السلطنه وارد می‌شود و به رئیس‌الوزرا می‌گوید: چهارده ماه است معلمان دارالقشون و سایر اعضای معارف حقوق نگرفته‌اند. عین‌الدوله آن چه را که برای اقتدارالدوله گفته بود، تکرار کرد و بعد با کمال اوقات تلخی فریاد زد: در این صورت، معلمان سنگ بخورند، آجر بخورند! من چه کنم که نان ندارند بخورند؟

وزیر معارف از این حرف‌های رئیس‌الوزرا تدبیری به خاطرش رسید. نزد **هسنس بلژیکی**، خزانه‌دار وقت رفت و گفت: رئیس‌الوزرا فرمودند از آن آجرها و گچ‌ها و آهک‌ها که بابت مالیات از کوره‌ها بر گرفته‌اید، مقداری بابت حقوق به معارف بدهید. هسنس این حرف را می‌پذیرد و بعد از چهارده ماه، مقداری آجر و آهک و گچ، بابت حقوق میان اعضای معارف تقسیم می‌کنند.

بی‌نوشت

۱. اطلاعات ماهانه، مهرماه ۱۳۳۶.

از عجایب سانسور!

مرحوم دکتر **محمود افشار** مدیریت وقت محله اینده، درباره سانسور زمان **رضا خان پهلوی** می‌نویسد: شنیده بودم که مأمور کیم‌سوادی را برای سانسور جراید معین کرده بودند. بجای از بی‌سوادی یک مرتبه این مصراع از شعر حافظ «رضا به داده بنده وز جبین گره بگشا» را در روزنامه‌های سانسور کرده بود، با این اشتباه که کلمه رضا را اسم خاص فرض کرده و ترسیده بود به مقامات عالیه (مانند خود شاه که اسمش رضا بود) بر بخورد. لذا به حروف چین مطبوعه دستور داده بود که به جای کلمه رضا، اسم حسن را بگذارد و در نتیجه شعر این طور چاپ شده بود:

حسن به داده بنده وز جبین گره بگشا
که بر من و تو در اختیار نگشوده است!

باز هم جحا!

تسی زن جحا پیش او رفت و با غیظ گفت: نمی‌دانم این بچه را چه می‌شود که هر چه می‌کنم، از گریه ساکت نمی‌شود و مرا عاقر کرده است. نمی‌دانم چه بکنم؟ اگر تو راه‌حلی به عقلمت می‌رسی، عمل کن! جحا گفت: عصبانی نشو، این کتاب را بگیر و در مقابل بچه بخوان، خوابش می‌برد. زش داد و فریاد نمود که: تو هم‌ماش مسحرگی می‌کنی و مرا دست می‌اندازی! جحا جواب داد: تو از من راه چاره خواستی و من هم گفتم! رتش گفت: این کتاب چیست و خاصیتش چیست؟ جحا گفت: این کتاب مسئله است، من هر وقت شروع به خواندن آن کرده‌ام، شاگردان شروع به جرت زدن کرده و بعداً هم به خواب عمیق رفته‌اند!

حق الزحمه‌های آجری!

«**اقتدارالدوله علی‌آبادی** در سال ۱۳۳۲ هـ.ق حکمران کاشان شد. در آن موقع، **نایب حسین** (راهزن معروف) و پسرش **ماشاء‌الله خان** نه تنها فرمان‌روای کاشان بودند بلکه هر چند روز یک مرتبه تا بنسبت دروازه تهران می‌آمدند. گاری بنسبت را با محتویاتش می‌زدند و می‌بردند! اگر کله گوسفند و گاوی هم سر راه می‌دیدند، از پیش می‌رانند.

عین‌الدوله صلیراً عظیم مستندی که مشروطه‌خواهان را گلوله‌بیج کرده و شهر تبریز را بمباران نموده بود، با فشار روس‌ها

این طور بپوشم

● تناسب لباس با نوع فعالیت

هر یک از افراد بشر در لحظات مختلف زندگی، فعالیت‌های خاصی را انجام می‌دهد. هر فعالیت لباس خود را می‌طلبد. به همین دلیل، مساعی لباس‌های گوناگون داریم: مانند لباس کار مکانیک‌ها، خلبان‌ها، حر خان، مانورال آتش‌نشانی و... لباس مناسب برای فعالیت‌های دانش‌آموزی، باید ویژگی‌هایی داشته باشد:

- اندازه آن مناسب باشد نه گساده و نه تنگ
- در مقابل اصطکاک مقاومت کافی داشته باشد
- پوشیدن و درآوردن آن آسان باشد
- گویای آن باشد که استفاده‌کننده از آن دانش‌آموز است
- سستی و لطافت آن آسان باشد
- لودگی زاویه عبودت شکل دهناجرگنات لباسها
- از کمترین عباده در و جیب برخوردار باشد زیرا برخی از رنگ‌های پوشی مثل قرمزها جیبی می‌گیرند و رشد و نمو می‌کنند

● تناسب با فصل

- هر لباس باید با فصل استفاده از آن تناسب داشته باشد. مهم‌ترین فصل‌هایی که در آن هر مساعی بهداشتی می‌باید باید مورد توجه باشند، فصول تابستان و زمستان هستند.
- مسائل فصل تابستانی عبارتند از:
۱. تابش اشعه فرابنفش (تابش UV) این اشعه باعث بروز سرطان پوست می‌شود.

ظاهراً یکی از اولین و ضروری‌ترین نیازهایی که بشر درک کرد و در راه آن قدم برداشت، پوشش، لباس و پوشاک بوده است. تاریخ برای بیان این نیاز، به گذشته‌های بسیار دور باز می‌گردد. همان تبار به حفاظت از بدن در مقابل گزندهای بیرونی مانند سرما، گرما و... البته فطرت گرایش به اخلاق نیز انسان را به پوشاندن بعضی از نقاط بدن متمایل کرده است. به مرور زمان، بشر کارکرد دیگری نیز برای لباس در نظر گرفت و آن عبارت از زیبایی، تجمل و جلوه‌گری است که البته انتقادی بر آن وارد نیست.

اکنون بشر انواع لباس را با توجه به کارکرد و رعایت زیبایی آن طراحی می‌کند. آنچه در این نوشتار به آن پرداخته می‌شود، تاریخچه لباس و مسائل روان‌شناختی آن نخواهد بود، بلکه مسائل بهداشتی آن به طور مختصر و خلاصه تقدیم می‌شود.

لباس چیست؟ هر آن چه بر تن انسان بپوشانند، نامیده می‌شود. کلاه، شال‌کوب، پیراهن، ملوار، دستکش، جوراب، لباس زیر، لباس راحتی و حتی کفش نیز لباس و پوشاک محسوب می‌شوند. هر زمته بهداشت لباس، سه اصل بهداشتی باید مد نظر قرار گیرد:

۱. تناسب لباس با نوع فعالیت فرد
۲. تناسب لباس با فصل
۳. رنگ مناسب

لباس خنک عبارت است از لباسی که بتواند مانع افزایش دمای ناشی از تابش خورشید شود. تنها لباس‌هایی می‌توانند این وظیفه را انجام دهند که بتوانند رطوبت حاصل از عرق را جذب کنند و به آرامی آن را از دست بدهند.

۱. لباس زیر (زیرپیراهن، شورت) حتماً پوشیده شود. جنس زیرپوش باید از نخ و کتان و رنگ آن ترجیحاً سفید باشد.
۲. شکل زیرپوش (چه دخترانه و چه پسرانه) نباید از نوع رکابی (حلقه آستین) باشد؛ مگر در موارد بسیار خاص. زیرا کارکرد لازم را نخواهد داشت.
۳. از شورت‌های کوتاه (اسپلیت) استفاده نشود، زیرا کارکرد خود را نخواهد داشت.
۴. لباس‌های زیر حتماً یک روز در میان تعویض شوند.
۵. خشک کردن لباس‌ها پس از شسته شدن باید در معرض آفتاب و به مدت کافی صورت گیرد تا در حد قابل قبولی ضد عفونی شوند.
۶. درز لباس‌ها حتماً اتوی داغ کشیده شود.
۷. هرگز از لباس زیر دیگران به ویژه مابو استفاده نشود.
۸. بهتر است در تابستان از کلاه و ترجیحاً شکل لیه‌دار آن استفاده شود. کلاه‌های حلقه‌ای و فاقد سقف مناسب نیستند.



عکس: زهرا قوش‌گری

۲. تابش اشعه مادون قرمز: این اشعه با افزایش دمای پوست (سوختگی) و بدن (گرم‌زدگی)، باعث تعریق می‌شود. لباس تابستان باید بتواند این دو مسئله را تحت پوشش قرار دهد و مانع از بروز آثار سوء تابش خورشید شود. به همین دلیل پوشش تابستانه باید با رعایت نکات زیر انتخاب شود:

*** دارای رنگ روشن باشد، ولی براق نباشد تا بتواند حداکثر بازتابش را داشته باشد.**

*** نازک نباشد** لباس‌های بسیار نازک و یا توری، هرگز برای تابستان مناسب نیستند، زیرا مانع از برخورد اشعه فرابنفش و مادون قرمز با بدن نمی‌شوند.

*** بدن را کاملاً بپوشاند.**

*** نتواند عرق سس را نه خوبی جذب کند، در غیر این صورت، سوختگی‌های ناشی از ترکیبات عرق (عرق‌سور شدن) خودنمایی خواهد کرد.**

دو اشتباه بزرگ و ضد بهداشت

- برخی گمان می‌کنند لباس خنک لباسی است که نازک باشد و لباس‌های ضخیم یا غیرنازک لباس‌های گرم هستند، در حالی که تعریف علمی لباس خنک عبارت است از لباسی که بتواند مانع افزایش دمای ناشی از تابش خورشید شود. تنها لباس‌هایی می‌توانند این وظیفه را انجام دهند که بتوانند رطوبت حاصل از عرق را جذب کنند و به آرامی آن را از دست بدهند؛ تبخیر آرام عرق. چنین لباسی زمینه را برای خنک کردن بدن فراهم می‌کند؛ علم فربگ عهده‌دار توضیح این مطلب است.

- برخی گمان می‌کنند تابستان فصل پوشیدن لباس‌های گشاد، بقمه‌زار، آسنین کوتاه و... است، در حالی که این گونه لباس‌ها فقط در صورتی می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند که اولاً: تابش مستقیم آفتاب وجود نداشته باشد و ثانیاً: دمای محیط بالا نباشد. پوشیدن چنین لباس‌هایی باعث افزایش ریسک ابتلا به سرطان پوست و سوختگی‌های درجه‌های ۲ و ۳ می‌شود.

مهم‌ترین مسئله لباس در فصل زمستان، تأمین دمای بدن و حفظ آن و جلوگیری از نفوذ سرما به آن است. برای رسیدن به این هدف، کافی است از لباس‌های با ضخامت و جنس مناسب استفاده شود. البته رنگ لباس نیز باید مورد توجه قرار گیرد؛ هر چند اگر جنس و ضخامت آن مناسب باشد، استفاده از رنگ‌های تیره الزامی نخواهد بود.

● رنگ مناسب

رنگ‌های روشن بهتر از رنگ‌های تیره هستند. اما رنگ‌های سرد توصیه نمی‌شوند.

چند نکته پایانی

با توجه به این که غالباً فعالیت‌های بدنی دانش‌آموزان شدید است، لازم است مادران و پدران و دانش‌آموزان این نکات را رعایت کنند:



کارگاه آموزش محسن



حاجه حاتم

جلال ال احمدی در «مدیر مدرسه» می گوید: «یعنی دیدم که این مردان آمده در این کلاس ها و اصحاب ها قدر خواهند بستند و معرها و اعضایشان را آن قدر به وحشت خواهند نواخت که وقتی تیسره شوند تا لسانه، اصلاً آدم نوع جنسی خواهند شد! آدمی آیتیه از وحشتناک ابیلی از ترس و دلهره، باید صبر بود یعنی کنار خود استاد و به این صفتی هر زوره و هر ماهه معلم و شاگرد چشم دوخت تا دریافت که یک ورقه دینلم با اساس یعنی جفا یعنی تندیق نه این که صاحب این ورقه، نورده سال یا پانزده سال تمام و سالی چهار بار یا ده بار در فشار ترس قرار گرفته و قدرت محرکش ترس است و ترس است و ترس!»

و این مسئله ای است که قطعاً بسیاری از ما در دوران تحصیل تجربه اش کرده ایم. لحظاتی که به قول مدیر مدرسه، «خودمان را هم فراموش می کردیم، تا چه رسد به متخلفانمان!» اما در مجتمع آموزشی بوجد در استان قم، همه شب به شب هم دانشه با دانش آموزانشان دیگر این لحظات تلخ راور را تجربه نکنند و نه قول حجت الاسلام **رضا فرهادیان** مدیر مجتمع، «روح و جسم دانش آموزان در معرض تهدید و تزلزل باشد» البته این نه معنی حذف اصحاب نیست، بلکه بصرای هر کار نیست و جای آن را نظر و توصیف دقیق معلم گرفته است. آن هم با حفظ خودش، چرا که به نظر این دستاورد کاران، نمره به سرا نگیرد دانش آموزان تبدیل شده است که به یادگیری سطحی و طوفانی وار و از بین رفتن خلاقیت در آن ها می انجامد. روشی که آن ها ترس گرفته اند همان «ارزش یابی توصیفی» است که مدتهاست از تربیون های گوناگون نام آن شنیده می شود و چند سالی است که بوجدی ها نسیم گرفته اند به جای حرف زدن، عمل کنند که به «عمل کار» برآید به سخن دانی بسند!

گزارش بیش روی شهاد حاصل گفتگوی دو ساعته محله رشد آموزش راهمایی تحصیلی با مسئولان و معلمان این مجتمع آموزشی است.

نقش ارزشیابی در ایجاد انگیزه، خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموز



مجموعه آموزشی بوجد در سال ۱۳۶۹ فعالیت خود را از شهر قم آغاز کرده است. آن چه این مجتمع را از سایر مدارس مشابه متمایز می کند، روشی است که برای ارزش یابی در پیش گرفته اند. معلمان این جا با صرف انرژی و وقت بیشتر، به جای ارائه نمره، توصیفی دقیق از وضعیت درسی دانش آموز ارائه می دهند. حجت الاسلام رضا فرهادیان، مدیر مجتمع آموزشی بوجد درباره بی گیری این روش می گوید: «مجموعه بوجد تا این اندازه به وجود آمد که احساس می کردیم مدارس در برانگیختن و هدایت استعدادها و به نحوه برخورد و تربیت استعداد دانش آموزان، دستخوش نیستند. بنابراین، مطالبی را در زمینه نحوه تعامل با دانش آموزان و آموزش بر اساس تعویب و تربیت اسلامی، انجام دادیم. در این جنس و براساس بازخوردی که از معلمان و دانش آموزان داشتیم، به این نتیجه رسیدیم که اصحاب و ارزش یابی به صورت نسبی، منبع سبب بزرگی در مقابل رشد استعداد دانش آموزان و محل یادگیری آن هاست. در

واقع نمره باعث می‌شود همواره بچه‌ها تحت فشار باشند چرا که خانواده‌ها همواره آن‌ها را با دیگران مقایسه می‌کنند و توقع نمرات بالا دارند. عاقل از این که هر کس توانی دارد و این مقایسه‌ها انگیزه را از دانش‌آموز سلب می‌کند. ممکن است کسی که از بیرون نگاه کند بگوید که ارزش‌یابی یکی از اجزای آموزش و پرورش است، ولی از نظر من جزئی بوده که به کل تبدیل شده و همه اهداف تعلیم و تربیت را تحت‌تأثیر خود قرار داده است. حتی گزارش‌هایی که وزارت‌خانه منتشر کرده نیز حاکی از آن است که افراد ترک تحصیلی یا حتی آن‌هایی که تحصیل می‌کنند انگیزه‌های برای علم‌آموزی نداشته و ندارند. در واقع وقتی در کلاسی چند نفر نمره‌های خوبی می‌گیرند بقیه احساس ضعف و ناتوانی می‌کنند.»

او در ادامه گفت: «در حال حاضر هم ۱۰ نمره به امتحانات مستمر اختصاص یافته و روح و جسم دانش‌آموز به خاطر نمره مرتب در معرض تهدید و لرزش است. تصور عمومی بر این است که این امتحانات گرفته می‌شود تا بچه‌ها درس بخوانند. در حالی که باید انگیزه خواندن و یادگیری درست باشد و باعث یادگیری عمیق شود. بنابراین، اگر کمی نقش نمره کمرنگ شود و به جای آن تعاملات و بازخوردهای مثبت معلم و دانش‌آموز قرار گیرد، انگیزه بچه‌ها هم بیشتر خواهد شد. با این تفاسیر، اگر قرار است تحولی در نظام آموزش و پرورش صورت گیرد باید از نظام ارزش‌یابی شروع شود. چرا که همه نظام آموزش و پرورش تحت‌الشعاع ارزش‌یابی قرار گرفته است و با وجود این همه تغییر در کتاب‌های درسی، هنوز تحولی که باید اتفاق بیفتاده است.»

نمره کافی نیست

همه این‌ها باعث شده است مسئولان مجتمع توحید، روشی دیگر را پی بگیرند؛ چرا که نمره نمی‌تواند گویای همه ابعاد وجودی و استعدادها دانش‌آموزان باشد. حجت‌الاسلام فرهادیان درباره به کارگیری روش ارزش‌یابی توصیفی این گونه حکایت می‌کند: «برای به کارگیری این روش در مدرسه، مقالات زیادی درباره نحوه ارزش‌یابی در کشورهای گوناگون انجام دادیم و شیوه‌های گوناگونی را با معلمان در میان گذاشتیم تا این که به ارزش‌یابی توصیفی رسیدیم. در این روش می‌توانیم افسردگی را با توجه به توانایی‌های خودشان بسنجیم، نه در مقایسه با دیگران.»

مدیر مجموعه توحید درباره آن چه در روش ارزش‌یابی لحاظ می‌شود، گفت: «این شیوه ارزش‌یابی سه شاخص اصلی دارد. یکی امیدواری است؛ به هر صورت، در ازای تلاش هر فرد، باید به او امید داد دیگری بیان نقاط قوت و ضعف است. برخلاف نظام سنتی که بر بیان ضعف‌ها تکیه دارد، ما بر نقاط قوت بچه‌ها نیز تأکید داریم. سومین شاخص بیان راه‌حل است که معلم به صورت شفاهی و کتبی به دانش‌آموز ارائه می‌دهد و باعث هدایت او می‌شود. در واقع بازخوردهای مثبتی که معلم به دانش‌آموزان می‌دهد موجب ایجاد انگیزه می‌شود؛ به این ترتیب، بچه‌ها احساس می‌کنند در قلب و دیده معلم جایی دارند.»

ارزش‌یابی توصیفی = خودارزیابی دانش‌آموز

سکینه حسین‌نژاد، مدیر مدرسه دخترانه راهنمایی مجتمع توحید است. او درباره نظامی که در این مجتمع پیاده می‌شود، گفت: «ما در برگه‌های امتحانی‌مان چیزی به اسم نمره نداریم. البته

سوالات نارمبندی دارند و حتی بچه‌ها با توجه به میزان نمره‌ای که از هر سؤال گرفته‌اند، می‌توانند متوجه نمره خود بشوند، اما با روشی که ما در پیش گرفته‌ایم، دیگر بچه‌ها به نمره توجهی ندارند.

در نظام نمره‌ای، دانش‌آموزان فقط نمره را می‌بینند و بعد دیگر نگاهی به برگه خود نمی‌کنند تا بدانند نقطه ضعفشان چه بوده است. اما در ارزش‌یابی توصیفی، چون نمره‌ای در کار نیست، بچه‌ها تک‌تک سوالات را یک بار دیگر مرور می‌کنند تا بدانند نقطه قوت و ضعفشان چه بوده است. در نتیجه به نوعی خودارزیابی می‌رسند. ضمن این که با نکات مثبتی که معلم مطرح می‌کند دانش‌آموزان احساس صمیمیت و امنیت بیشتری در کنارش دارند. بنابراین، وقتی که معلم نقاط ضعف را بیان می‌کند نیز با حس انتقادپذیری بیشتری آن را می‌پذیرند و تلاش خود را بیشتر می‌کنند. چنانچه ما نمونه‌هایی داشتیم که دانش‌آموز با معدل شانزده هفته وارد نظام ششده بود، اما با روحیه و انگیزه‌ای که معلمان به او دادند توانست



حجت‌الاسلام فرهادیان

با معدل ۱۹، نوره راهنمایی را به اتمام برساند. در واقع در نظام نمره‌دهی، نهایت تلاش دانش‌آموزان در گرفتن نمره ۲۰ است، اما در نظام ارزش‌یابی توصیفی، نهایتی مورد نظر نیست و همیشه مرحله بالاتری وجود دارد تا دانش‌آموز به تلاش بیشتر تشویق شود.»

در واقع می‌توان گفت، در مجتمع توحید آن‌چه که کمرنگ شده، نمره است و با این که مسئولان مدرسه، بنا بر ضرورت‌هایی باید نمره و کارنامه‌هایی با نمره مشخص هر درس را ارائه کنند، اما در نگاه دانش‌آموزان، آن‌چه اهمیت بیشتری دارد، کارنامه توصیفی است. کارنامه‌ای که در آن هر معلم، نکات قوت و ضعف هر دانش‌آموز را بیان می‌کند و ضمن آن، امیدواری‌هایی برای تلاش بیشتر و راهکارهایی برای برطرف کردن نقاط ضعف ارائه می‌دهد. البته دست‌اندرکاران مجموعه توحید تا به این جا برسد، مراحل گوناگونی را سپری کرده‌اند. حسین‌نژاد در این باره گفت: «در ابتدای به کارگیری ارزش‌یابی توصیفی، به جای نمره از ملاک‌هایی چون

در نظام نمره‌ای، دانش‌آموزان فقط نمره را می‌بینند و بعد دیگر نگاهی به برگه خود نمی‌کنند تا بدانند نقطه ضعفشان چه بوده است. اما در ارزش‌یابی توصیفی، چون نمره‌ای در کار نیست، بچه‌ها تک‌تک سوالات را یک بار دیگر مرور می‌کنند تا بدانند نقطه قوت و ضعفشان چه بوده است.

«عالی»، «خوب» و «بسیار به تلاش» و یا «بالا تر از حد انتظار» در حد انتظار» و «بسیار تر از حد انتظار» استفاده می‌کردیم. اما در عمل متوجه شدیم بچه‌ها به جای آن که نظر معلم را با دقت بخوانند، در پی این هستند که در چه تعداد از درس هر برگه «بالا تر از حد انتظار» یا «عالی» را کسب کرده‌اند. بنابراین، فقط همان مقایسه‌هایی که در نظام نمره‌دهی وجود دارد، انجام می‌شد. بنابراین تصمیم گرفتیم روشمان را تغییر دهیم و معلمان توصیفات خود را با رعایت سه شاخصه «امیدبخشی»، «باز بازگویی» و «تعمیر» و «ارتقاء» تنظیم کردیم تا بچه‌ها انگیزه بیشتری پیدا کنند. البته ما در مدرسه‌مان هم کارنامه توصیفی داریم و هم نمره‌ای تا اگر دانش‌آموزان خواستند به مدرسه دیگر بروند به مشکل برخوردند. این مدیر در ادامه به نکته جالبی اشاره کرد: «بالا که برای امتحانات نمره اول است، معلمان پیش از آن که امتحانات نمره اول کارنامه توصیفی خود از دانش‌آموزان را کامل می‌کنند، نمره‌ها هیچ

ارزش‌یابی نمره‌ای نتوانسته است. برای مثال، در نظام نمره‌ای اگر دانش‌آموزی در کارنامه‌اش از درس ریاضی نمره ۱۸ گرفته باشد، معلوم نمی‌شود از کدام قسمت نمره نگرفته، اما در ارزش‌یابی توصیفی کاملاً مشخص است که دانش‌آموز در کدام قسمت مشکل دارد. کجا باید انرژی بیشتری صرف کند و کجا قوتش هست. در واقع، ارزش‌یابی توصیفی دانش‌آموزان را به هم‌استخت می‌رساند.»



زهره غفاری

در این کلاس‌ها چه خبر است؟

معلمان، سربازان خط مقدم آموزش هستند. سایرین به‌سر این کسب دیگری نمی‌توانند بگویند که کلاس‌هایی با روش ارزش‌یابی توصیفی، چه تفاوتی با دیگر کلاس‌ها دارند و در آن‌ها دقیقاً چه اتفاقی می‌افتد. **سعیده سعیدی**، معلم ریاضی دوره راهنمایی است که علاوه بر مجموعه بوجد نوردیس، یکی با ارزش‌یابی بر اساس نمره نیز تدریس می‌کند. گرچه او در ابتدا نمره را مخالفی برای مطالعه دانش‌آموزان و حذف آن را ذهنی برای بی‌تکلیفی آن‌ها می‌دانسته، اما به تدریج نظرش تغییر یافته است. «در ابتدای به‌کارگیری ارزش‌یابی توصیفی، فکر می‌کردم اگر نمره کنار برود شاید دیگر دانش‌آموزان انگیزه‌ای برای مطالعه نداشته باشند. نهایت تلاش خود را به‌کار نمی‌کنند. ولی حالا که منته‌الهابت به‌ر دوروس ارزش‌یابی تدریس می‌کنم، به این نتیجه رسیدم که اگر ارزش‌یابی توصیفی با همه زمینه‌ها و جوئش به‌کار گرفته شود، نظام سارا خوبی است. منظور از زمینه‌ها این است که فرصت کافی باشد. «معلمها آموزش دیده‌اند و با آگاهی از روش‌های فعال تدریس در کلاس حاضر شوند. دانش‌آموزان برجیجا در یک سطح باشند و هم‌پایه‌ها. همه این‌ها که دانش‌آموزان را ابتدای تحصیل با آنها، همس روش آموزش است.»



زهره غفاری

تأثیری در گزارش توصیفی نخواهد داشت. هر چند هماهنگی بسیار نزدیکی تا نتیجه امتحان مشاهده می‌شود، چرا که معلم‌ها می‌دانند که با دانش‌آموزان کار کرده‌اند به‌عبارت‌نویسی‌ها و نمره ضعف آن‌ها آگاه نشده‌اند. در کارنامه توصیفی نیز تلاش‌های آن‌ها حتی سال تحصیلی منظر قرار می‌گیرد، نه فقط امتحان پایانی.»

فاطمه توکلی، مربی پرورشی این مجموعه در ادامه گفت: «همین فکری که معاونت ارزش‌یابی بسی (ا) توصیفی در همین سید در ارزش‌یابی سنتی ورقه حرف اول و آخر را می‌زند. حتی در نمونه جدید که ۱۰ نمره به امتحانات مستمر اختصاص داده شده است، چرا که ممکن است دانش‌آموز در امتحان نمره نگذاشته باشد، خصوصاً این موضوع برای دختران بیشتر پیش می‌باشد و نتواند امتحان را به خوبی پشت سر بگذارد. بر فرض این‌که دانش‌آموز نمره مستمر را به طور کامل گرفته باشد، اما نمره ۱۰ ایجاب دانش‌آموزی است که سه نمره حجت کشیده است.»

اما در ارزش‌یابی توصیفی این گونه نیست و همه تلاش‌های بچه‌ها از ابتدای سال تحصیلی در نظر گرفته می‌شود. همین این‌که ارزش‌یابی توصیفی نتوانسته است به نوعی پاسخ دهد که نظام



مجله تخصصی
آموزش و پرورش
شماره ۱۰۰
۱۳۹۳

با انرژی هستند و انرژی بیشتری هم از معلم می‌گیرند، چرا که همه بچه‌ها بنا به استعدادهاشان در مورد مطلب اظهار نظر می‌کنند و معلم هم علاوه بر این که پیش زمینه‌ای را در ذهن دانش‌آموز ایجاد می‌کند باید بر اوضاع کلاس نیز نظارت داشته باشد مثلاً من در تدریس درس ریاضی، برای بچه‌ها پیش مطالعه تعیین کرده‌ام و همین باعث شد ذهن آن‌ها تحریک شود و با علاقه بیشتری در مباحثات کلاس شرکت داشته باشند.

معلم در این کلاس‌ها علاوه بر این که وقت و انرژی بیشتری صرف می‌کند باید دانش‌آموزان را از لحاظ رفتاری نیز شناسد به این منظور، من ارتباطم را با والدین بچه‌ها بیشتر کرده‌ام تا بتوانم هم تشخیص بدهم را شناسم و هم اگر مشکل خاصی دارند، از آن آگاه شوم. مثلاً برخی دانش‌آموزان از ریاضی می‌ترسند یا



خانم حسین‌نژاد

معنی‌ها یا به ضعفی دارند این مسائل در ارتباط با خانواده بچه‌ها بهتر حل می‌شوند.»

در مدرسه دخترانه مجموعه توحید در دوره زانه‌های ۶۳ نفر تحصیل می‌کنند بنابراین قاعدتاً کلاس‌ها کم جمعیت هستند و معلمان می‌توانند وقت و انرژی بیشتری را صرف کلاس و دانش‌آموزان کنند. اما آیا در کلاس‌هایی با جمعیت بیشتر نیز ارزش‌یابی توصیفی (که لازمه‌اش یوایی کلاس درس است) پاسخگو خواهد بود؟ سعیده سعیدی، در جواب این پرسش گفته: «اگر دانش‌آموزان با همین نظام درس خوانده و به آن عادت کرده باشند مشکلی پیش نمی‌آید. به هر حال، در این روش بچه‌ها یویا هستند، ضمن این که می‌دانند اگر در کلاس آزادی بیشتری هست و از قوانین خشک و رسمی خبری نیست، باید از این آزادی در خدمت درس استفاده کرد اما بچه‌هایی که با این نظام آشنایی ندارند، از این آزادی سوء استفاده می‌کنند و برای برگرداندن فضای کلاس به حالت اولیه، وقت و انرژی زیادی باید صرف شود.»

از مخالفت تا موافقت

معمولاً در برابر هر تغییری مقاومت‌هایی صورت می‌گیرد؛ چنان‌چه پدیرش گزارش توصیفی به جای نمره، برای والدین و خانواده‌ها مشکل بود. رضا فرهادیان در این باره نیز گفت: «زمانی که ما از ارزش‌یابی توصیفی به‌عنوان الگوی ارزش‌یابی استفاده کردیم، همه از جمله اولیا و حتی خود دانش‌آموزان، به نمره عادت داشتند بنابراین طبیعی بود که در سال‌های نخست به مشکلات زیادی روبه‌رو شویم. تا این که با جلسات متعدد اولیا را توجیه کردیم که وقتی فرزندانشان تحت فشار روانی و مقایسه با دیگران قرار می‌گیرند، کمتر یاد می‌گیرند.

اداره آموزش و پرورش هم مرتباً نامه می‌فرستاد و مسئولان و بازرسان از مدرسه بازدید می‌کردند.

البته معلمان و مسئولان مجتمع هم مخالفت‌هایی کردند اما بعد با دیدن نتایج مثبت این روش، متقاعد و علاقه‌مند شدند. حتی در این باره مقاله نوشتند به هر حال، آن‌ها هم پی بردند که نمره معیار تمام‌قدی برای ارزش‌یابی نیست و فقط برخی دانسته‌های

دانش‌آموزان را ارزیابی می‌کند در حالی که در ارزش‌یابی توصیفی، معلم نسبت به شاگردانش شناخت جامعی پیدا می‌کند و در نتیجه درباره عملکرد آن‌ها قضاوت بهتری خواهد داشت.»

رفاقت به جاری رقابت

شاید روش ارزش‌یابی توصیفی باید راه‌زادی را احلی کند تا به تکامل برسد و گسترش یابد اما تا همین حد هم باعث شده تا دانش‌آموزان مجتمع آموزشی توحید آرامشی را در مدرسه تجربه کنند که شاید دیگر همسالانشان تجربه نکرده باشند. به قول حسین‌نژاد در این مدرسه رقابت جای خود را به رفاقت داده است. «آرامشی که بچه‌ها دارند، باعث شده ارتباطشان با یکدیگر بهتر شود. دیگر از رقابت و گاه حسادت که در نظام نمره‌ای وجود دارد، خبری نیست و جای آن را کمک به هم کلاسی‌ها گرفته است. واقعاً رفاقت جای رقابت را گرفته است.»

ارزش‌یابی با نقطه شروع تحول

حجت‌الاسلام رضا فرهادیان، جلسه دو ساعته با دست‌اندرکاران مجتمع آموزشی را این گونه به پایان می‌رساند: «واقعیت این است

که نحوه ارزش‌یابی مرسوم در نظام آموزش و پرورش، همه ابعاد و اهداف تعلیم‌وتربیت را تحت شعاع خود قرار داده است.

ما با نظام بوسیده امتحاناتی که به وسیله نمره ارزیابی می‌کند، شخصیت و استعداد دانش‌آموزان را هز می‌چیم. چنان‌چه کودکی ظرف دو سال زبان را می‌آموزد اما دانش آموز ما طی ۱۲ سال نمی‌تواند زبان انگلیسی را بیاموزد. بنابراین اگر قرار است تحولی در آموزش و پرورش ایجاد شود، باید از ارزش‌یابی شروع شود و پس از آن شیوه‌های تدریس، نگاه معلم و کتاب‌های درسی تغییر کنند تا تحولی که مدنظر است، انجام گیرد.»

لیست اول

کتابخانه توصیفی

کتاب: ...

نویسنده: ...

محل: ...

تاریخ: ...

این کتاب به منظور ...

... (The rest of the text in the library form is partially illegible but follows a standard library entry format.)

وقتی زودگذر است!

با به چرا میرند و سبز کلاس نباشند، کلاس را به محل چرا می‌برند تا دانش امروز از درین عقب نیفتد.

آن روزها تمام شد. وقتی به شهر آمدم، با کمک بچه‌ها در مکتب‌خانه‌اش می‌بختیم. اش‌اش چراغ بر آمریکا! همدستان کمک به حیثه بود سال ۶۱ در آخر یک روز، ۳۰ هزار تومان جمع شد با افتخار پول را بردم و تحویل استاد جمع‌آوری کمک‌های مردمی به حیثه‌های جنگ دادم. گفته کمک دانش‌موران مدرسه شهید رجایی است.

بچه‌ها را به دیدار خانواده شهید می‌بردم و بعد از نحت‌ناشر قرار گرفتیم، بر ایشان درس فداکاری می‌گفتم.

فکر کنی کمک دیگر کافی است. بیخشید که سرتان را درد آورد. این‌ها را توتسم تا بدانند که اگر امروز من مأمور شده‌ام در دزدان عده‌ای از بچه‌ها را به گوش شما برسانم، صرفاً شست‌میرتسین نوده‌ام. من از سختی‌های کار شما آگاهم و خودم را هم از شما می‌دانم و سه این افتخار می‌کنم، گرچه می‌دانم تمام این حرف‌ها را خودتان می‌دانید، بازمیان باشد که بچه‌ها بخصوص در دوران اهنمایی، دوست دارند کسی با آن‌ها صحبت کند. شکر خدا امروز که به برکت چون شهید زفاه نسبی بسیاری در جامعه حکم فرما شده، بهداشت فراگیر شده و مشکلات جسمی کمتر در بچه‌ها دیده می‌شود، بد نیست ما معلمان کمی بیشتر به روح و روان بچه‌ها رسیدیم و در حد توان خودمان به آن‌ها کمک کنیم.

جندی قبل در محلات پسد مساعده‌ی برگزار شد بحث عنوان «اگر من جای او بودم» تعدادی از دانش‌موران نوجوان، خود را جای معلم خود گذاشته بودند و نامه فرستاده بودند حرف‌های حالی زده بودند که تسمین آن‌ها حالی از لطف نیست، چون شاید اصلاً معلم تصور نکند تک عبارت چند کلمه‌ای او، ممکن است روی بچه‌ها چه تأثیری بگذارد همه

چقدر رود گذشت! هنوز با این که نزدیک به دو دهه از آن روزها گذشته است، آن قدر خاطره‌ناخ و شیرین دارم که تعریف کنم و اشک بریزم و لحنم برنم! باده نمی‌رود در سرمای زمستان همدان، با یاهایی تا زانو در برف فرو رفته و یخ‌زده، سبز کلاس درس روسا حاضر می‌شدیم. در آن مدرسه کوچک روستایی، آن قدر غم‌های بزرگ بود که سبز شدن یاهایم را فراموش می‌کردم. شوع کجلی در روستا، ابتدا به ساری‌های انگلی، جلوگیری خانواده‌ها از درس خواندن بچه‌ها، نبود بخاری و هزار مسئله دیگر، وضقه من در آن خا درس دادن بود و لایع.

معلم عاشق است و معلمی عشق، من هم مثل شما خودم را زیر بار مسئولیت می‌دیدم. مسئولیتی بیش از یک تدریس خشک و خالی، خداوند رحم در کتاب کریم می‌فرماند: «لا یکتف انه نفساً الا وسیعها»: هیچ‌کس بیش از ظرفیتش بکنفی ندارد. پس من هم به بسوانه کلاس لپی، دستم را به رانو گرفتم و برای رفع مشکلات فریدالم. از تمام ظرفیت استفاده کردم. تا این که خودم در خانواده‌ی تماماً معمول در شهر رشد کرده بودم و تا به حال باجم به حماه عمومی برسد بود، دانش‌موران دختر درحینه با که یکی یکی پوست سرتان نمایان می‌شد، به حماه می‌بردم و ساهون کجلی به سرتان مالیدم. از شهر داروهای ضدانگی را می‌گرفتم و به خورد بچه‌ها می‌دادم. نمکت آخر کلاس به برده زده بودم و کرده بودم نخت برریفات، روستای محل جنف من خانه بهداشت داشتند! روزهای نزدیک امتحانات، وقتی می‌دیدم بعضی پدر و مادرها بچه‌هاشان را محور کرده‌اند گوسقدها

از سخت‌گیری گله داشتند، اما جز چند نفر، بقیه نتوانسته بودند منظورشان را برسانند.

چیزی که برای من معلم در میان این نامه‌ها مشهود بود، نکته‌ای ظریف داشت. بجهه‌ها بیش از آن که به تدریس معلم و سخت‌گیری و نوع برخورد کار داشته باشند، به کسی نیاز دارند که با آن‌ها صحبت کند؛ بخصوص وقتی در سن راهنمایی باشند. چه دختر و چه پسر، در نامه‌هایشان گفته بودند که اگر معلم شویم، برای بچه‌ها صحبت می‌کنیم که مثلاً به چه کسانی باید افکار کند و چه کسانی به آن‌ها احساس حسادت می‌کند، متأسفانه در این سال‌ها به دلیل مشغله فکری خانواده‌ها برای تأمین هزینه‌های زندگی و... پدر و مادر وقتی ندارند که با بچه‌ها صحبت کنند، هر چند که این مسئله اولویت دارد و توجه‌پذیر نیست، اما به هر حال زندگی این‌طور شده است. شاید خیلی از خانواده‌ها روزانه آن قدر که معلم فرزندان را می‌بینند، نتوانند او را ببینند و با او هم‌صحبت شوند. یا این حساب، باز هم وظیفه‌ای به وظایف بی‌شمار معلمان افزوده می‌شود. بچه‌ها دوست دارند تحسین شوند و مورد توجه قرار بگیرند. دختری گلستانی در نامه خود گفته بود، اگر من جای معلمم بودم، هیچ وقت به بچه‌ها نمی‌گفتم پدر و مادرتان شما را خوب تربیت نکرده‌اند. چون باعث می‌شود دانش‌آموز نسبت به معلم حس تنفر پیدا کند. می‌بینید یک عبارت چند کلمه‌ای، ممکن است چه قدر برای دانش‌آموز در این گران تمام شود!

ما معلمان باید یادمان باشد که کشف استعداد، یکی از وظایف ماست. چیزی که در بعضی موارد شاید به راحتی بتوان به وجود آن پی برد. فرض کنید اگر معلم ریاضی ببیند که دانش‌آموز سر کلاس نقاشی می‌کشد، باید چه کار کند؛ آن هم دانش‌آموزی که از نظر درسی هم ضعیف است. بعد از سی سال تجربه، به این نتیجه رسیده‌ام که بهترین کار تته‌پایی صحبت کردن با محصل است. اگر او استعداد نقاشی دارد، باید آن را پرورش داد. باید او را قانع کرد در کشیدن را بخواند تا بتواند به علاقه خودش که همان نقاشی است، برسد. بعد هم جلوی بچه‌های دیگر از نقاشی‌های او تعریف کرد. احوال این مورد، چیزی است که بارها مشاهده کرده و اثرات مثبتش را هم دیده‌ام. هم درس و هم در استعداد کشف شده.

دختری به نام **ارغوان** از تهران گفته بود، اگر من معلم بودم، آدمک‌های شاد کنار دفتر مشق را با خودکار قرمز غمگین نمی‌کردم. خوب مسلم است که این دختر در کنار دفتر مشقش نقاشی می‌کشیده و یک معلم هم با خودکار قرمز روی آن را خط زده و احتمالاً تشبیهی هم برای او در نظر گرفته است. درست است که کنار دفتر مشق جای نقاشی کردن نیست، اما به نظر تان اثر کار معلم چیست. معلم دنبال

این بوده است که او را از این کار منحرف کند، در حالی که این دختر در نامه‌ای که می‌نویسد، اعلام می‌کند که اگر جای معلم باشیم، این کار را نمی‌کنیم. یعنی موضوعی ظاهراً کوچک، برای او به یک حس ناخوشایند قوی تبدیل شده است و دقیقاً در جهت مخالف خواسته معلم رفته است.

معلم باید خود را جای دانش‌آموز بگذارد. معلم باید بچگی خود را به یاد بیاورد. معلم باید بداند وقتی بعد از یک سال برف باریده است و یا می‌بارد، یا کشیدن پرده کلاس نمی‌تواند حواس بچه‌ها را به درس معطوف کند. او می‌تواند با نقل یکی دو خاطره از برف‌سازی خودش و اختصاص ده دقیقه آخر وقت کلاس برای رفتن به حیاط، کلاس را تحت کنترل خودش بیاورد.

به هر حال، وظیفه خودم دانستم که بعضی از این نظرات را به شما همکارانم منتقل کنم. شاید بهترین کار این باشد که خود شما عزیزان بخواهید بچه‌ها نظراتشان را برایتان بنویسند؛ آن چه را که شاید خودتان متوجه نباشید. مثلاً آرام حرف زدن معلم سر کلاس، درس دادن زیاد در یک نوبت و... به راحتی قابل حل هستند. یادتان باشد معلم راهنمایی یا معلم ابتدایی و متوسطه تفاوت دارد. معلم ابتدایی را دانش‌آموز به مثابه مادر می‌بیند و دانش‌آموز متوسطه یا معلم رابطه نزدیکی ندارد، اما معلم راهنمایی را دانش‌آموز دوست خود می‌داند؛ البته اگر مرام دوستی را به جا آورد.



تلاش برای سزایی



ویژه نامه آموزش در س تربیت بدنی

گزارش: طیبه ارشاد
تبرشور

را در نظام تعلیم و تربیت مهم ارزیابی کرد. ایشان با اشاره به وطفة اصلی شورای تربیت بدنی و رساله بر توجه به بخش اجرا یعنی معلمان در مدارس یادگذاشتند.

در ادامه جلسه، خانم دکتر سید، ضمن تشکر و قدردانی از حضور آقایان مهندس هاشمی، دکتر محمدیان و آقای جمالی فر در اولین جلسه شورای انجمن را با فرسوس معمم سعید و آن را برای عی ساری ترس تربیت بدنی لازم دانست. همچنین از رحمت آقای سراج زاده کارشناس مسئول سابق گروه، به خاطر تلاش محنتناش در تولید اولین برنامه درسی تربیت بدنی تقدیر کرد. از آقای جمالی فر و به خصوص آقای مقدادی، به عنوان مسئول بخش تخصصی مهارتی و پرورشی دفتر در اجرای مجدد گروه درسی تربیت بدنی و تشکیل شورای برنامه ریزی درسی تربیت بدنی بد تشکر ویژه کرد.

س آقای مهندس هاشمی، با اشاره به آن که برنامه درسی تربیت بدنی همیشه دغدغه آموزش و پرورش بوده و با اشاره به تاریخ برنامه درسی تربیت بدنی، هدف معلم تربیت بدنی از مدرسه ابتدایی در بعد از انقلاب را حرکتی استیمه دانست. به

جلسه شورای برنامه ریزی درسی تربیت بدنی، پس از مدت ها معصی، مجدداً در این ۱۳۸۹ تشکیل شد این اولین جلسه ای بود که پس از استقلال گروه تربیت بدنی برگزار شد. حضور آقای مهندس هاشمی، قائم مقام محترم وزارت آموزش و پرورش در امور تربیت بدنی و سلامت، دکتر محمدیان ریاست محترم سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی و آقای جمالی فر قائم مقام محترم دفتر برنامه ریزی و تلفیق کتب درسی در جلسه، عالی از اهمیت برنامه درسی تربیت بدنی مدارس داشت. در شروع جلسه خانم دکتر سید، پرسش شور و کارشناسی مسئول گروه درسی تربیت بدنی، اعتمادی شور را که همگی در محصلین، کارشناسان و متخصصان محرب و باسلفه در امر تربیت بدنی آموزش و پرورش هستند معرفی کرد. حضور این افراد در شور، از حرکتی قوی و بالایی مضاعف در امر عی ساری برنامه ریزی درسی تربیت بدنی حکایت می کند.

س آقای جمالی فر، ضمن خیر مقدم به حاضران، طی سخنانی کوتاه، نقش و جایگاه شور را بیان و بیان به عنوان یکی اساسی در بخش تربیت بدنی یاد کرد و جایگاه تربیت بدنی

عکس: طیبه رحیمی





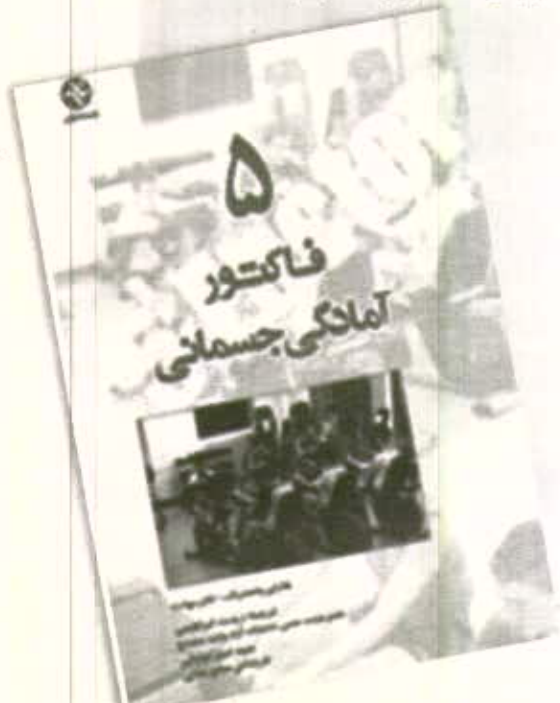
ویژه نامه آموزش درس تربیت بدنی

آمادگی جسمانی

کتاب «پنج فاکتور آمادگی جسمانی» اثر هارلی یاسترنک و اتان بولت با ترجمه زینت ابراهیمی و سیدامیر اولیایی، با موضوع «آمادگی جسمانی، تمرینات ورزشی و رژیم لاغری» منتشر شده است.

این اثر با ارائه برنامه‌های غذایی برای تندرستی، به شکلی متفاوت از آن چه امروزه بسیاری از بانوان به آن می‌پردازند، می‌تواند منبعی برای تمام قشرهای جامعه، به ویژه بانوان باشد. کتاب در سه فصل و ۱۱ بخش تنظیم شده است؛ از جمله: پنج فاکتور متفاوت، حاضر شدن یا کسب آمادگی، بیست و پنج دقیقه جلسه تمرینی، کاهش چربی‌های زیر جلدی و دستورالعمل غذایی پنج فاکتور. در پیشگفتار کتاب حاضر دکتر «روگر کیلتون» استاد دانشگاه تندرستی و حرکت‌شناسی دانشگاه یورک تورنتو کانادا، تأکید کرده است: «برنامه‌های این کتاب ابتکاری قابل اجرا برای همهٔ سنین و مطابق با سبک‌های گوناگون زندگی است و امکان تجربهٔ مستقلی را برای شما فراهم می‌کند»

کتاب «پنج فاکتور آمادگی جسمانی» را انتشارات بامداد کتاب (۵-۱۲۴۳-۶۶۴۸-۰۲۱) در شمارگان ۳۰۰۰ نسخه، ۱۷۶ صفحه و بهای ۴۰۰۰۰ ریال منتشر کرده است.



اعتقاد او بستر اصلی تربیت بدنی و ورزش آینده کشور، در این دوره تحصیلی رقم می‌خورد. به همین علت، در سال جاری با همت و تلاش مسئولان و حمایت مقام عالی وزارت آقای دکتر حاجی بابایی، موضوع استخدام معلمان متخصص تربیت بدنی در دوره ابتدایی که از مهم‌ترین دغدغه‌ها و چالش‌های وزارتخانه بود، مرتفع شد و معلمان از اول مهرماه و با شروع سال تحصیلی به مدرسه و کلاس درس تربیت بدنی راه پیدا کردند که امیدواریم حرکت بسیار خوبی در راستای تحقق اهداف تربیت بدنی در مدرسه باشد.

هم‌چنین، ایشان نقش شورا را با اهمیت خواند و از آن به عنوان تئیس‌کننده نقشه راه درس تربیت بدنی یاد کرد و با اشاره به لزوم تغییر نگرش و فرهنگ جامعه نسبت به درس تربیت بدنی در مدارس، یادآور شد که برنامه جامع درس تربیت بدنی در تمام مقاطع با سرعت پی‌گیری شود، به عقیده او، تغییر نگاه مسئولان نسبت به درس تربیت بدنی نیز می‌تواند وضعیت این درس را در مدارس به نحو بهتری متجلی سازد.

مهندس هاشمی به نقش و اهمیت تربیت بدنی در مدارس به عنوان ضامن سلامتی اشاره کرد و یادآور شد ساعت درس تربیت بدنی نباید در مدرسه از عنای بالایی برخوردار باشد و به تمام نیازهای جامعه در این زمینه نیز توجه کند و با تأکید بر لزوم وجود برنامه‌ای منسجم و کارآمد در ساعت درس تربیت بدنی در تمام مقاطع، نیم‌گاهی هم به ورزش مدارس داشت و گفت که حاصل تلاش دانش‌آموزان را باید در سطح بین‌المللی نیز شاهد باشیم تا در نتیجه، توجه ویژه مسئولان به امر تربیت بدنی و ورزش دانش‌آموزی معطوف شود.

آقای دکتر محمدیان، ضمن تشکر از حضور مهندس هاشمی در جلسه شورا، حضور قائم مقام وزیر در امر تربیت بدنی در این شورا را، نشان از اهمیت برنامه درسی تربیت بدنی در مدارس دانست و با بیان این که شورای برنامه‌ریزی درسی از ارکان مهم سازمان است، مصوبات آن را قانونی شمرد و به عنوان بستر اصلی کار از آن یاد کرد.

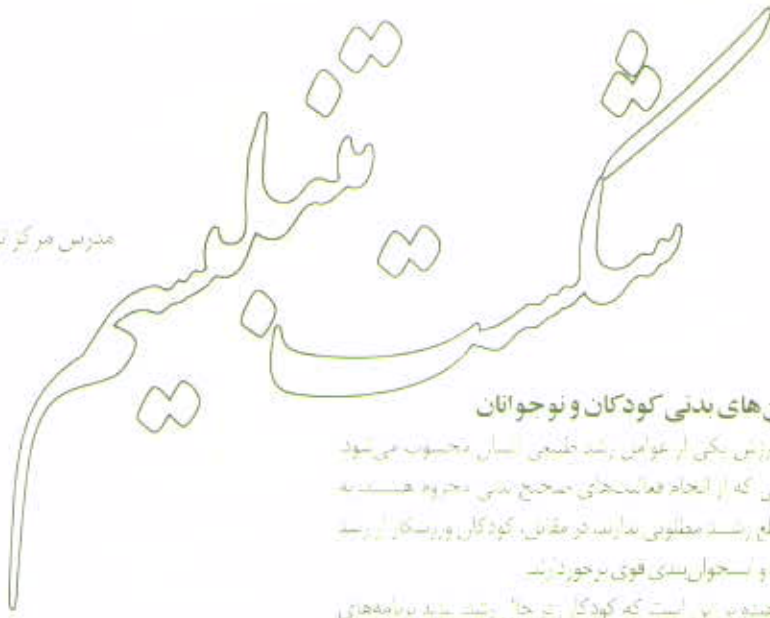
ایشان ضمن تأکید به نیازهای جامعه و مدرسه به درس تربیت بدنی، توجه جدی به این درس را به عنوان یک دغدغه مطرح کرد و یادآور شد، با تعامل بین بخشی اجرا و بخش برنامه‌ریزی، مشکلات این درس در مدارس کمتر خواهد شد. در ادامه نیز با اشاره به برنامه درسی ملی و اسناد بالادستی در وراثت‌خانه، توجه به رشد همه جانبه دانش‌آموزان در مدرسه را یادآور شد و تأکید کرد، با پتانسیلی که در تربیت بدنی وجود دارد، رسیدن به این هدف دور از دسترس نیست و چنانچه امر توسعه آن را مانند یک پیوستار تصور کنیم، تحقق هر مقدار از این پیوستار در نیل به اهداف تربیت بدنی را می‌توان موفقیت برنامه فلمداد کرد.

در ادامه جلسه خانم دکتر سنه، وظایف شورا را شرح داد و در مورد نحوه تشکیل شورا و دستور جلسات آن، بیاناتی را به سمع و نظر حاضران رساند.



عباس اردستانی

مدرس هنرگز تربیت معلم شهید چمران



تمرین های بدنی کودکان و نوجوانان

ورزش یکی از عوامل رشد جسمی انسان محسوب می شود کودکانی که از انجام فعالیت های صحیح بدنی محروم هستند به طول قطع رشد مطلوبی ندارند. کودکان ورزشکار از رشد مناسب و استحواص بدنی قوی برخوردارند.

عقده ها نیز این است که کودکان در حال رشد باید برنامه های جسمی سنگین انجام دهند برای مثال در برنامه تمرین کودکان باید از ورزش های سنگین استفاده شود اما تفاوت دیگر از حرکات آهسته با سرعت خاصه حرکتی عضو کاس شود هم چنین می توان از تمرین های هم چنین استفاده کرد. در این ها مقاومت ایجاد شده با نیرویی مناسب است که کودک در اعمال می کند درباره تأثیرات تمرین های طولانی و شدید در کودکان، اطلاعات دقیقی در دست نیست کودکانی که کارایی قلبی و عروقی پایین دارند مانند بزرگسالان، نسبت به چنین برنامه هایی به شدت واکنش نشان می دهند.

مسائل روحی و روانی در ورزش کودکان و نوجوانان

تمرین ها و رقابت های سنگین و شدید باعث نازدگی کودکان و نوجوانان از ورزش می شود. مریبان و والدین باید بدانند لذت شرکت در مسابقه مهم است به برنده شدن به هر قیمت برخی از والدین برای کسب نتایج خوب ورزشی، از نظر روانی به فرزندان خود به شدت فشار می آورند این فشارها باعث می شود کودکان و نوجوانان احساس کنند در زمانی به نام ورزش گرفتار شده اند و شهادت هایی از آن بدون آن که والدین ناراحت شوند این است که استرس و این جاست که ممکن است ورزشکار علائم آسیب دیدگی را به صورت کاذب یا شدیدتر از آن چه که هست نشان دهد.

این سؤال همیشه مطرح بوده است که آیا انجام تمرین و مسابقات سنگین برای کودکان و نوجوانان مشکل ساز است یا خیر؟

طراحی و اجرای فعالیت های ورزشی کودکان باید به دقت انجام شود و مریبان کودکان و نوجوانان باید از عوامل آسیب دیدگی، شیوه های پیشگیری از آسیب ها و روش های صحیح ارائه تمرین اطلاعات کاملی داشته باشند.

مطالعات نشان می دهد ورزش های سازمان یافته بدون نظارت و سرپرستی برای افرادی که ورزش نوع هستند بسیار خطرناک است توصیه می شود فعالیت های ورزشی با معیار فرد گانه صورت گیرد قبل از ورود کودکان و نوجوانان به ورزش های رقابتی، باید معاینات کامل روی آن ها انجام شود هم چنین آن ها باید به شکل صحیحی بر حسب بلوغ جسمانی، وزن، جنس و مهارت گروه بندی شوند هم بازی بودن کودکانی که از نظر سرانه جسمانی تفاوت زیادی دارند، به خصوص در ورزش هایی که وجود خطرناک خواهد بود.

سازمان بهداشت جهانی می گوید...

برای آن که در دوره میان سالی و ببری افراد سالمی باشید، باید در دوران قبل از میان سالی (کودکی، نوجوانی و جوانی) به طور منظم ورزش کنید.

منظور از ورزش منظم، انجام فعالیت های بدنی، هفته ای سه روز، روزی ۷۵ ساعت یا پنج روز در هفته، روزی نیم ساعت است.





ویژه‌نامه آموزش درس علوم تجربی

آخرین خانه تکانی‌های کتاب علوم

گفت‌وگو با دکتر محمود امانی طهرانی

گفت‌وگو: زهرا شعبانی



○ محورهای اصلی طرح قبلی چه بودند؟

● سه محور اصلی مبنای کار بودند

اول، توجه به اهداف همه جانبه آموزش و پرورش در درس علوم، یعنی توجه به بحث مهارت‌ها و نگرش‌ها در کنار آموزش که به عنوان ابزار تحول اساسی در نظام آموزشی، در تمام کتاب‌های درسی به طور جدی مورد توجه قرار گرفت. این در واقع یک دستورالعمل سراسری بود. «فعالیت» عنوان قسمتی از درس‌های علوم شد.

دوم، توجه به «یادگیری فعال» به معنی تولید مفهوم توسط یادگیرنده خوش‌یختانه این الگو نیز به کتاب‌های درسی علوم محدود نشد. سوم، فراهم کردن زمینه‌های تلفیق یادگیری با زندگی روزمره یعنی باید به دنبال یافتن محتواهایی می‌رفتیم که ارتباط علوم را با زندگی به شکل درست نشان می‌دادند.

○ و امروز که به دنبال طراحی برنامه جدید درس علوم دوره‌های ابتدایی و راهنمایی هستید، محورهای اصلی کدام‌اند؟

● اکنون مدتی است به این می‌اندیشیم که برای اجرایی شدن طرح جدید، علاوه بر توجه به معیارهای کارآمد طرح قبلی، باید به دنبال کدام متغیرهای اصلی باشیم و دیدگاهمان چه باشد تا به اهداف تعریف شده نزدیک شویم. در این فضای جدید، با به کارگیری چند منبع، به

کتاب‌های علوم دوره‌های ابتدایی و راهنمایی را به خاطر می‌آورید؟ زنگ علوم و معلم علوم را چه‌طور؟ حتماً همه آن‌ها که به یاد می‌آورید، نکته‌هایی جالب و شگفتی هستند. ما هم فقط با همین پیش فرض ذهنی ساده، با دکتر محمود امانی طهرانی به گفت‌وگو نشستیم تا از ایشان بپرسیم، از تألیف مجموعه جدید کتاب‌های علوم چه خبر؟! برای شروع گفت‌وگو، اولین کاری که باید می‌کردیم، باز کردن جایی روی میز کنفرانس دفتر ایشان برای گذاشتن دفترچه یادداشت کوچکمان بود! در جینش دسته‌های کوچک و بزرگ کتاب‌ها و برگه‌های یادداشتی که تنگ هم روی میز بودند، نظم خاص میز تحقیق دیده می‌شد. پس فقط یک نفر می‌توانست آن را به شکلی مرتب کند که بتوان دوباره به راحتی به حالت اول بازگرداند. از آقای امانی، محقق فرهیخته، خواستیم با مقدمه‌ای از فرایند تألیف کتاب‌های درسی علوم، گفت‌وگو را آغاز کند.

برنامه جدید آموزشی علوم در سال ۱۳۷۳، از دوره ابتدایی شروع شد و تا سال ۱۳۸۲ به دوره راهنمایی رسید. در واقع این برنامه تاکنون حدود ۱۶ سال است در دوره ابتدایی و ۸ سال در دوره راهنمایی تدریس می‌شود.

در فرایند گسست شانسنگی، دانش آموزان باید نمی گویند چگونه دروس بخوانند و مشخص دهد که به چه روشی نیاز دارد. معلم بر می آموزد که چه کند تا دانش آموزان به «شانسنگی» مورد نظر برسند.

فصل اول: روش های نوین آموزشی که تحول گرداننده بوده است. روش های نوین یادگیری، قطعاً پاسخ خواهد داد به او. یادگیری «تصحیح را» است. اما تغییر رفتار در دست برایش سخت است. همه سکاری ها می دانند چه بر سر خود و خانواده شان می آید. اما نمی توانند فقط با گسست دانش پزشکی و دانش معمرات سنگی، رفتار خود را تغییر دهند. در روشی از انچه علیهم السلام آمده است: «ان لم یوسن بری بفسه فی عمله» یعنی «کسی که در عمل او نیکو نباشد، پس او نیکو نیست».

برای رسیدن به این ویژگی باید سار و کار بیخنده های طراحی شود. در یک رابطه خطی نمی توان به نتیجه مطلوب رسید. فقط می توانیم به این نکته اشاره کنیم که نحوه رفتار چه در «موقع های واقعی یادگیری» بیشتر قرار داده شود. این نوع رفتارها در آن ها بسیار دیده می شود.

۱) در آموزش دروس علوم چه طور؟

● به این نتیجه رسیده ایم که به حی بیسی کردن ساختار بسته می، یعنی نوشتن دانش ترویج علم است. این دراهمانی دانشمندی درسی قدرنگ، سعی و پرسشگری، روشی در همه گنیم. چند موضوع مهم و کلیدی به صورت همجانبه و منطبق همزمان شوند البته باقی موقفلهای اساسی این رساله به تکمیل ساری نیاز دارد.

۲) یک نمونه فرسی را مطرح می کنید؟

● به یک شکل حلرونی با روشی، افرش کنند که در مرکز آن، انرژی قرار دارد. حول و حوس آن می توانیم موضوعها، دستسابع انرژی، شکل های انرژی، کاربرد انرژی در خانه، صنعت و مراکز عمومی، مصرفجویی و غیره.

در چنین مدلی که موضوع اصلی مشخص است، فرصت یادگیری به صورت تلقینی و حتی انعکاسی پذیر فراهم می شود.

۳) نام این طرح را چه گذاشته اید؟

● این طرح براساس این اصل تهیه یا برپای خود هدایت که بچه ها تا آموزش کدام یک از مثال های یادگیری، معلم یادگیری را می چسند. عده ای معتقدند نام «آموزش زمینه محور» را انتخاب کنید. گروهی از نویسندگان نیز نام «آموزش موضوعی» را می پسندند. این ممکن وجود دارد که یک نام گویند انتخاب شود.

۴) مزیت آن چیست؟

● دانش آموزان در حین یادگیری می توانند فرسدهای یادگیری، بعضی عمیق و همه جانبه پیدا کنند. مبرهای علوم غیریکه، شمس و ریسب را، یادارت و آن ها را به هم پیوند دهند.

۵) برخی از مفاهیم عمیق نوچیدی که در برنامه درسی ملی بر آن ها تاکید شده است، چگونه در دروس علوم لحاظ می شوند؟

● براساس تقام ۱۱ خود یادگیری که در برنامه درسی ملی ستی شده است، مفاهیم دروس غیر خواهد کرد، برخی از موضوعات فرسدهای مانند تفکر، حکمت و مهارت های زندگی، یعنی اگر به صورت جمعیت آموزش داده شوند، لازم است در همه دروس مورد حمایت و تقویت قرار گیرند.

برخی از موضوعات مانند «تقویت شناس نوچیدی»، باید در کلاس درس انصاف یافت و در تالیف کتاب یا در دفتر کرفی به هم جواب،

دنبال این هستیم که نوعی بازنگری اصولی داشته باشیم. منابع ما از این قرار است:

اول: استاد بالادستی که عمدتاً از روی ونگرداری بی فرهنگی و به دنبال تقویت شناس نوچیدی هستند. حمله به این آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی.

نوع دوم: پژوهش هایی که در ۱۵ سال اخیر صورت گرفته اند. از پایان نامه های کارشناسی تا دکتری تا پژوهش های ملی.

سوم: ساخت جدید و به روز که در سطح سبب علمی مطرح هستند و در عده های جهانی محسوب می شوند. از جمله تقویت مهارت های استدلال گیری، تلفیق علم آموزی و زبان آموزی و استفاده از طریق معادل این نوع ترویج روش علم آموزی و مهارت های شهروندی و عالی این ها.

چهارم: توجه به خواسته های حوزه های متفاوت که در این ۲۰ سال اخیر به آن ها با توجه تلفیق با مورد که بوجهی قرار گرفته است، ممکن است این خواسته ها، مبانی مهم بوده اند اما الان مهم شده است. برای مثال: «تدبیر و عازرته جانی» حاصل از این مطالبی همان مهم بود. اما همه می دانیم این موضوع در دو دهه گذشته به سبب مسئله فرسین جوهی شد و این امر مشخص به ایران نیست.

در ایران بر چند موضوع جدید شناسی شده است. این فرسین جوهی قدری نام، مصرف بهینه انرژی ها و...



۶) کدام یک از منابع بیشتر از بقیه مورد تاکید شما هستند؟

● آن چه که سینه معقدم بهتر است، بیشتر بر آن متمکز بودیم و محور اصلی تحول برنامه درسی ما است. به کارگیری برنامه های است که در فرایند اجرایی شناس آن، دانش امور مفهوم شانسنگی کسب علم در زندگی را به طور عمیق گسست کنند. این بهیئت اصطلاح «شانسنگی» بسیار مهم و فرار از «فلسفی و توری» است. و جیفه نگرتی به هم، آن است. بهر کسی می تواند شانسنگی ایجاد کردی. کسب کند که بتواند علم و عمل را با هم به کار گیرد.

۷) مثال می زنید؟

● بله، برای مثال، دانشک شایسته کسی است که علاوه بر گسند دانش، مهارت و تجربه، نگرش هایش دارد که شمار به او اعتماد می کنند.



در مرحله شناخت، از چهار مرجعی که معرفی شد استفاده می‌کنیم. مرحله بعدی، برنامه‌ریزی است که نتیجه نهایی آن تولید برنامه درسی است. سازوکار برنامه درسی طبق تصمیم‌گیری‌های شورای برنامه‌ریزی درسی معین می‌شود. اگر فرایند انتخاب شورا صحیح باشد، تصمیم‌گیری‌ها از مشروعیت لازم برخوردار خواهند شد. برنامه درسی تولید شده، برای بررسی و تأیید نهایی به دو نهاد می‌رود: یکی شورای هماهنگی علمی سازمان و دیگری شورای عالی آموزش و پرورش. آن‌چه که در نهایت تأیید می‌شود، محور تولید محتوای بسته آموزشی قرار خواهد گرفت.

مرحله بعدی «ارزش‌یابی» است که به منظور اعتباربخشی مواد آموزشی در طول سال آموزشی صورت می‌گیرد. بدین ترتیب در واقع در مورد هر یک از بخش‌های فعالیت‌های مدیریتی، پژوهش انجام می‌شود.

● با توجه به این که جداول محتوایی هر پایه با در نظر گرفتن اهداف و رویکردها مشخص می‌شوند، چگونه موضوع «تناسب مطالب با مخاطب» در تمام مراحل کنترل می‌شود؟

● در مرحله یس از اجرای آزمایشی، بازخوردها گرفته می‌شوند و در مرحله بعد، به کمک معلم‌ها و گروه تألیف، تمام طرح روی کاغذ پیاده می‌شود. شال حضور معلم در این فرایند آن است که محتوا را با قدرت یادگیری، جنس و سن دانش‌آموز تطابق دهد. مثلاً ببیند چه واژه‌های برای چه گروه سنی مناسب است. در تمام مراحل تألیف این سازوکار تعریف شده است.

ولی واقعیت این است که با دغدغه‌ای که مطرح کردید، به این راهکار پاسخ داده نمی‌شود و راه‌حل دیگری می‌طلبید. ویژگی‌های دانش‌آموز اول ابتدایی در شهرها و روستاها متفاوت است. حالا این نکته را هم در نظر بگیرید که دانش‌آموزان یک کلاس هم ویژگی‌های متفاوتی دارند. هم‌چنین یک طرح پژوهشی با عنوان «واژگان پایه» انجام شده است که از نتایج آن استفاده می‌شود. این طرح فقط در مورد واژه‌ها بود و چه بسیاری از متغیرهایی که باید بررسی شوند و از نتایج آن‌ها نیز استفاده شود.

نکته مهم‌تر این است که بین آن‌چه که می‌آموزیم، یا آن‌چه که دانش‌آموز دریافت می‌کند، فاصله زیاد است. در برنامه درسی نهایی (کسب شده) نارسایی‌هایی وجود دارد که این‌ها واقعیت پرونداد نظام هستند. در واقع، درون‌دادهای متعددی هستند که بر پرونداد نهایی تأثیر می‌گذارند. اگر بخواهیم پرونداد طبق پیش‌بینی و با توجه به درون‌داد متعدد حاصل شود، فرایند اصلی را باید کنترل کنیم و این حاصل نمی‌شود مگر با حضور معلم‌هایی که شایستگی و توانمندی لازم را داشته باشند.

شاید توجه کرده باشید که سال‌هاست دیگر «مدرسه» نداریم و آن‌چه برایمان مانده، تنها «کلاس» است. وقتی جای فعالیت‌های گروهی مانند سرود، نمایش، بازی، ورزش، نقاشی و جشنواره‌های متعدد در مدرسه خالی باشد، نام آن به «آموزشگاه» تقلیل می‌یابد. همه برنامه‌ها تکراری شده‌اند و هیچ اتفاق جدیدی در مدرسه نمی‌افتد. البته گرافیک و محتوای کتاب‌های درسی خوب شده است، اما باید به فکر حرکتی اساسی باشیم تا از توان بالقوهٔ مدرسه، دانش‌آموز، کتاب و معلم به بهترین شکل استفاده شود.

مطرح شوند. از جمله استفادهٔ هوشمندانه از واژگان دارای بار معنایی خاص، یکی از دقیق‌ترین راهکارهاست. مثلاً به جای طبیعت در جاهای معین، باید گفته شود: آفرینش با خلقت.

● در طراحی محتوای درس علوم چگونه می‌توان به این هدف رسید؟

● می‌توانیم به سابقهٔ هر موضوع درسی بپردازیم. برای نمونه، می‌توان نقش فرهنگ و تاریخ ایران را در تحول این رشته عنوان کرد و دانش‌آموز را به این مرحله از خودباوری رساند که در علم امروزی سهمی دارد. یک نمونه دیگر این است که محدودهٔ «علم» را مشخص کنیم و به دانش‌آموز نشان دهیم که چه انتظاراتی می‌توانند از «علم» داشته باشند و پاسخ چه پرسش‌هایی خارج از قدرت «علم» است.

تفکر افراتی، «علم» را تا حد پرستش بالا می‌برد. در مقاله دیدگاه‌های تربیتی آن را به هیچ می‌گیرند. ذهن دانش‌آموز به تفکر متعادل نیاز دارد. در این صورت از علم سوآلی نخواهند پرسید که پاسخش را فلسفه باید بدهد.

● به نظر شما پیدا کردن مسیری که دانش‌آموز را به سوی این دقت هدایت کند، مشکل‌تیبست؟

● به اعتقاد بنده، نه دو پیش‌نیاز باید توجه شود: ۱. تمهیداتی که در برنامه درسی و راهنمای معلم در نظر گرفته می‌شود. ۲. تمهیداتی که در کتاب درسی و رسانه‌های آموزشی نقششان پررنگ می‌شود.

و مهم‌تر از همه، پیش‌بینی این دو دسته از هم و ایجاد ارتباط منطقی بین آن‌ها توسط معلم است.

● بعد از به کار بردن این مدل یادگیری چه اتفاقی خواهد افتاد؟

● وقتی در کلاس سوآلی جالبی در مورد یک موضوع علمی مطرح می‌شود، دانش‌آموز وارد گفت‌وگویی جهت‌دار خواهد شد. مثلاً دربارهٔ موضوع «ظروف یکبار مصرف» می‌توان این پرسش را مطرح کرد: «کدام ظرف این ظروف کار را راحت کرده‌اند، اما با ضررهای آن‌ها چه باید کرد؟» این نوع بررسی‌های همه‌جانبه، دانش‌آموز را نقاد خواهد کرد و این اتفاق مبارکی است که ما به دنبال آن هستیم. چنین امری مستلزم بی‌گیری دقیق و مدبرانهٔ معلم است تا موضوع «علم نافع» را که مورد تأکید تمام ادیان الهی است، در کنار کتاب درسی به دانش‌آموز تفهیم کند.

● در حال حاضر تولید برنامه درسی در چه مرحله‌ای است؟

● تا سال ۹۰ برنامه درسی دوره‌های ابتدایی و راهنمایی آماده خواهند شد. اما زمان اجرای آن بر مبنای سیاست‌های نظام آموزش و پرورش مشخص خواهد شد.

● اعضای شورای برنامه‌ریزی چه کسانی هستند؟

● شورا سه گروه تشکیل شده است: معلم‌های با تجربه، متخصصان موضوعی و متخصصان تعلیم و تربیت.

● فعالیت‌های شورا، پژوهشی است؟

● فعالیت تولید علم در برنامه درسی ملی، صرفاً یک فعالیت پژوهشی نیست و می‌توان گفت از جنس مدیریت است. شناخت، سازمان‌دهی، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزش‌یابی، از جمله فازهای مدیریت مذکور است.

کلاس علوم با نشاط

اکرم احمدی

دبیر انسان آذربایجان غربی



ویژه نامه آموزش در علوم تجربی

آن‌ها برای خودداری از جواب دادن به ارزشیابی درس علوم به بهانه‌های متفاوتی برآید بسیار سخت بود. گاهی احساس می‌کردم حتی گرفتن کلاس از طرف من، سبب به وجود آمدن این نگرش در دانش‌آموزان شده است. چون گاهی با این انتقاد که معلم سخت‌گیری هستم، مواجه می‌شدم. هر چند همیشه می‌کوشیدم به تقویت‌های فردی و حتی به تفاوت‌های فرهنگی و خانوادگی دانش‌آموزان توجه کنم. همیشه خود را متکلم و حذب کلاس می‌دیدم. برای این‌که دانش‌آموزان به یادگیری حداکثر و مطلوب دست یابند، درس را متنش از اندازه توضیح و شرح می‌دادم و این امر بر بسیار خشم و کلافه می‌کرد تا جایی که به فکر حل مشکل براندم. بنا بر این، بهتر آن دادم که از خود دانش‌آموزان نیز این باره نظر خواهی کنیم تا بداند علت این امر چیست؟ از آن‌ها خواستم تا انتقادات و پیشنهادات خود را در مورد تدریس علوم و نحوه کلاس‌داری علوم، بیان کنند.

نظرات دانش‌آموزان

- می‌خواهیم درس را در کلاس ساده‌نگریم نه این‌که در خانه حفظ کنیم.
- می‌خواهیم هر چه را می‌خوانیم یادمان بیاید و زود فراموش نکنیم.
- می‌خواهیم همیشه در درس علوم بمردهی دل‌خواه خود را کسب کنیم.
- می‌خواهیم آن‌چه را که یاد گرفته‌ایم، بتوانیم استفاده کنیم و در زندگی به دردمان بخورد.
- می‌خواهیم تدریس درس علوم به گونه‌ای باشد که احساس خستگی نکنیم.
- می‌خواهیم در کلاس، شما فقط گوینده و ما فقط شنونده نباشیم.

راهکار

پس از آن، با وجود سعی و تلاش فراوان در امر تدریس، سه سال راه‌حلی برای برطرف کردن خواسته‌های آنان نبودم. در همین زمان، در حضوره انجمن‌های تربیت مدرس شرکت کردم و به مرحله استانی راه یافتیم. در این مرحله که در اسفند ۸۲ در تهران نشان سلامتی برگزیدیم، طی سه روز فعالیتهای کارگاهی و

تجربه یکی از بهترین معلمان است. تجربه‌های ناموفق ما (معلمان) می‌تواند عاملی باشد برای بررسی چگونگی رسیدن به موفقیت. تجربه زیر نمونه‌ای است برای اصلاح یک روش.

هدف

تدریس و اهمیت دانش‌آموزان از درس و کلاس علوم، باعث شده بود تا احساس کنیم در نظر دانش‌آموزان بهترین تدریس امروزه‌گاه هستیم. تحمل نگاه‌های سنگین و حلقه رفتن

می‌خواهیم تدریس علوم به گونه‌ای باشد که احساس خستگی نکنیم





ویژه نامه آموزش درس حرفه وفنون

فاطمه عابدی
دبیر علوم شهرستان قائم شهر

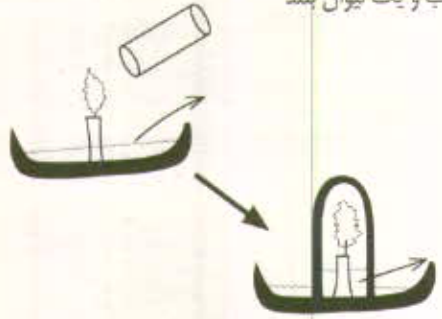
دانش الحلقوم های لذات بخش

همان طور که می دانیم، یکی از رسالت های عظیم تعلیم و تربیت هر کشوری، پرورش عنصر تفکر در دانش آموزان است. انجام فعالیت ها و آزمایش های ساده در درس علوم، این هدف را محقق کرده و به جای آن که ذهن دانش آموز انبثانی از اطلاعات گردد، با تحریک حس کنجکاوی، پویایی و نشاط را برای او به ارمغان می آورد و خستگی و بی حالی را از فضای کلاس می زداید. من در مبحث «سوختن»، درس علوم پایه دوم راهنمایی، برای ایجاد انگیزه، با روش بارش مغزی، دانش آموزان را به یادگیری مفاهیم درسی ترغیب کردم. با فعالیتی که شرح می دهم، از آن ها خواستم در مورد این واقعه بیندیشند و نتیجه ای عملی از آن حاصل کنند.

نام فعالیت: آسانسور آب

هدف: بررسی نظریه لایواریه در سوختن

مواد لازم: یک عدد شمع، یک عدد بشقاب ته گوده کبریت، مقداری آب و یک لیوان بلند



شرح

ابتدا شمع را کف بشقاب می چسبانیم و مقداری آب در بشقاب می ریزیم تا قسمت فرو رفته بشقاب پر شود. سپس شمع را روشن می کنیم. وقتی شمع شروع به سوختن کرد، به آرامی لیوان را وارونه روی شمع قرار می دهیم؛ طوری که به شمع نخورد. بعد از گذشت زمان کوتاهی، ملاحظه می شود که آب در لیوان بالا می آید.

نتیجه

شمع برای سوختن، اکسیژن هوای زیر لیوان را مصرف می کند. بنابراین حجم هوای زیر لیوان کمتر می شود و با ایجاد شدن فضای خالی در زیر لیوان، آب در لیوان بالا می رود.

کلاس های نوجویی، ضمن آشنایی با روش های فعال تدریس، با چگونگی اجرای این روش ها و همچنین راهکارهایی برای داشتن کلاسی با نشاط و فعال آشنا شدم. این برنامه سه روزه، نگرش مرا نسبت به تدریس و کلاس و دانش آموزان چنان تغییر داد که بعد از آن تصمیم گرفتم نحوه کلاس داری خود را تغییر دهم و از این روش ها برای تدریس علوم در سطح راهنمایی استفاده کنم.

بنابراین، با انگیزه و نگرش جدید وارد مدرسه و کلاس شدم و تصمیم گرفتم تا حد امکان، برای تدریس علوم از روش های نوین استفاده کنم. یکی از درس های اول را با استفاده از روش های فعال تدریس کردم. در این تدریس، از روش های شبکه بازیابی، بحث گروهی، آزمایش گروهی و تدریس اعضا به صورت تلفیقی استفاده کردم و آزمایش ها را به صورت گروهی با همکاری دانش آموزان انجام دادیم. در این روش ها، دانش آموزان با مسائل درس درگیر می شدند و جمع بندی درس هم توسط خود آن ها انجام می گیرد. فعالیت های خارج از کلاس هم به صورتی طراحی شد که دانش آموزان را به تفکر، جستجو، کاوش و تحقیق در طبیعت و زندگی روزمره وامی داشت.

روش های تدریس معلم محور، یادگیرندگان را غیرفعال و صامت می کند و تنها آن ها را برای موقعیت های آشنا و پیش بینی شده آماده می سازد. در حالی که به نظر می رسد، اگر در موقعیت های یادگیری، فراگیرندگان، مسئولیت پذیر باشند و عملاً در مسیر مسائل اصلی درس و کلاس وارد شوند، می توانند در شرایط متغیر جامعه و محیط کار مشارک فعال داشته باشند. تفاوت اساسی بین این دو نوع یادگیری در آن است که در روش سطحی یادگیری، فراگیرنده آن چه را که قرار است یاد بگیرد، در این حالت نامربوط به واقعیت های زندگی حفظ می کند. در واقع، وظیفه یادگیرنده این است که محتوای درسی را حفظ کند و در زمان خاصی مثلاً زمان امتحان، باز پس دهد. ولی در روش عمیق یادگیری، فراگیرنده در تلاش است که آن چه را یاد می گیرد، مفهوم سازی کند و در حقیقت ایده ها و مفاهیم یک محتوا را دریابد، و تجربه و تحلیل کند این مهم، او را با سلسله فعالیت های خاصی مثل تفکر و جستجو و یافتن ارتباط بین اجزا با کل، و بررسی ایده ها درگیر می سازد. اگر مطالب بدون ارتباط با یکدیگر و به صورت اجزایی بی معنی و به منظور موفقیت در امتحان به دانش آموز ارائه شود تا حفظ طوطی وار در آن ها تسهیل شود، یادگیری امری مکانیکی، بی هدف و حتی تشبیه کننده می شود. به عبارت دیگر، یادگیری برای فکر کردن، استدلال درست، نظم داشتن، اخلاقی شدن، همدلی و هم احساسی با دیگران، مسائل زندگی را عاقلانه حل کردن، خود مدار بودن، سعه صدر پیدا کردن و فرهیخته شدن، فراموش می شود.

منبع

۱. فوسر، ادگار. آموزش برای ریسن. ترجمه مجید رهنما. امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۶.
۲. قاسمی پویا، اقبال. راهنمای معلم پژوهنده. اشاره تهران، ۱۳۸۲.
۳. قاسمی، فرشید. بیست نکته مؤثر در تدریس خلاق. ماهنامه تربیت، ش ۶ اسفند ۱۳۸۲.
۴. ابراهیمزاده احمد. ماهنامه آموزشی تربیتی. پیاوند ش ۲۹۳. اسفندماه ۱۳۸۲.



وبسایت: www.zaydeh.com
پدافنامة آموزش درس جغرافیا

زنده باد کلاس جغرافیا

فاطمه خرقانیان

روش صحیح آموزش چیست؟

ما می‌توانیم مفهوم کلی سوهوا و عوامل تأثیر گذار بر آن را تک یا آموزش دهیم (آموزش مفهوم کلی) پس از آن لازم است تدریس دانش آموز بخواهد که متضاد یا برعکس را بیابد و تحلیل کند وقتی او معیار تحلیل را ترک کرد می‌تواند هر سوهوایی را در هر نقطه از دنیا که بخواهیم، به تنهایی تشریح کند.

پس در کلاس شما دانش آموزان در فرایند یادگیری سهیم هستند و شما متکلم وحده نیستید، درست است؟!

بله، متکلم وحده شش، لغت کلاس است.

از چه شیوه‌ها و ابزارهای برای فعال کردن دانش آموزان در فرایند یادگیری بهره می‌گیرید؟

از روش‌های متعددی می‌توان بهره گرفت، روش کف‌و‌گویی تو نقره‌نقش معلم و دانش‌آموز که تا حدی مرسوم است، روش ارائه پروژه‌های دانش‌آموزی که باید با نظارت دقیق معلم همراه باشد یا دانش‌آموز یاد بگیرد از منابع کتابخانه‌ای استفاده کند اگر قرار است powerpoint ارائه دهد از معیار ارائه کمک بگیرد یا طبق اصول ارائه شود از نرم‌افزارهای آموزشی microsoft، googleearth می‌توان بهره گرفت.

شما در کلاس درس از تمام این ابزارها استفاده می‌کنید؟

بله، تمام این موارد استفاده می‌شود.

در کلاس اینترنت دارید؟ امکان نمایش فیلم و پاورپوینت فراهم است؟

بله ما در مدرسه امکان وصل شدن به اینترنت و استفاده از googleearth را داریم هم‌چنین از فیلم‌های سماپی و مستند و با عکس‌های هوایی یا وسایلی مثل stereo scop هم استفاده می‌کنیم این‌ها کارهای جذابی است که دانش‌آموز می‌تواند به واسطه آن با موضوعات سخت ارتباط برقرار کند مثلاً برای جغرافیای سوم راهمایی، بازدید از مرکز آسمان‌نمای تهران و موزه برادران امینوار، زاهدگشت است.

چه حجمی از کلاس‌های درسی شما به استفاده از این روش‌ها اختصاص می‌یابد؟

تمام کلاس‌های آموزشی ما، هم‌اکنون یکی از این روش‌ها بهره می‌گیرد من خاطرم نیست کلاسی داشته باشیم که در آن متکلم وحده باشیم و دانش‌آموز شنونده باشد.

نمایش چه فیلم‌هایی را در کلاس به معلمان پیشنهاد می‌کنید؟ لطفاً چند فیلم خوب را نام ببرید.

«برادران امینوار» «هفت سال در یک» «هزارگان» (که باید از نسخه سانسور شده استفاده شود) و «هوم» در بحثی روایتی.

پروژه‌های مدرسه از خاطرم می‌گذرد، درس ریاضی رنگ تمبر کشی؛ درس اجتماعی؛ رنگ پرستی؛ درس اشعار رنگ، ریاضت در نوشتن؛ ساعت ورزش؛ رنگ بازی؛ درس جغرافی؛ بلخ، بلخ و بلخ‌تراپیست؛ بار تکرار می‌کرده، صادرات این انسان بلخ محصول، وزارت فلان استان ۱۲ محصول، یک کارخانه در این جا، دو رود این جا، لحظه امتحان که می‌رسد باز هم این اثر بود یا یاد ما؟! کارخانه خوب‌ها در پردر بود یا اصفهان؟!.

وارد اتاق که شد او را نشناختم، بسیار جوان بود، ۲۵ ساله یا ۴ سال سابقه کار، نشسته بودم کلاس‌های جغرافی از زاده در خشان، در مدرسه نظیر منظومه خرد و فرزندان تهران، مهیج و پر نشاط است این دادها با چنان پیشینه ذهنی از رنگ جغرافی، پاورپوینت می‌نمود اما اندک‌اندک مهربانی زرفی که از امتداد نگاهش به جان محال می‌نسیست و خلوت کلامی که مودعی محبت را به ذهن مناد می‌ساخته مرا بدین سو سوق داد که رستی به «احسن‌الحال» ممکن خواهد شد اگر «بر تغییر حال»، «اراده» شود.

با کنج‌کاو پرسیدم:

خانم در خشان! چه شد که جغرافیا شیرین شد؟

به نظرم جغرافی شیرین بود فقط من توانستم شیرینی آن را نسیم.

قطعاً نحوه آموزش شما در چشاندن طعم شیرینی درس به دانش‌آموز، نقش داشته است. از شیوه طرح درس نویسی‌تان بگویید.

ما در طرح درس نویسی، چند بخش را به سه طور قطع در نظر می‌گیریم، یکی اهداف کلاس را مشخص می‌کنیم که به طور کلی دانش‌آموز در پایان سال به چه اهدافی می‌خواهد برسد این اهداف باید خیلی بزرگ باشد که عرفال است بانی بود در عین حال، یک مجموعه اهداف خرد برای هر جلسه تعیین می‌کنیم، برای اهداف خرد چند بخش مشترک داریم: محتوای آموزشی، روش و شیوه ارزش‌یابی، در بخش محتوا، موزدی که به طور کلی برای هر سه درس علوم اجتماعی به کار می‌آید این است که باید به مفاهیم اصلی بپردازیم، یعنی معلم کل کتاب را بررسی کند مفاهیم و عناوین هم‌پس را بیابد، بکجا آموزش دهد و به آموزش متضادها نیز بپردازد چون نتنها آموزش متضاد باعث می‌شود دانش‌آموز از مفاهیم کلی بازماند بلکه شاید نتواند انتظاری را که ما در نهایت داریم، برآورده سازد.

ممکن است در این باره مثال بزنید؟

مثلاً درباره آموزش سوهوا، اگر در هر جلسه بگویم سوهوای شمال، جنوب شرق و غرب چگونه است، دانش‌آموز وضعیت سوهوایی را به طور موقت یاد می‌گیرد.

بحث قانون در کتاب علوم اجتماعی را از طریق بازی هفت‌سنگ آموزش می‌دهیم. هفت‌سنگ می‌اندازیم و به بچه‌ها می‌گوییم بازی کنید





وبسایت نام آموزش درسی جغرافیا

و یا تخم مرغ جدید بگیرد و به مرحله بعد برود. در واقع می خواهیم این مفهوم را منتقل کنیم که بیمه چیست و وقتی تخم مرغ بیمه می شود خیال افراد راحت است. اگر پایان کار هم کسی از بیمه اش استفاده نکرده باشد، جایزه می گیرد.

جغرافیایی سوم از مستند «grass» (علف) استفاده شود. مجموعه «planet earth» به فهم جغرافیای طبیعی خیلی کمک می کند. نرم افزار Ncard بسیار جامع است و بخش زیادی از جغرافیای دوم را پوشش می دهد. در بخش دین یا جغرافیای انسانی، فیلم «هارتین لوتر» کمک می کند.

یکی از مسائل مهم در فرایند یاددهی-یادگیری این است که معلم در کلاس راهبر باشد و دانش آموز خودش در یادگیری نقش بازی کند. شما چه طور چنین فضایی را ایجاد می کنید؟

من بچه ها را گروه بندی می کنم. گروه های کوچک سه چهار نفرم. بعد از آن ها می خواهم با توجه به اصولی که آموختنند مصادیق را تحلیل کنند و در گروه اطلاعاتشان را در اختیار یکدیگر قرار دهند. این روش، از دوستانشان یاد می گیرند. بعد موضوع را عمومی مطرح می کنیم. مثلاً از گروه یا فردی که قرار بود آبوهوای شمال اروپا را پیدا کند می خواهم اطلاعاتشان را با دلیل در کلاس طرح کند و اگر گفته هایشان به اصلاح نیاز داشت آن ها را اصلاح می کنم. راه دیگری که خیلی موفق بوده است و من حتی در ارزش یابی هم از آن استفاده می کنم، برگزاری مسابقه است. من در کلاس جغرافیا، از بچه ها می خواهم هر دانش آموز یک اطلس جغرافیایی داشته باشد. بعد اسم یک شهر را می گویم و از آن ها می خواهم تمام اطلاعات مرتبط با آن شهر را بیان کنند.

ما گاه درس پوشش گیاهی، جغرافیای انسانی یا آبوهوا را داده ام. از آن ها می خواهم سته به موقعیت جغرافیایی، ویژگی های آن شهر را در این موضوعات تشریح کنند.

این مسابقه زمان دارد یعنی دانش آموز باید به سرعت شهر را در اطلس بیابد و مهم است که توان یادآوری بالایی داشته باشد. هر گروه که سریع تر پاسخ دهد، یک امتیاز می گیرد تا دلگرم شود. من خیلی اوقات دیدم بچه ها وقتی مسابقه اطلس دارند شب قبل می روند به اطلس مراجعه می کنند تا جای شهرها و کشورها در ذهنشان بماند و سرعت عملشان افزایش یابد.

بازی های خلاق

بازی های خلاق نیز یکی از شیوه های نوین فعال ساختن دانش آموز در کلاس است. آیا شما از این روش هم استفاده می کنید؟

بله، ما بحث قانون در کتاب علوم اجتماعی را از طریق بازی هفت سنگ آموزش می دهیم. هفت سنگ می اندازیم و به بچه ها می گویم بازی کنید در این شرایط، دعوا و هر چه می شود و بین سرگروه ها مشکل به وجود می آید. در این شرایط، می فهمند که باید با هم کنار بیایند. بعد برای آغاز مسابقه یک مجموعه قانون برای خود تعیین می کنند. سپس برای نحوه بازی کردن قانون می گذارند و می خواهند که رهبر داشته باشند. اگر از قانون تحفظی کنند به سرعت حذف می شوند و جریمه دارند. با این شیوه چرایی وجود قانون و مزایای آن را به خوبی در می یابند.

در بحث بیمه در کتاب اجتماعی دوم، به بچه ها روزنامه و تخم مرغ می دهیم. می گویم با روزنامه و آب سازه بسازید تخم مرغ را از فاصله های متفاوت پرت کنید طوری که نشکنند. متنها اگر سازه و یا تخم مرغی بیمه داشته می شود که بیمه اش را ارائه دهد و روزنامه

ارزش یابی آیا در ارزش یابی های کلاسی از چنین روش هایی استفاده می کنید؟ یعنی شکستن قالب رایج و فعال کردن قوه تحلیل دانش آموزان؟

من در ارزش یابی به بچه ها می گویم، عوامل مؤثر بر پوشش گیاهی یا آبوهوا را یاد گرفتند. حالا مثلاً نیجریه، با توجه به موقعیت جغرافیایی اش، چه پوشش گیاهی دارد؟ من هیچ وقت در کلاس یاد ندادم که پوشش گیاهی نیجریه چه طور است، ولی براساس دادهای کتاب و دادهایی که کامل کرده ام، دانش آموز خود می تواند آن را تحلیل کند.

آیا شیوه پرسش و پاسخ، تنها راه ارزش یابی دانش آموز است؟ آیا راهی هست که دانش آموز خود اطلاعات را به دست آورد و خود تحلیل گر باشد؟ آیا روشی غیر از پرسش و پاسخ برای ارزش یابی داشته اید؟

در ارزش یابی لازم نیست به موارد گفته شده در کلاس بسنده شود کاری که ما در کلاس انجام می دهیم، در واقع هم آموزش و هم ارزش یابی به صورت هم زمان است. بحث نقشه کشی است. من در نقشه کشی، دانش آموزان را گروه بندی می کنم و مقابله خوراکی در اختیارشان قرار می دهم. بعد می خواهم هر گروه خوراکی ها را در جایی از مرسه پنهان کند. بعد باید نقشه های بکشند و در اختیار گروه مقابل قرار دهند و نقشه های هم از گروه مقابل دریافت کنند. در این شیوه هم

نقشه کشیدن را می آموزند و هم نقشه خوانی را یاد می گیرند. در این مسیر، دانش آموز سؤال می پرسد و کم آموزش می بیند. آن جا ارزش یابی هم می شود یعنی اگر نقشه کشی ایرادی داشته باشد که گروه مقابل نتواند به خوراکی ها دست بیابد امتیاز گروه کم می شود. برای ارزش یابی راه دیگری هم وجود دارد.

و آن گندو کاو جغرافیایی از طریق ذهنی است. یک مجموعه سوالات چالش برانگیز و خیالی مطرح می کنیم که شاید وجود خارجی نداشته باشد. بعد از دانش آموز می خواهیم تحلیل کند. وقتی دانش آموز تأثیرات کوهها را بر شرایط آبوهوایی جغرافیایی انسانی یک منطقه فهمید به طور مثال می پرسیم اگر البرز از نقشه حذف شود در تهران چه اتفاقی می افتد؟

آیا تصویری از جغرافیای دل دانش آموزان دارید؟ فقط مطمئنم که خیلی پنهان است.

متکلم وحده شدن،
افت کلاس است



کتاب‌های کمک آموزشی

تربیت بدنی، علوم تجربی و جغرافیا

● طيبة الدوسی

۱. الزامات علوم مجموعه کتاب‌های تریزی در ابتدا تریزی سوخت‌های فسیلی و سوخت‌های رسی - ترجمه حسن سلاری، انتشارات مدرسه بهران، ۱۳۸۸

۲. موکل بیگن و دیگران گنجینه انسانی - علوم برای نوجوانان: آشنایی با کامپیوتر، فیزیک، الکترونیک، نور و لیزر، پزشکی، بین‌الناس، شیمی، ژورنال‌گرایی - ترجمه برسا همایون‌پور و دیگران - ذکر کتاب‌های فاندک تهران، ۱۳۸۸

۳. علاء‌نوری، احمد حسینی و حسن سلاری، کتاب کار علوم تجربی اول راهنمایی، مدرسه بهران، ۱۳۸۷

۴. دبی ساووا، ساعت‌های افغانی، ترجمه مریم موسوی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران، ۱۳۸۷

۵. بیگن، آرنوک، مجموعه کتاب‌های علوم تربیت کتابخانه‌های استغابانی / آزمایش‌های آموزشی / خودآزمایی‌های علوم تربیت / کتابخانه‌های آزمایش‌های موزیورگننده، آزمایش‌های حسابی مشهور / آزمایش‌های مغز / سنگت‌نگار / آزمایش‌های شلوغ‌شوربا / مواد خوراکی / آزمایش‌های خور و خوربا / اعضای بدن / پروردشت علوم برسانک، ترجمه محمود برسانی، بهارش بهران، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸

۶. جن گریب، دایرةالمعارف بدن انسان برای کودکان و نوجوانان - ترجمه برسا همایون‌پور، بهرحمد بهران، ۱۳۸۸

۷. رابینر کونه و بیژان دایمر، مجموعه کتاب‌های جز و چگونه: سازه، زمین، بنیاد، معمرات، منابع و حیات، آوازها و دلفین‌ها، ساختار، ساختمان بدن و حفاظت از آن‌ها، ترجمه محمد عسقی، قلدانی، کتاب‌های نضنه تهران، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸

۸. کریس اکسلاند، پروهای سنگسازانگیز: سریوی جدید، بیرونی استپاکاک و مقایسه، ترجمه محمد عسقی، بیگن بهران، ۱۳۸۸

۹. حمصی از نویسندگان، حیات وحش ایران: مهره‌داران - مطالبی بهران، ۱۳۸۸

۱۰. هریل ریچاردسون، بهتر بدانیم: تکامل از استماری کوسفند - حاشی موشک، ترجمه کمال فروش، دایره بهران، ۱۳۸۸

۱۱. سارا انگلیس، جلال گراهام، جنک جانور و بی‌فکرت، فعالیت‌های علمی: الکترونیک و آهن‌ریا بیرو و حرکت، صد و نور مواد، ترجمه برسا همایون‌پور، رسالت فلم، تهران، ۱۳۸۷

در ادامه شماره‌های پیش که کتاب‌ها به بند و ویژگی‌های آن را معرفی کردیم، حال می‌خواهیم با هم بررسی، هوفکری و همکاری میان ناشران و وزارت آموزش و پرورش، در ابتدای به چندان دور، شاهد ارتقای کیفیت تولید ترجمه سرگسور و تهیه متن صرف کتاب‌های آموزشی و تربیتی در سطح دانش‌آموزان مدارس کشور باشد. در نتیجه، این گونه کتاب‌ها نیز فرایند یاددهی، یادگیری جایگزین اصلی خود را پیدا می‌کند و صفه‌بندی کتاب‌های آموزشی، گامی به سوی توسعه محبت آموزش و تقویت فرایند یاددهی - یادگیری است. همچنین طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی، برای سلسله و معرفی کتاب‌های مناسب به عنوان دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها، سازمان همگامی و پیشانی گسترده ناشران و سایر پدیدآورندگان هستند. بنابراین، از همه ناشران و پدیدآورندگان کتاب‌های آموزشی دعوت می‌شود، کتاب‌های چاپ اول سالانه خود را در دوره‌های متفاوت حسابی، به دبیرخانه طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی واقع در بهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره چهار وزارت آموزش و پرورش، دفتر انتشارات، کمک آموزشی، دبیرخانه طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی، ارسال کنند.

در این شماره، از مجله، توجه شما، به چند کتاب مناسب از سه رشته تری «تربیت بدنی»، «علوم تجربی» و «جغرافیا» جنبش می‌کنیم:

تربیت بدنی

۱. یو افضل گودرزی، رویا زحی، آزاد آمدگی حسنهانی به زبان ساده نامزدکننده تهران، ۱۳۸۷

۲. طاریس اسپر، می‌کنال، ترجمه محمد نورمقدم، نونه، اصفهان، ۱۳۸۷

علوم تجربی

۱. رزالند مست، مجموعه کتاب‌های نگاه به آسمان شب: آنا قهر جوهرت به باطن خواهد رسید، اما در سایر عبارات حیات وجود دارد. ترجمه محمد عسقی، بهرحمد تهران، ۱۳۸۸



برگ اشتراک مجله‌های رشد

شرایط:

۱. پرداخت مبلغ ۷۰/۰۰۰ ریال به ازای یک دوره یک ساله مجله‌ی در خواستی. به صورت علی‌الحساب به حساب شماره‌ی ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه‌ی سه راه آزمایش (سرخمسار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده‌ی اشتراک بایست‌مسفارش. (کپی فیش نزد خود نگه دارید.)

نام مجله‌های در خواستی:

نام و نام خانوادگی:

تاریخ تولد:

میزان تحصیلات:

نظف:

نشانی کامل پستی:

استان: شهرستان:

خیابان:

پلاک: شماره‌ی پستی:

در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره‌ی اشتراک خود را بنویسید:

نشانی:

امضا:

- صندوق پستی مرکز بررسی آثار: ۱۵۸۷۵/۶۵۶۷
- صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
- نشانی اینترنتی: www.roshdmag.ir
- امور مشترکین: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶ - ۷۷۳۳۵۱۱۰
- پیام‌گیر مجله‌های رشد: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۸۲

یادآوری:

- هزینه‌ی برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی و عدم حضور گیرنده، برعهده‌ی مشترک است.
- مبنای شروع اشتراک مجله از زمان دریافت برگ اشتراک خواهد بود.

عمر دوطرفه آزاد

امروز در فضای فرهنگی، آموزشی کشور، مسئولان آموزش و پرورش در تکاپوی مهیا کردن «سند برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران» هستند. شما دوستان همراه چه قدر از چگونگی این سند اطلاع دارید؟ فکر می‌کنید نقشه‌ی راه آینده‌ی برنامه‌ی درسی ملی چگونه طراحی شده است؟ چه بایسته‌ها و انتظاراتی از معلمان باید وجود داشته باشد؟ استلزامات و اقتضانات بیاض شدن این سند چیست؟ و... به نظر می‌رسد اگر بتوانیم پاسخ مناسبی به این سوالات بدهیم، مقدمات تحول ایجاد شده است. با چنین نگاهی می‌توان گفت که همکاران عزیز، باید مسئولیت جدید و مهمی را به عهده بگیریم. زیرا در چشم‌انداز برنامه‌ی درسی ملی آمده است: ما می‌خواهیم «زمینه‌ی تربیت نسلی متفکر، عاقل و خلاق، مؤمن و خودبیار، دانا و بصیر و متخلق و خودساخته، تلاشگر و سالم، خودیادگیرنده، مفتخر به ایرانی بودن، توانا در تولید علم و فناوری، و وفادار به ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی را فراهم سازیم.»

در شرایطی که همکاران طرح تولید برنامه‌ی درسی ملی در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، با مشارکت فعال حوزه‌های صف و ستادی کمیته‌های استانی، کمیته‌های تخصصی متعدد، انجام مطالعات نظری، تطبیقی و پژوهش‌های متعدد، نشست‌های منطقه‌ای، سراسری و همایش‌های متعدد، نگاشت سوم این طرح را در اردیبهشت ماه ۱۳۸۹ منتشر کرده‌اند. سؤال اساسی ما از شما معلمان محترم و فکور این است که برای تحقق چنین چشم‌اندازی، از کجا شروع کنیم و چگونه عمل کنیم؟ منتظر پاسخ‌های شما دل‌سوزان فرهنگ و آموزش ایران اسلامی عزیز هستیم.



دفتر انتشارات کمک آموزشی

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند.

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند.

- رشد **کودک** (برای دانش‌آموزان ابتدایی و پایه اول دوره‌ی دبستان)
- رشد **نوجوان** (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره‌ی دبستان)
- رشد **دانش‌آموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره‌ی دبستان)
- رشد **و جوان** (برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)
- رشد **دانشگاه** (برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه‌ی سراسری)

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند.

- رشد آموزش ابتدایی
- رشد آموزش راهنمایی تحصیلی
- رشد نگویزی
- آموزش
- رشد مدرسه فردا
- رشد مدیریت مدرسه
- رشد معلم

مجله‌های بزرگسال اختصاصی

به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند.

- رشد زبان‌رسان (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)
- رشد بوهران (مجله متوسطه انجمن ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه)
- رشد آموزش قرآن
- رشد آموزش لغات اسلامی
- رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- رشد آموزش هنر
- رشد مشاور مدرسه
- رشد آموزش تربیت‌گشتی
- رشد آموزش علوم اجتماعی
- رشد آموزش تاریخ
- رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش زبان
- رشد آموزش ریاضی
- رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزشی نسبی
- رشد آموزش ریاضیات کاربردی
- رشد آموزش فلسف و حرفه‌های
- رشد آموزش سبب‌شناسی

تخصصی رشد عمومی و اختصاصی سوان آموزگاران، معلمان، مدیران و کارکنان آموزش ابتدایی، دانش‌مندان، کارکنان آموزش و پرورش و رشته‌های دیگری دانشگاهی و کارشناسان علوم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

- نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره‌ی ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۴۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.
- تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۲۰۱۴۷۸

۱۳. اندریو یاماس، پیدایش آبوهوا، بدایش فصل‌ها، ترجمه رضا ناظمیان، بحره، تهران، ۱۳۸۸.

۱۴. میشل فرانسوا، با گله‌های کوچک: شناخت انرژی شناخت آتش‌فشان‌ها، ترجمه مهناز عسگری آفرینگان، تهران، ۱۳۸۸.

۱۵. عابد بزمیان و دیگران، کتاب‌های دانش پایه، فناوری ناب، مدرسه، تهران، ۱۳۸۸.

۱۶. راب بون، منابع انرژی (۵۸ انرژی در دنیای فردا، ترجمه رضا کریمی، فدایی، کتاب‌های پنجم، تهران، ۱۳۸۸.

۱۷. غلامرضا صفری، کاربرهای علمی، کاربردی (زبان‌نگار درس علوم تجربی) دوره راهنمایی تحصیلی، طلوع دانش، تهران، ۱۳۸۸.

۱۸. سری جنگیر و دیگران، مجموعه فرهنگ دانش بوجوان، فرهنگ علوم، فرهنگ ریاضی، فرهنگ فناوری، فرهنگ جغرافیایی، ترجمه امیر صالحی طالقانی، مدرسه، تهران، ۱۳۸۸.

۱۹. راسل کرو، علم در قرن ۲۱ (مجموعه ۸ جلدی)، ترجمه مجید عمیق افی، تهران، ۱۳۸۷.

۲۰. علاء بوری، گنجینه یادگیری علوم اول، دوم، سوم راهنمایی، مستکران، بیسروان، تهران، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸.

جغرافیا

۱. بخش تحقیقات و مطالعات جغرافیایی مؤسسه سحاب، اطلس عمومی ایران و جهان، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، تهران، ۱۳۸۷.

۲. فرورزنده خداجو، دوستت دارم ایران، چهارمحل بخاری، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر انتشارات کمک آموزشی، تهران، ۱۳۸۸.

۳. گسروش امیری‌سا و مهدی جلیله، گنجینه یادگیری جغرافی اول، دوم، سوم راهنمایی، مستکران، بیسروان، تهران، ۱۳۸۸.

کتاب‌نامه‌ی رشد

دوره‌ی آموزش راهنمایی

فهرست نویسی کتاب‌های آموزشی منتشر شده توسط انتشارات کمک آموزشی





که از باد و باران سپاس بگویند

بی آنکه خندم از عظم کافری بلند

شکوہت پایذہ باد
 ای معلم
 که درخشان ترین ستاره ای ...



مکتبہ الفکر، لاہور